

آموزشی ابتداری

رشد



وزارت آموزش و پرورش
سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی
دفتر انتشارات و فناوری آموزشی

ماهنامه‌ی آموزشی، تحلیلی و اطلاع‌رسانی
برای آموزگاران، دانشجو معلمان و کارشناسان وزارت آموزش و پرورش
دوره‌ی بیست‌وهفتم | بهمن ماه ۱۴۰۲ | شماره‌ی پی‌درپی ۴۸ | ۲۳۸ صفحه
www.roshdmag.ir

ای وطن ای مادر تاریخ‌ساز





خون زنان خورده ایم
ما بر سر آنکه از این خانه خوابیم

نادرا برای منی

آموزشی ابتداری



وزارت آموزش و پرورش
سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی
دفتر انتشارات و فناوری آموزشی

خانواده‌ی مجلات رشد هم‌ه‌ی تلاش خود را کرده است تا این مجله در دسترس عموم جامعه‌ی آموزشی و تربیتی کشور قرار گیرد و همه‌ی مخاطبان در مین عزیز اسلامی‌مان امکان تهیه‌ی آن را داشته باشند.

قیمت ۱۱۰۰۰ ریال



nazar.roshdmag.ir



برگه‌ی اشتراک مجله

ماهنامه‌ی آموزشی، تحلیلی و اطلاع رسانی
برای آموزگاران، دانشجویان و کارشناسان وزارت آموزش و پرورش
دوره‌ی بیست‌وهفتم | بهمن‌ماه ۱۴۰۲ | شماره‌ی بی‌دری ۲۱۸ | صفحه ۴۸
www.roshdmag.ir

بسم الله الرحمن الرحيم

اللهم صل على محمد وآل محمد وعجل فرجه

مدیر مسئول: محمد صالح مدنی

سرمدیر: مهدی رضایی

شورای برنامه‌ریزی: دکتر فاطمه وجدانی، دکتر معصومه فرحوش،

مریم پراکنده، امیر ذوقی، محمد سبحانی

مدیر داخلی: مریم شهرآبادی

ویراستار: زهرا نظام‌الدینی

مدیر هنری: کوروش یارسانزاد

طراح گرافیک: وحید حقی

دبیر عکس: اعظم لاریجانی

تصویرگر: حسین یوزباشی

نشانی دفتر مجله: تهران، ایرانشهر شمالی، پلاک ۲۷۰

تلفن: ۸۸۸۳۹۱۷۸ - ۲۱

۹ - ۸۸۸۳۱۱۶۱ - ۲۱ (داخلی ۵۱۱)

نمابر: ۸۸۳۰۱۴۷۸ - ۲۱

وبگاه: www.roshdmag.ir

پیام‌رسان شاد: @roshdmag

رایانامه: ebtedayi@roshdmag.ir

چاپ و توزیع: شرکت افست

صندوق پستی امور مشترکین: ۱۵۸۷۵/۲۳۳۱

تلفن امور مشترکین: ۸۸۸۶۷۳۰۸ - ۲۱

فهرست

۲ **وطن یعنی هویت، اصل، ریشه** | مهدی رضایی

۳ **یانوی نور و آینه** | سپیده انصافی‌مهریانی

آموزش

۴ **تقویم** | فاطمه نوروزی

۶ **پایه پایه یا قرآن** | مریم خدادادی، زینب قلی‌نژاد

۱۰ **الفبای محیط زیست** | مریم شهرآبادی

۱۲ **از شیا تا شیک** | دکتر عبدالجبار هژبری، سیدعلی عبداللهی حسینی

۱۴ **حفظ هویت ایرانی** | سارا ایمانی

۱۶ **کتاب رسانه است** | فاطمه‌سادات شیخ‌الاسلامی

۱۸ **چهل راهکار انگیزه‌ساز** | زهرا آقاشرافی

۲۰ **بازی جدی** | دکتر سارا سلیمی‌نمین، دکتر آمنه سلیمی‌نمین

۲۴ **مسئله‌محوری در دو قالب** | محمد سبحانی، فاطمه لطفی‌نسب

۲۸ **معرفی نرم‌افزار ایلوستریتور** | ژارمن یولید سن‌ونسنان

در کلاس

۳۰ **علت‌های بروز اختلالات یادگیری** | سمیه داوری

۳۲ **گیاه انگشتی** | فاطمه قاسمی، مهوش افروز

۳۴ **باغچه‌ی پشیمانی** | اعظم لاریجانی

۳۶ **آموزش تفکر** | دکتر محمد فرخی، دکتر حبیب صمدزاده، حسین سلیمی

۳۸ **پشت حصار ناخن** | فاطمه حیدری

۴۰ **شی‌گام در آموزش پروژه‌محور** | فاطمه ستوده‌تیان

تجربه

۴۲ **همراه یارشد** | محمدرضا رشیدی

۴۴ **یایا عروسک داد** | مریم رسولی

۴۶ **یک روز برفی** | فاطمه شیخ‌محسنی، مجتبی محرابی

۴۸ **شعر، شعر، ریاضی** | سعیده یآوری

قابل توجه نویسندگان و مترجمان، مقالیه‌ی که برای درج در مجله می‌فرستید: با اهداف و رویکردهای آموزشی-تربیتی و فرهنگی این مجله مرتبط باشد. قبلاً در جای دیگری چاپ نشده باشد. در حد ۱۰۰۰ کلمه و خلاصه‌ی علمی-آموزشی باشد. روان نظر و دستور زبان فارسی درست باشد. چکیده داشته باشد یا هدف‌ها و پیام نوشتار در چند سطر تنظیم شود. معرفی‌نامه‌ی کوتاهی از نویسنده یا مترجم، عنوان و اثر وی پیوست شود. اگر ترجمه است، متن اصلی نیز همراه آن باشد. ذکر این نکته ضروری است. مجله در رد، قبول، ویرایش و تلخیص مقالیه رسیده مختار است. آرای مندرج در مقاله ضرورتاً مبین رأی و نظر مسئولان مجله نیست.



نشانی کانال رشد آموزش ابتدایی
در پیام‌رسان شاد
@roshd_amoozesh_ebtedaei



استان‌های مشارکت‌کننده در این شماره



وطن یعنی هویت، اصل، ریشه



مهدی رضایی

به بینندگان آفریننده را
نبینی مرنجان دو بیننده را
نیابد بدو نیز اندیشه راه
که او برتر از نام و از جایگاه
سخن هر چه زین گوهران بگذرد
نیابد بدو راه جان و خرد
«فردوسی»

وقتی خوب به اتفاقات پیرامونمان
دقت می‌کنیم، فارغ از تمام اختلافات،
اصلی را می‌یابیم که ما را به اطرافیانمان
پیوند می‌زند. اصلی که باعث می‌شود با
هم شاد شویم و فریاد شادی سر دهیم،
با هم غصه بخوریم یا به کمک یکدیگر
بشتابیم. اصلی که از ما می‌پرسد: چرا جو
عضوی به درد آورد روزگار / دگر عضوها

را نماند قرار و خود پاسخ می‌گوید:
برای اینکه بنی آدم اعضای یک پیکرند
(یکدیگرند)، حالا چه برسد به بنی آدمی
که هم‌وطن هم باشد. موضوع مطلب لو
رفت! قصد داشتیم در مورد وطن صحبت
کنم که عنان کلام از دستم خارج شد.
اگر معنای وطن را عام در نظر بگیریم،
فراتر از قطعه‌ای محصور در بین دو عرض
و طول جغرافیایی، می‌توانیم وطن را
مجموعه‌ای از تاریخ و فرهنگ و جغرافیا
و ادبیات و... بدانیم. همین گنجینه‌ی
عظیم باعث شده است که نقاط اشتراک
زیادی با سایر هم‌وطنانمان داشته باشیم.
ما همه اهل این وطن هستیم، وقتی نوروز
را جشن می‌گیریم و محرم را به عزاداری
می‌پردازیم، با موفقیت‌های تیم‌های ملی
فریاد شادی سر می‌دهیم، به فارسی
صحبت می‌کنیم، با «سلام» شروع به
صحبت می‌کنیم، از خواندن گلستان
سعیدی لذت می‌بریم و قلبمان برای
سلامت یوز ایرانی می‌تپد و البته شواهد
فراوان دیگر....

بهمن‌ماه که از راه می‌رسد، جور دیگری
مسئله‌ی وطن برای ما تازه می‌شود،
وقتی یاد تلاش‌هایی می‌افتیم که برای
سربلندی این کشور انجام شده و
می‌شود و کوشش‌هایی که دشمن برای
ضربه‌زدن به ما روا داشته است. در
این ماه، ایام سالگرد پیروزی انقلاب
اسلامی را پیش‌رو داریم که به فرموده‌ی
امام خمینی(ره): «سرآغاز پیروزی
ملت ایران بر مستکبران و غارتگران،
سرآغاز برچیده‌شدن دستگاه ستمگری
طاغوتیان، سرآغاز حکومت الله بر جهان

و سرآغاز برافراشته‌شدن پرچم عدالت
اسلامی و بیداری مستضعفان» است.^۱
امسال که به فضل خداوند مردم مظلوم
فلسطین به پا خاسته‌اند و در تقابل با
ارتش رژیم صهیونیستی صحنه‌های
عظیمی از مبارزه را به نمایش گذاشته‌اند
و شکست جبران‌ناپذیری به حیثیت و
موجودیت این رژیم وارد کرده‌اند، شاید
بیشتر به حکمت این تعبیرها از حضرت
امام راحل(ره) پی می‌بریم و وظیفه‌ی
سنگین‌تری بر دوش خود احساس
می‌کنیم؛ چراکه انقلاب اسلامی مسیری
را آغاز کرده است که ما ادامه‌دهنده‌ی
راه آن هستیم و دعا می‌کنیم که به‌زودی
شاهد آزادی سرزمین مقاوم فلسطین
باشیم.

در این شماره از رشد آموزش ابتدایی
قصد داریم کمی به موضوع تقویت
«هویت ملی» در برنامه‌ی درسی بپردازیم
و با تجربه‌ها و نظرات همکاران محترم در
این خصوص آشنا شویم، با هم بیاموزیم و
با هم به کار ببندیم. از شما دعوت می‌کنم
این شماره هم همراه ما باشید.
وطن یعنی شکوه سرفرازی
وطن یعنی ز عالم بی‌نیازی
وطن یعنی گذشته، حال، فردا
تمام سهم یک ملت ز دنیا
وطن یعنی چه آباد و چه ویران
وطن یعنی همین جا، یعنی ایران
«علی‌رضاشجاع‌پور»

بی‌نوشت

۱. امام خمینی(ره): ۲۰ بهمن ۱۳۶۱

بانوی نور و آینه

سپیده انصافی مهربانی

آموزگار پایه‌ی اول ابتدایی شهرستان‌های

استان تهران

زینب، بانوی نور و آینه، از سلسله خاندان آفتاب، نورالعین مرتضی(ع)، طلایع‌دار پرچم سبز عشق، تجلی شهامت، روح عزت، کوه صبر و وقار و استقامت، گویی هیبت حیدر(ع) را به ودیعه گرفته است تا اندوه و داغ قتلگاه را با خشمی در دل بر کوفیان فریاد زند. کیست که از شرم ناله‌های زینب(س) محشری در دل برپا نکرده و شور حسین(ع) را در دل نپرورانده باشد؟ بانو، ای عقبه‌ی بنی‌هاشم، به‌راستی سجاد(ع) از دریای بی‌کران علم و فهم تو چه امواجی را دید و در کلامت چه چیز را یافت که تو را عالمه‌ی غیر معلمه خواند؟! مرد آفرین روزگار، بنت‌الجلال، اخت‌الوقار، آن‌گاه که جاده‌های بیابانی حرمت قدم‌های زخمی‌ات را نگاه نداشتند و گویی خورشید هر لحظه آتش می‌گرفت و حنجره‌ها را سنگین‌تر می‌کرد و میان خون و آتش صدای گریه‌ات دل سنگ را می‌لرزاند و پاهای تاول‌زده‌ات سختی‌ها را گلایه می‌کرد، چشم‌ها کور بودند و دل‌ها سنگین‌تر از آنکه بار سنگین دلت را سبک‌تر کنند. موی سپید تو خط بطلان بر قلب سیاه نامردان کوفه است. آه! ای ام‌المصائب، تمام سوگ‌ها و داغ‌ها در حضور مصیبت‌های تو رنگ می‌بازند و از یاد می‌روند. ای سرپرست اسارت‌دیدگان، چه بودی که سیاه‌دلان خون‌ریز کوفه، در کویر عقل و عاطفه، از زرد احساس و بلاغت کلام تو انگشت به دهان ماندند و میبهوت شدند. «فَبَهِتَ الَّذِي كَفَرَ» (بقره / ۲۵۸).

تجسم عصمت فاطمه(س)، خطبه‌ی گویای رشادت و حقانیت حسین(ع)، زینب زهرا(س)، بامهر مادر‌ات کاروان اسارت جهلمان را به سر منزل هدایت و مقصود رهبری کن و یاری‌مان نما تا شمارا به حق‌الگوی زیستن قرار دهیم.



مانند آینه زینب
در باره در دربار

۱۹ بهمن

۱۷ بهمن

۱۲ بهمن

۷ بهمن

۵ بهمن

۲ بهمن

مبعث حضرت رسول اکرم (ص)

شهادت امام موسی کاظم (ع)

بازگشت امام خمینی به ایران و آغاز دهه مبارک فجر

وفات حضرت زینب (س)

ولادت امام علی (ع) و روز پدر

ولادت امام محمد تقی (ع)

فاطمه نوروزی



**بعثت پیامبر (ص)،
سر آغاز تحول بشریت**

۱۹ بهمن ماه مصادف شده است با بعثت پیامبر عظیم الشان اسلام (ص)؛ همان اتفاق بزرگ تاریخ که تحول عظیمی را در وجود نازنین رسول اکرم (ص) و سپس در توده‌ی عظیمی از انسان‌ها رقم زده است. رهبر معظم انقلاب اسلامی در خصوص بزرگی و اهمیت این واقعه می‌فرماید: «در روز مبعث، قلب مقدس پیامبر اعظم (ص) مخزن گران‌بهارترین امانت الهی که همان وحی الهی است، شد و سنگین‌ترین مسئولیت عالم وجود بر دوش‌های پرتوان آن بزرگوار نهاده شد که مسئولیت هدایت بشر تا آخر عالم است. البته این بعثت، هدیه‌ی بزرگی هم بود به همه‌ی بشریت.»^۱

بعثت بار گران‌سنگ تربیت و هدایت انسان‌ها در زمانه‌ی غفلت و خواب‌آلودگی بود که بر دوش نبی اکرم (ص) گذارده شد. خداوند پیامبر (ص) را که تا آن زمان در مبارزه با نفس پیش‌قدم و وجود خویش را برای پذیرش چنین مأموریتی آماده ساخته بود، برگزید تا این انقلاب درونی را در قلب دیگر بندگان خدا نیز تسری بخشد و آن‌ها هم بتوانند، پس از طی مراحل رشد، قله‌های معنویت و اندیشه را فتح و سپس به آنچه رسیده‌اند، عمل کنند.

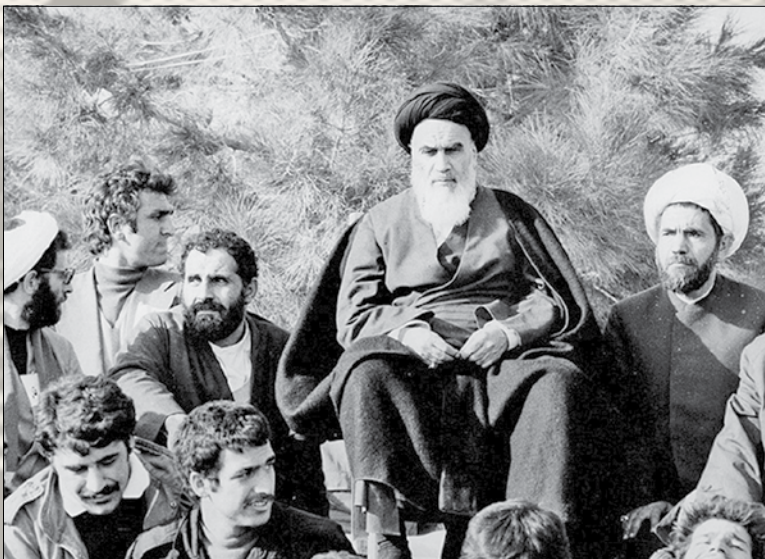


بهمن پر خاطره و شور انگیز

اکنون که قرار است بین مناسبت‌های تقویم و مأموریت‌های تربیتی معلمان پیوند برقرار کنیم و به‌گونه‌ای به این موضوع بپردازیم که گرهی هر چند کوچک از مسئولیت ما باز کند، به نظر می‌رسد مناسبت‌های پرشمار بهمن‌ماه ۱۴۰۲، فرصت مناسبی برای این امر به ما می‌دهد. از این رو، با رویکردی تربیتی به این مناسبت‌ها پرداخته و تلاش کرده‌ام پس از تبیین مختصر مهم‌ترین آن وقایع، نکته‌ی تربیتی آن‌ها را نیز یادآور شوم.

اکثر ما معلمان از بهمن‌ماه و شیرینی‌های تاریخی آن مصداق‌های فراوانی در ذهن و قلب خود داریم. برخی از ما زیستن در هنگامه‌ی پیروزی انقلاب اسلامی را درک نکرده‌ایم و از آن روزهای پرخاطره، مصداقی عینی در ذهن نداریم؛ اما از همان دوران دانش‌آموزی این موضوع را به‌خوبی لمس کرده‌ایم که ماه بهمن با دیگر ماه‌های سال تحصیلی برایمان تفاوت دارد؛ از برگزاری جشن‌های انقلاب در دهه‌ی مبارک فجر و مشارکت در تزیین دیوارهای مدرسه گرفته تا ایفای نقش در گروه‌های سرود و نمایش‌های انقلابی.

در سطور پیش رو، در کنار هم، ریشه‌ها و مبنای آنچه را در دل زمستان به مدرسه‌ها رنگ‌وبوی بهار بخشیده است، مرور می‌کنیم تا دریابیم، به‌عنوان مربی و پرورنده‌ی نسل آینده‌ی انقلاب اسلامی، چه مأموریت و مسئولیتی بر دوش داریم.





حقایق بعثت



مرجع رهروان حقیقت



مستقل پیروز



مناجات شورانگیز
شعبانیه

آموزشی

بهمن ماه

خوردنی بست و هفتم
شماره ۵ / ۱۴۰۲

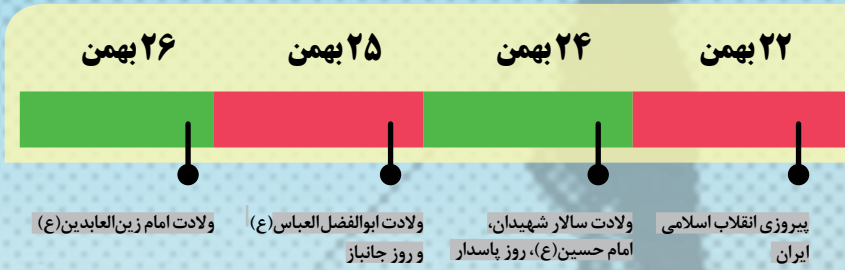


است که در امتداد حرکت انبیا و ائمه‌ی معصوم (علیهم‌السلام)، با الگوگیری از قیام حسینی(ع)، شکل گرفته و با عبور از مقدماتی سخت و طاقت‌فرسا، زمینه‌ی ایجاد حکومتی را بر پایه‌ی احکام اسلام ناب فراهم آورده است. حکومتی که در دل آن، فطرت پاک و خدایی انسان‌ها در زیر خروارها خاکستر گناه و منیت مدفون نشود و زمینه‌سازی برای رشد روح و تقویت قلب فراهم باشد. همچنین انسان‌ها مسیر حق را از باطل باز شناسند و با تکامل در مسیر هدایت، به سعادت دنیوی که همان عزت، استقلال و آزادی است و سعادت اخروی که همان همراهی با اولیای الهی و کمک به ایشان در مسیر حق است، دست یابند.

از این رو، ضروری است با اندیشیدن در ماهیت انقلاب شکوهمند اسلامی، با دانش‌آموزان خود، از نحوه‌ی شکل‌گیری، فرایند پیروزی و به‌ثمرنشدن تلاش‌ها و خلوص نیت‌ها به گفت‌وگو بنشینیم و تحولات تاریخی جاری‌شده بر اساس الگوی آن را بررسی کنیم.

انقلاب اسلامی ایران با پیش‌توانه‌ی دینی و بر مبنای عقلی خود که از کامل‌ترین دین الهی شکل گرفته است، همه‌ی مناسبت‌ها و برنامه‌ریزی‌ها و اقدام‌های خود را از رهگذر شاخص‌های اسلامی می‌سنجد و به آن امتیاز می‌دهد. بر همین اساس این انقلاب نه‌تنها نجات‌بخش مردم خسته از طاغوت زمان خویش شده است، بلکه این حرکت توأم با عزت و اقتدار، در هر نقطه از جهان، مردم امیدوار به فرج را نیز به حرکت وا می‌دارد.

انقلاب اسلامی ایران پیش از آنکه خود به وقوع بپیوندد، انقلاب درونی انسان‌ها را در اولویت قرار داده است. پایه‌ی این انقلاب دین و مردم بوده‌اند. مردمی که ابتدا باید مبعوث‌شدن خویش را در زمانه‌ی خود بشناسند، انقلاب درونی را درک کنند و بیدار شوند، قلب و روح خود را از زیر غفلت بیرون بکشند سپس با توکل بر قدرت لایزال الهی و تکیه بر خداوند متعال و مربیانی که برای هدایت انسان فرستاده است، حرکت به سمت نور را طلب کنند و از هیچ مانعی جز ناآگاهی و ظلم نهراسند.



اجتماعی نیز قدم بردارند. طاغوت‌های زمان اما همواره با هدف قراردادن امیال و فربه‌کردن شهوات مادی اعم از ثروت، جایگاه اجتماعی، مقام‌های دنیایی و... منیت انسان‌ها را می‌پروراند و آن‌ها را از مسیر حق که دنیاطلبی را مذموم می‌شمارد، باز می‌دارند. این طاغوت‌ها مردم را تشویق می‌کنند تا نعمت‌های الهی را در جهت منافع طاغوت که به غفلت از رشد و شکوفایی روح می‌انجامد، استفاده کنند.

ائمه(ع) الگوی یک حکومت را حکومت نبوی می‌دانستند. حکومتی که بر مبنای دستورات اسلام ناب تشکیل شده باشد؛ اما حاکمان جور و ستم‌زمانه‌ی ایشان، با وجود ظاهری دینی و اسلامی، در مسیر حذف فرامین دین اسلام قدم بر می‌داشتند و مانع از تحقق چنین هدف‌والایی می‌شدند.

عظمت انقلاب اسلامی ایران

انقلاب اسلامی ایران موهبتی الهی



انقلاب درونی؛ سرآغاز نظام‌سازی

دین اسلام تربیت فردی را مقدمه‌ی تربیت اجتماعی قرار داده است. نظریه‌ی «نظام انقلابی»، در بیانیه‌ی گام دوم، بر همین اساس معرفی می‌شود. این نظریه بر آن است که نظام انقلابی از به هم پیوستن انسان‌های متحول‌شده و رشدیافته تشکیل می‌شود. انسان‌هایی که در این نظام زیست می‌کنند، علاوه بر تقویت اراده و کسب قدرت برای شکستن بن‌بست‌های طاغوت‌گونه، سرنوشت همه‌ی انسان‌ها در همه‌ی عالم برایشان اهمیت دارد. از این رو، برای تمدن‌سازی برنامه‌ریزی می‌کنند و قدم بر می‌دارند.

تلاش امامان شیعه در راستای نظام‌سازی و مبارزه‌ی سیاسی با دستگاه حاکمیت

بهمن امسال با ولادت‌های پربرکت و باسعادت ماه رجب و شعبان و شهادت و وفات معصومین (علیهم‌السلام) رنگ‌بوی دیگری یافته است و ما را به تأمل بیشتر وا می‌دارد. با مرور زمانه‌ی انسان ۲۵۰ ساله، یعنی حیات سیاسی اهل بیت (علیهم‌السلام)، از سال دهم هجرت تا پایان غیبت صغری، در می‌یابیم که الگوی تربیتی ایشان بر اساس تلاش برای تحول باطنی انسان‌هایی شکل گرفته است که اگر با انقلاب درونی، روح خفته‌شان بیدار شود، می‌توانند در جهت تحولات عظیم



پایه پایه با قرآن

آموزش سوره‌های مناسب دوره‌ی ابتدایی

مریم خدادادی

مسئول کارگروه دبستان مدرسه‌ی

دانشجویی قرآن و عترت (ع) دانشگاه تهران

زینب قلی‌نژاد

عضو کارگروه دبستان مدرسه‌ی

دانشجویی قرآن و عترت (ع)

تابستانشان را سامان می‌دهند. این سوره‌ها به قصد آموزش انواع تمایز ارائه می‌شود. تعدادی از این سوره‌ها اخلاقی و برخی اعتقادی و تعدادی اجتماعی‌اند. هر کدام از آن‌ها منجر به تمایز در مسائل اجتماعی، اخلاقی و اعتقادی می‌شود (اخوت، ۱۳۹۹: ۸۶ و ۸۷) (جدول دو).

سوره‌های مناسب برای آموزش به پایه‌ی سوم با مقصد ارتقای توان درک قوانین و انجام کارهای خوب ساده

مقصد در این پایه، توانمندشدن فرزندانمان در رویارویی با چیزهایی که مشاهده می‌کنند و تقویت درک تحلیلی آن‌هاست. کودک با این درک و فهم می‌تواند مسائل مربوط به یک چیز را به صورت مجزا ببیند و در صورت نیاز برای هر یک تصمیم یا درک مجزا داشته باشد. همچنین قدرت رویارویی او با پدیده‌ها بالا می‌رود و می‌تواند اشیا را از منظرهای متفاوت مشاهده کند. سوره‌هایی که برای این پایه انتخاب شده‌اند، سوره‌هایی‌اند که به شدت دقت فرد

بچه‌ها پیام سوره را کم‌کم تجربه کنند تا وارد چرخه‌ی ادراک و عملشان شود.

سوره‌های مناسب برای آموزش به پایه‌ی اول با مقصد آموزش ابراز شادی و نشاط

هدف از آموزش سوره‌های قرآن، در پایه‌ی اول، فعال کردن و جهت‌دادن به ابرازهای کودکان است. در این پایه، یازده سوره آموزش داده می‌شود که اولین آن‌ها سوره‌ی حمد و سپس سوره‌ای از انتهای قرآن یعنی سوره‌ی ناس است. دو سوره‌ی انتهایی جدول، یعنی سوره‌های فیل و قریش، سوره‌هایی برای تابستان‌اند. سوره‌های تابستان، در هر پایه، اولین سوره‌های پایه‌ی بعدی هستند (جدول یک).

سوره‌های مناسب برای آموزش به پایه‌ی دوم با مقصد جداسازی خوب از بد

سوره‌های مناسب برای پایه‌ی دوم ادامه‌ی سوره‌های جزء سی‌ام از آخر است. در این پایه، نه سوره انتخاب شده است که سوره‌ی انتهایی جدول، یعنی سوره‌ی قدر، مربوط به سال بعد است. دانش‌آموزان در تابستان، با محوریت این سوره، خودشان برنامه‌های

جدول ۱

نام سوره	هدف سوره
حمد	ابراز مسرورانه؛ آموزش دیدن زیبایی‌ها همراه با تحسین و ایجاد حال خوب.
ناس	ابراز سرعت‌مندان؛ آموزش سرعت و سبقت و دوری از کندی.
فلق	ابراز هوشیارانه؛ آموزش هوشیاری و بانشاط بودن هنگام مواجهه با مشکلات.
توحید	ابراز ذاکرانه؛ آموزش مشاهده‌ی عظمت خداوند در مخلوقات.
مسد	ابراز آسیب‌گیرانه؛ آموزش دوری از آسیب و دشمن‌گریزی.
نصر	ابراز ناصرانه؛ آموزش مشارکت در کارهای خوب.
کافرون	ابراز جداسازانه؛ آموزش نه گفتن.
کوثر	ابراز شاکرانه؛ آموزش دیدن نعمت‌ها و شکر نعمت.
ماعون	ابراز فعالانه؛ آموزش مؤثر بودن برای دیگران همراه با توجه به امر نماز.
فیل و قریش	آمادگی برای مطالعه‌ی داستان‌های گذشتگان؛ عبرت از زندگی دیگران.

در شماره‌ی قبل در مقاله‌ای تحت‌عنوان «خیرگزینی با قرآن» با مفهوم رشد در دوره‌ی ابتدایی آشنا شدیم. دانستیم که «خیرگزینی» یعنی دیدن حالت‌ها و گزینه‌های گوناگون در هر موضوع و انتخاب بهترین و سودمندترین گزینه بر اساس معیار درست و حرکت به سمت گزینه‌ی انتخاب‌شده تا رسیدن به منافع آن. بنابراین در پایان دوره‌ی ابتدایی دانش‌آموزان باید بتوانند در صورت مواجهه با یک موقعیت، گزینه‌های درست را شناسایی کنند، معیار درست را بشناسند و بهترین گزینه را انتخاب و آن را عملیاتی کنند. آنچه درست‌ترین معیارها را در ذهن شکل می‌دهد، مفاهیم قرآنی است. از این‌رو، یادگیری قرآن در این سن با هدف ایجاد معیارهای حق در ذهن کودک انجام می‌گیرد که البته این امر متناسب با ویژگی‌های سنی آن‌هاست؛ لذا آموزش قرآن در این دوره به‌منظور «فهم قرآن» با هدف «خیرگزینی» است.

در این مقاله قصد داریم به سوره‌هایی اشاره کنیم که برای هر پایه مناسب‌اند و به چگونگی آموزش این سوره‌ها متناسب با هدف هر پایه بپردازیم.

به دلیل اهمیت استمرار در آموزش، هر سوره را حداقل سه هفته کار می‌کنیم. مهم‌ترین امر در آموزش یک سوره، خواندن متن سوره در فضایی بانشاط است. سپس سعی می‌کنیم پیام سوره را نیز در موقعیت‌های گوناگون به دانش‌آموزان انتقال دهیم؛ مثلاً وقتی می‌خواهیم سوره‌ی فلق را آموزش دهیم، حدود یک ماه، هر روز، آن را می‌خوانیم و سعی می‌کنیم

آموزش ابتدایی

پنجمین ماه
دوره‌ی بیست‌وهفتم
شماره‌ی ۵ | ۱۴۰۲

۶

سوره التین

جدول ۲

را در مواجهه با پدیده‌های گوناگون بالا می‌برند (همان، ۸۸). در واقع این دسته از سوره‌ها سبب افزایش قدرت تحلیل می‌شوند و فرد را به سمت انجام کارهای خوب سوق می‌دهند. سوره‌ی بلد سوره‌ی تابستان در این پایه است (جدول سه).

سوره‌های مناسب برای آموزش به پایه‌ی چهارم با مقصد ارتقای توان برنامه‌ریزی و انجام کار خوب بیشتر

سوره‌هایی که در این پایه خوانده می‌شوند، سوره‌هایی‌اند که دانش‌آموز را به داشتن معیار و رهبر و ولی دلالت می‌کنند. این مهم‌ترین رکن

نام سوره	هدف سوره
قریش	تمایز نفع قدرت جمعی از قدرت فردی.
فیل	تمایز قدرت خدا از قدرت غیر خدا.
همزه	تمایز اخلاق خوب از اخلاق بد.
عصر	تمایز نفع برد حقیقی از برد ظاهری.
تکائر	تمایز مقایسه‌های درست از مقایسه‌های ناراحت‌کننده.
قارعه	تمایز کار با ارزش از کار بی‌ارزش.
عادیات	تمایز سرعت و هماهنگی در کار گروهی از کندی و ناهماهنگی.
زلزال	تمایز انجام کار خوب کوچک از انجام ندادن آن.
قدر	تمایز نفع برنامه‌ریزی و برنامه نداشتن و درک ارزش زمان.

آموزشی
ابتدایی

پنجمین ماه

دوره‌ی بیست و هفتم
شماره‌ی ۵، ۱۴۰۲



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

برنامه‌ریزی و اولویت‌دهی است؛ زیرا در نگاهی جامع‌تر و کلی‌تر، بر اساس نظر ولی الهی، برنامه‌ها نسبت به هم ترجیح می‌یابند. ابتدای سال تحصیلی با سوره‌ی بلد شروع می‌شود که در قالب آن، افراد شاهد دستاوردهای دوستان خود از شهرهای گوناگون و تفاوت‌های آن‌ها هستند. در انتهای جدول نیز سوره‌ی انشقاق قرار دارد که به استفاده‌ی بهینه از امکانات زندگی اشاره و دانش‌آموز را به تابستانی پر بار از نظر علمی و عملی با شناخت بهتر امکانات دعوت می‌کند (همان، ۹۱) (جدول چهار).

سوره‌های مناسب برای آموزش به پایه پنجم با مقصد رغبت به خوبی‌ها

مقصودی که برای این پایه در نظر گرفته شده است، سبب فعال شدن دانش‌آموز در انتخاب خوبی‌ها و بالا رفتن حس رضایتمندی در او می‌شود. رغبت به خوبی با انجام دادن مکرر کارهای خوب به دست می‌آید. سوره‌های انتخاب‌شده در این پایه از نظر تعداد کم‌اند؛ ولی از نظر تعداد آیه با آنچه در پایه‌های قبل بوده است، تناسب دارند. به همین دلیل لازم است در این پایه، به جای سوره‌پیمایی، قدری به عمیق شدن در مفهوم آیات نیز توجه شود و افراد برای تحقق مضامین آیات، کار عملی بیشتری انجام دهند. این سوره‌ها سوره‌هایی با تأکید بر روابط حسنه‌ی اجتماعی و مراعات حقوق دیگران هستند. سوره‌ی تکویر برای تابستان در نظر گرفته شده است (همان، ۹۳) (جدول پنج).

جدول ۳

نام سوره	هدف سوره
قدر	شناخت ارزش زمان و عظمت قرآن به واسطه‌ی آشناسدن با شب قدر.
بینه	آشنایی با دلایل هر کار.
علق	تمرین خوب دیدن و خوب شنیدن و خوب فهمیدن به‌عنوان عواملی برای جداسازی و کشف ارتباطات و تحلیل درست.
تین	تمرین سازگاری و مقاومت به‌عنوان قانون ماندگاری.
ضحی	توجه به نیازهای واقعی و نعمت‌ها.
انشراح	آگاهی از نقش تجربه و کار در کشف توانمندی‌ها.
لیل	آسان شدن کارهای خوب.
شمس	جهت‌دهی و تقویت توان‌ها.
بلد	توجه به تفاوت‌هایی که در اثر زندگی در محل‌های متعدد به وجود می‌آید.

جدول ۴

نام سوره	هدف سوره
انشقاق	خانواده‌محوری با رویکرد آخرت‌گرایی.
مطففین	دیگران را دیدن با رویکرد آخرت‌گرایی.
انفطار	تلاش برای ایجاد و حفظ صفات خوب به واسطه‌ی آشنایی با ارزش ذاتی انسان و کرامت او.
تکویر	خواندن قرآن و انس به آن، به‌عنوان یکی از بهترین کارها.



سوره‌های مناسب برای آموزش به پایه‌ی ششم با مقصد آموزش گسترش خیر و کارهای خوب

جدول ۵

نام سوره	هدف سوره
بلد	انجام کارهای سخت و پیچیده به واسطه‌ی برنامه‌ریزی.
فجر	درک محدودیت‌ها و رعایت محدوده‌ها.
غاشیه	تفکر و عاقبت‌نگری برای رسیدن به نتیجه‌ی بهتر.
اعلی	پرثمر و مفید بودن.
طارق	آشنایی با قرآن و امام به‌عنوان هدایت‌کننده‌های برنامه‌ی زندگی.
بروج	مشاهده‌ی خود و درک شاهدبودن خداوند.
انشقاق	شناخت امکانات و نعمت‌ها و برنامه‌ریزی برای شناخت نعمت‌های جدید، به‌ویژه در خانواده.

جدول ۶

نام سوره	هدف سوره
تکویر	انتخاب قیام و برای همراهی با امام.
عبس	پذیرش حق برای افزایش توانایی‌های خود و توجه به توانمندی‌های دیگران.
نازعات	پذیرش وظایف و انجام سریع آن‌ها همراه با اختیارکردن تشویق و تنبیه خود.
نبأ	باخبر شدن از قوانین خوشبختی و سعادت حقیقی.

سوره‌های مناسب برای آموزش به پایه‌ی ششم با مقصد آموزش گسترش خیر و کارهای خوب

سوره‌های این پایه از سوره‌ی تکویر آغاز می‌شود. در این سوره دانش‌آموز با شأن رسول، امام و قرآن به‌عنوان عاملان هدایت آشنا می‌شود. در ادامه، سوره‌های عبس، نازعات و نبأ قرار دارند که به بیان حقایق پایداری در مسیر خیر و خوبی می‌پردازند. هر یک از این سوره‌ها به وجهی دانش‌آموز را به خوب‌بودن و گسترش خوبی دلالت می‌دهند (همان، ۹۴) (جدول شش).

منبع

۱. احمدرضا اخوت، فهم قرآن در دبستان و دبیرستان، انتشارات قرآن و اهل بیت نبوت (ع)، چاپ دوم، ۱۳۹۹.

آموزشی
ابتدایی

پنجمین ماه

دوره‌ی بیست و هفتم

شماره‌ی ۵ | ۱۴۰۲

۹



مریم شهرآبادی
کارشناس آموزش ابتدایی

در دفتر مجله مشغول به کار بودم که خانمی خوشرو و مهربان سمت من آمد و اسمم را صدا کرد. بعد از احوالپرسی و معرفی خودش، کاغذهایی را از کیفش بیرون آورد و با هیجان در مورد آنها توضیحاتی داد. من هم با دقت گوش دادم. برگه‌ها دو نمونه از طرح‌هایی بودند که برای محافظت از محیط‌زیست به شکل پوستر درست کرده و برایشان نام «رد پای پلاستیکی» و «رد پای انسان و حیوان» گذاشته بود. همچنین تکه‌فیلمی (کلیپی) از فعالیت‌هایی را که در مدرسه انجام داده بود، به من نشان داد. این فعالیت‌ها نظرم را جلب کرد. متوجه شدم با مدیر و آموزگاری فعال در حیطه‌ی محیط‌زیست روبه‌رو هستم که کارهای بارزشی در این زمینه انجام داده و با امکانات کم اما تدابیر درست و مهم، گام‌های بزرگی برای رسیدن به اهدافش برداشته است. در کارنامه‌ی کاری وی کسب رتبه‌ی برتر کشوری، در همایش ملی بهره‌وری مصرف انرژی، و کسب رتبه‌ی دوم استان تهران، در جشنواره‌ی تجربه‌های برتر تربیتی و آسیب‌های اجتماعی، وجود دارد. چندی پیش هم باخبر شدیم رتبه‌ی سوم سیزدهمین دوره‌ی جایزه‌ی ملی محیط‌زیست را در سطح کشور به دست آورده است. خانم خدیجه ماهری متولد سال ۱۳۵۴، در شهر اردبیل، با ۲۸ سال سابقه‌ی خدمت در آموزش و پرورش، مدیر، آموزگار و فعال محیط‌زیست در مدرسه‌ی ابتدایی «پروین اعتصامی»، با بیش از ۵۰۰ دانش‌آموز، در شهرستان شهر قدس است. به این ترتیب، گفت‌وگویی با ایشان شکل گرفت.

■ **چطور شد به فعالیت در زمینه‌ی محیط‌زیست علاقه‌مند شدید؟**

من در خانواده‌ای بزرگ شده‌ام که همیشه به نظم داشتن و درست مصرف کردن اهمیت می‌داده‌اند. از شروع آموزگاری‌ام تاکنون نیز با دیدن دانش‌آموزانی که با وجود سطل زباله باز هم زباله‌های خود را روی زمین می‌انداختند یا شیر آب را باز می‌گذاشتند یا در مورد وسایل شخصی خودشان اسراف می‌کردند، ناراحت می‌شدم. عمیق‌ترین تأثیر زمانی بود که پسرم به همراه دوستانش، برای جمع‌آوری صافی (فیلتر) سیگار، به پارک لاله‌ی تهران و پارک جیتگر رفته بودند. وقتی بلاهایی را که بر



الفبای محیط‌زیست





مدرسه‌ی پاک من

لوح تقدیر بگیرم که خیلی برایم ارزشمند است.
■ نقش اولیا را در حفظ محیط زیست چگونه می بینید؟

بی تفاوتی به محیط زیست باعث به هم ریختن بوم سازگان (اکوسیستم) می شود و در آینده ای نه چندان دور بازتاب مشکلات به وجود آمده به خودمان برمی گردد. با توجه به وسعت مشکلات، ما نیاز به هشتاد میلیون نفر همیار محیط زیست داریم. مدرسه‌ی «پروین اعتصامی» در واقع یک خانه‌ی محیط زیست است. در مدرسه‌ی ما بیش از پانصد دانش آموز مشغول به تحصیل هستند که خانواده‌های آن‌ها هم بی اهمیت به محیط زیستشان نیستند. در واقع ما پانصد خانواده‌ی محیط زیستی داریم.

■ از فعالیت‌هایی که در زمینه‌ی محیط زیست داشتید خاطره‌ای دارید بر ایمان بگوئید؟

یکی از روزهای آخر سال تحصیلی ۱۳۹۴، با دانش آموزانم برای بازدید از روند تصفیه‌ی آب، به تصفیه‌خانه رفته بودیم. تقریباً همه‌ی قسمت‌ها را بازدید کردیم و آقای مهندس توضیحات کامل دادند. وقتی صحبت از بحران آب و خشکسالی شد، دانش آموزانم ناراحت شدند و هنگام خروج با همدیگر عهد بستند آب را هدر ندهند. این خاطره از این رو برای من ارزشمند بود که دیدم دانش آموزانم به اهمیت آب پی برده‌اند و در نتیجه زحمات‌های من بی نتیجه نبوده است.

■ آیا برنامه‌ای برای آینده دارید؟

برایم باارزش است که یک دانش آموز دغدغه‌مند به محیط زیست تربیت کنم. برای همین کارت همیار محیط زیست چاپ کرده‌ام که قرار است به آن‌ها تحویل بدهم. نکته‌ی شایان توجه این است که این کارت‌ها به خانواده‌هایی که دغدغه‌ی محیط زیست دارند، هم تعلق می گیرد. می‌خواهم یادگاری من به بچه‌ها این باشد که وقتی از این مدرسه رفتند با داشتن این کارت خود را شهروند مسئول بدانند. در برنامه‌ی شخصی هم به یاری خداوند اقدام به تشکیل «گروه‌های مردمی» و «سمن» برای انجام فعالیت‌های محیط زیستی خواهیم کرد.

معیار انتخاب مدرسه‌ی «پروین اعتصامی»، به عنوان خانه‌ی محیط زیست، فعالیت شاخص و متنوع و فراگیر محیط زیستی در مدرسه و در بین دانش آموزان و خانواده‌های دانش آموزان بوده است. در این دبستان با آموزش ۵۶۰ دانش آموز همیار محیط زیست به داشتن ۵۶۰ خانواده‌ی محیط زیستی دست یافتیم.

■ آیا مدرسه‌ی شما قوانین خاصی هم دارد؟
در مدرسه‌ی ما هر دانش آموز مسئول جمع آوری زباله‌های خودش است. در کلاس درس، هر روز، دو نفر از دانش آموزان کلاس موظفاند در پایان کار، کلاس را تمیز کنند. آوردن بطری آب پلاستیکی به مدرسه ممنوع است و اکثر بچه‌ها قمقمه‌ی دائمی دارند و برای گذاشتن وسایل خوراکی از کیسه‌های پارچه‌ای استفاده می کنند. بچه‌ها باقیمانده‌ی مواد خوراکی مانند نان و پوست میوه‌ها و ... را که قابل بازیافت هستند، به مدرسه تحویل می دهند تا پس از خشک شدن، آن‌ها را به مراکزهایی مثل دامداری و تهیه‌ی کمپوست تحویل بدهیم. در ابتدای سال تحصیلی هم کتاب‌های درسی را در کیسه‌های پارچه‌ای تحویل بچه‌ها می دهیم. در مراسمی که به مناسبت‌های متعدد برنامه داریم، به هیچ عنوان از ظرف‌های یک‌بار مصرف استفاده نمی کنیم. همچنین برای داشتن نظم، در حیاط و راهروهای مدرسه، خط‌هایی کشیده شده است تا بچه‌ها در رنگ‌های تفریح و هنگام خروج از مدرسه، به منظور جلوگیری از هل دادن، از روی این خط‌ها رد شوند.

■ آیا هیچ کدام از ایده‌های شما باعث به وجود آمدن اتفاق خاصی شده است؟

بله. چند وقت پیش از دانش آموزان درخواست کردم در بطری‌های پلاستیکی را که در منزل دارند، جمع کنند و به مدرسه بیاورند. برای بچه‌ها توضیح دادم با این کار هم به محیط زیست کمک می کنند و هم کار خیر انجام می دهند؛ چون می‌توانند این درها را با چرخک (ویلچر) مبادله کنند. خوشبختانه این اتفاق افتاد و توانستیم سه عدد چرخک تهیه کنیم. مقداری از درها را هم برای تزئین دیوار راهروی مدرسه استفاده کردیم.

■ رابطه‌ی شما با دانش آموزان چگونه است؟

همیشه سعی کرده‌ام اخلاق و رفتار مناسبی داشته باشم و با دانش آموزان صمیمی و مهربان رفتار کنم تا سال تحصیلی را با کمترین مشکل و چالش سپری کنند. از تجربه‌ها و ایده‌های همکارانم استفاده می کنم. هر روز صبح هنگام ورود دانش آموزان به مدرسه برای خوش آمدگویی جلوی در می ایستم. در برنامه‌ی صبحگاهی با دانش آموزان همراهم. بدون استثنا رنگ‌های تفریح در حیاط مدرسه و در بین دانش آموزان هستیم. تقریباً اکثر دانش آموزانم را خوب می‌شناسم و آن‌ها را با اسم صدا می کنم. این ارتباط باعث شده است که از طرف بعضی از خانواده‌های دانش آموزان

سر طبیعت آمده بود، برایم توصیف می کرد، متوجه شدم چقدر به مشکلات زیستی محیط اطرافمان ناآگاه هستیم. این مشکلات روز به روز بیشتر می شوند و زندگی خودمان را به خطر می اندازند. از همان جا تصمیم گرفتم به شکل جدی و با تمام انرژی، آموزش و فرهنگ سازی در این زمینه را شروع کنم. ایمان داشتیم که آموزش، کلید نجات محیط زیست است.

■ چه اقداماتی در این زمینه در مدرسه انجام داده اید؟

اوایل هر روز یک مشکل محیط زیستی را به بچه‌ها معرفی می کردم. در این مسیر، اصلاً خسته نمی شدم. پیش از هر چیز دانش آموزان را با اصول نظافت شخصی آشنا کردم، سپس پویش نجات درختان را با جمع آوری کاغذهای باطله در برنامه‌ی کاری قرار دادم.

از آنجا که استفاده از تصویرها و نوشته‌های مناسب و مرتبط با رشد ذهنی و سنی دانش آموزان می‌تواند یادگیری را راحت تر و تثبیت آن را عمیق تر کند، در راهروی مدرسه برنامه‌هایی (بنرهایی) را با عنوان «پیمان نامه‌ی همیار محیط زیست» نصب کردم. دانش آموزان آن را امضا می کردند تا به مفاد آن عمل کنند. برای اینکه حیاط مدرسه تمیز باشد و دانش آموزان زباله‌های خود را در حیاط رها نکنند، برنامه‌ی بزرگی تهیه کردم که روی آن نوشته شده بود: «قامت آقای کریمی را به خاطر زباله‌هایمان خم نکنیم.»

در گوشه‌ای دیگر از حیاط برنامه‌ی با تصویر کره‌ی زمین نصب کردیم. اطراف این تصویر کارهایی که از کره‌ی زمین محافظت می کند، نوشته شده است. همچنین برای دانش آموزان نیمکتی با بطری‌های یک‌بار مصرف ساختم. حتی با رنگ و درست کردن لاستیک‌های فرسوده‌ی ماشین توانستیم یک صندلی بسازیم. علاوه بر آن، ایستگاهی برای تفکیک زباله‌ها قرار دادیم.

در مجموع، سعی کرده‌ام بیشتر مطالب محیط زیستی را به تصویر بکشم تا بچه‌ها با دیدن آن تصویرها مطالب را بهتر درک کنند و در خاطر بسپارند.

■ نقش آموزگاران را در این زمینه چطور می بینید؟

الفبای محیط زیست باید به دانش آموزان آموزش داده شود تا کودک به طبیعت حساس و مسئولیت پذیر شود. تکلیف امروز ما حفظ محیط زیست است. آموزش در این زمینه هزینه نیست؛ بلکه سرمایه است. آموزش به بچه‌ها باید از پیش دبستانی آغاز شود.

ابتدایی

پنجم ماه
دوره‌ی بیست و هفتم
شماره‌ی ۵ ۱۴۰۲



از «شپا» تا «شپک»

رویکردی نوین در پرسشگری

اگر هدف پرسشگری این است که دانش‌آموزان بیشتری را درگیر گفت‌وگوی تفکرمحور کنید، بدیهی است که الگوی «شپا» نمی‌تواند فرهنگ جست‌وجوگری را در دانش‌آموزان ایجاد یا تقویت کند. یک روش خوب برای انجام این کار این است که عملکرد ارزشیابی در الگوی «شپا» را تغییر دهیم؛ یعنی از «شپا» به «شپک» حرکت کنیم.

الگوی شپک

در چارچوب «شپک»، ما ارزشیابی را در توالی پرسشگری انجام می‌دهیم و باب گفت‌وگو را از طریق پرسش‌هایی متوالی باز می‌گذاریم؛ پرسش‌هایی چون «بیشتر توضیح دهید؟ چرا این‌گونه فکر می‌کنید؟ استدلال شما چیست؟» یا گزینه «مثال بنویسید و...». بدین طریق می‌توانیم فرصت‌هایی را برای تعامل بیشتر دانش‌آموزان، ترغیب آن‌ها به تفکر، به چالش کشیدن ایده‌های آن‌ها و سازمان‌دهی انتظارات سطح بالا در یادگیری ایجاد کنیم؛ در مثال قبلی، معلم به جای گفتن عبارت «آفرین! درست گفتی»، می‌تواند این

چیزهایی نیاز دارند؟» دانش‌آموز به آب، خاک، نور خورشید و... اشاره می‌کند. معلم هم با گفتن عبارتی چون «آفرین! درست گفتی» پرسشگری را به پایان می‌رساند. در این نوع الگو، هدف از پرسشگری سنجش میزان دانش آموخته‌شده‌ی دانش‌آموز است و هیچ هدفی برای پیگیری یا توسعه‌ی گفت‌وگوی اثربخش وجود ندارد. به همین جهت است که معلم، پس از دریافت نتیجه‌ی موردنظر، به فرایند پرسشگری پایان می‌دهد. این فرایند می‌تواند کمتر از ده ثانیه طول بکشد. بی‌شک نمی‌توان ادعا کرد که استفاده از این الگو، در کلاس‌های درس، به تنهایی خوب یا بد است و حتی نمی‌توان، بدون توجه به ابعاد پرسشگری، آن را مورد نقد و داوری قرار داد. منتهی به نظر می‌رسد که اغلب معلمان در کلاس‌های درس از این الگوی پرتکرار بسیار استفاده می‌کنند. استفاده‌ی مکرر از الگوی «شپا»، برای دانش‌آموزان شما این تصور را ایجاد می‌کند که شما می‌خواهید آن‌ها را قضاوت کنید یا بیشتر به کسانی علاقه‌مند هستید که پاسخ سؤالات را به خوبی می‌دانند. ممکن است این سؤال در ذهن شما شکل بگیرد که برای برون‌رفت از این وضعیت چه باید کرد. به نظر می‌رسد مسیری را که تاکنون طی کرده‌ایم، ما را به هدف گفت‌وگو کردن و کاوشگری نمی‌رساند. به تعبیری دقیق‌تر، «این ره که می‌رویم، به ترکستان است.» پس چاره‌ای نداریم جز اینکه تغییری در فرایند پرسشگری به وجود بیاوریم. این تغییر و بازنگری در فرایند پرسشگری مستلزم تغییر در هدف فرایند پرسشگری است.

دکتر عذرا بیگم هژبری

مدیر مدرسه‌ی ابتدایی دخترانه‌ی مهرگان بابل

سیدعلی عبداللهی حسینی

سفیر نوآفرینی آموزش، مربی (کوچ)

عملکرد مدرسه‌ی ابتدایی مهرگان بابل

«پرسشگری» یکی از روش‌های مؤثر در یادگیری و درک بهتر موضوعات است. در این روش با پرسیدن سؤال‌هایی در مورد موضوع موردنظر، اطلاعات بیشتری درباره‌ی آن جمع‌آوری می‌شود. در فرایند پرسشگری، رویکردی نوین به نام «توالی پرسشگری» نیز برای بهبود فرایند یادگیری و درک بهتر موضوعات ارائه شده است. این رویکرد به دانش‌آموزان کمک می‌کند تا نخست سؤال‌های مهم و حیاتی را در مورد موضوعات متعدد شناسایی کنند و سپس به دنبال پاسخ سؤال‌ها بگردند. تمرکز این مقاله بر کیفیت پرسش‌های مجزا نیست؛ بلکه بر مرحله‌های پرسشگری یعنی گام‌های متوالی است که پرسشگری را شکل می‌دهند. بر همین اساس به معرفی دو الگوی متفاوت «شپا» و «شپک» می‌پردازیم. در ادامه، هر یک از این دو الگو را به صورت دقیق‌تر بررسی و نکته‌های مهمی را در این زمینه بیان خواهیم کرد.

الگوی شپا

در این الگو، معلم در گام نخست پرسشی را مطرح می‌کند. دانش‌آموز هم پاسخی ارائه می‌دهد و سرانجام، این معلم است که پاسخ یا پاسخ‌های دانش‌آموز را ارزشیابی و درست یا نادرست بودن پاسخ‌ها را بیان می‌کند؛ مثلاً معلم از دانش‌آموزی می‌پرسد: «گیاهان برای رشد به چه





سؤال‌ها را بپرسد: «آیا همه گیاهان برای رشد به آب، خاک و... نیاز دارند؟ استدلال شما چیست؟» یا «آیا هر گیاه برای رشد به همه‌ی موارد مطرح‌شده نیاز دارد؟ توضیح دهید.» یا «آیا هر آبی برای رشد گیاه مناسب است؟ مثال بزنید» و... معلم با طرح چنین سؤال‌هایی در الگوی «شپک» می‌خواهد به همان اندازه که روی خود پاسخ متمرکز است، بر تفکر پشت پاسخ نیز تمرکز کند.

مرحله‌ی کاوش در توالی‌های پرسشگری، یک فرایند ساده و مؤثر در یادگیری است که شامل پرسیدن سؤال‌هایی در مورد موضوع موردنظر است. با استفاده از این روش، شما به‌عنوان یک معلم می‌توانید اطلاعات بیشتری، در مورد موضوع، جمع‌آوری و آن را بهتر درک کنید. مرحله‌ی کاوش در توالی‌های پرسشگری به شما این امکان را می‌دهد که نشان دهید برای فرایند یادگیری ارزش قائل هستید و تمایل دارید با بهره‌گیری از روش‌های بهتر و مؤثرتر، به بهترین نتیجه در یادگیری برسید.

در این نوشته رویکردی نوین در فرایند پرسشگری از طریق حرکت از «شپا» به «شپک» را بررسی کردیم.. امیدواریم با پیروی از این رویکرد، بتوانیم مهارت‌های پرسشگری خود را بهبود بخشیم و به دانش واقعی‌تری دست پیدا کنیم؛ چراکه اثربخش‌تر کردن مهارت پرسشگری نیازمند تمرین و تأمل شخصی برای ادامه‌ی توسعه‌ی این فرایند است.

منبع

رنتون، مارتین، (۱۴۰۱)، چگونه پرسش‌های خود را در کلاس مطرح کنیم؟ راهنمای عملی معلمان و دانش‌آموزان در به چالش کشیدن یادگیری با پرسشگری. ترجمه‌ی دکتر حسن نادعلی‌پور، زهرا اسدی و مریم السادات موسوی، از مجموعه کتاب‌های توسعه‌ی سواد سنجش معلمان، شماره‌ی ۶. تهران: آوای نور.

الگوی شپا



الگوی شپک



حفظ

هویت

ایرانی

سارا ایمانی

مدیر مدرسه‌ی ابتدایی اندیشه



«الگوسازی» کلیدی‌ترین عامل در تعلیم و تربیت به حساب می‌آید. دوره‌ی ابتدایی نیز مهم‌ترین دوره برای تربیت کودک است. عروسک باربی نمادی از روح تجدد فرهنگ غربی است. در حال حاضر تصویرهای آن در بیشتر محصولات فرهنگی از جمله نوشت‌افزارها یا کالاهای ضروری کودکان استفاده می‌شود. تصویرهای باربی روی بعضی از نوشت‌افزار دانش‌آموزان، حرکتی خزنه در راستای تهاجم فرهنگی است که دختر بچه‌ها را اهداف قرار داده و الگوی تربیتی اثربخشی از نظر لباس پوشیدن، آرایش کردن و... برای دانش‌آموزان ایجاد کرده است. با توجه به مشکلات متعدد اخلاقی و رفتاری دانش‌آموزان در زمینه‌ی تأثیرپذیری از تهاجم فرهنگی، به‌خصوص از طریق نوشت‌افزار با تصویرهای باربی، در صدد برآمدن برای رفع این مشکل چاره‌ای بیندیشم تا گامی برای مبارزه با تهاجم فرهنگی و الگوپذیری نادرست دانش‌آموزان در مدرسه‌ی حضرت زینب (س) برداشته باشم.

بیان مسئله

هر دانش‌آموز به‌خصوص در دوره‌ی ابتدایی به‌طور متوسط ۱۲۰۰ بار در سال جلد هر کدام از دفترهایش را می‌بیند. اگر ۱۲۰۰ بار صحنه‌ای مقابل ما تکرار شود، چه رخ می‌دهد؟ اتفاقی که رخ می‌دهد این است؛ علاقه‌مندی به زندگی غربی و بی‌رغبتی به سبک و روش زندگی ایرانی و مقبولیت قهرمانان غربی. همگی ما بسیار دیده‌ایم که بیشتر دانش‌آموزان لوازمی با تصویرهایی از شخصیت‌های پویانمایی‌های غربی و به‌خصوص باربی، برای سال جدید تحصیلی، خریداری می‌کنند. امسال، پوشش آشفته‌ی بچه‌ها به‌همراه این

وضعیت مرا نگران کرد. با همکاران و انجمن اولیا موضوع را در میان گذاشتم. هر کدام مواردی را عنوان کردند:

- مقصر فروشنده‌ها هستند.
- جلد این دفترها خیلی زیبا طراحی شده است، دانش‌آموزان بی‌اختیار به طرح زیبای آن جلب می‌شوند.
- مگر دفتر یا کیف‌هایی داریم که طرح ایرانی یا ملی داشته باشند؟
- شاید هم مدرسه‌ها به‌خوبی در برابر این قضیه ایستادگی نکردند. خودمان ساده از کنار آن گذشتیم.

به‌عنوان شخصی که حفظ فرهنگ غنی ایرانی بر عهده‌ی اوست، از خود می‌پرسم: «چه کنم تا تهاجم فرهنگی غرب نتواند بر فرهنگ ما آسیبی وارد سازد؟»

اهداف اصلی

● مبارزه با تهاجم فرهنگی و الگوهای غربی در مدرسه ● کاهش علاقه‌ی دانش‌آموزان به استفاده از وسایل و نوشت‌افزار باربی و الگوهای غربی در راستای نجات و سعادت‌مندی کشور و افزایش حس استقلال‌طلبی از بیگانگان در بین نسل جدید ● حمایت از تولیدات ملی.

اهداف جزئی

● افزایش علاقه در دانش‌آموزان به استفاده از نوشت‌افزار ایرانی با فرهنگی ایرانی و الگوهای اسلامی. ● افزایش علاقه‌ی دانش‌آموزان به قهرمانان ایرانی و ملی خود. ● افزایش خرید تولیدات ملی با فرهنگ ایرانی.

اهمیت و ضرورت

پدیده‌ی عروسک باربی و تصویرهای مربوط به آن به‌سرعت در نوشت‌افزار مدرسه‌ها رواج پیدا کرده است. آموزش غیرمستقیم و الگوپذیری دانش‌آموزان از این تصویرها بیشترین تأثیرات سوء را بر ارزش‌های ایرانی وارد کرده است. بدیهی است که برای مهار این اتفاق و صیانت از فرهنگ ایرانی باید اقدامی صورت بگیرد.

روش کار

اولین شورای مدرسه را در تاریخ ۱۳۹۹/۶/۲۷ برگزار کردم. در این شورا از معاونان مدرسه خواستم برای شناسایی و به‌دست آوردن آمار دانش‌آموزانی که از کیف یا کفش‌هایی با تصویرهای باربی و

الگوهای غربی استفاده می‌کنند. مرا یاری کنند و مصوبات جلسه چنین تصویب شد:

- فقط ظاهر دانش‌آموزان بررسی شود، مواردی مثل کیف، کفش و قمقمه.
- دانش‌آموزان به هیچ‌عنوان متوجه این موضوع نشوند.
- معاونان هر پایه موارد انضباطی مربوط به پوشش و حجاب هر دانش‌آموز را حتما در دفتر انضباطی ثبت کنند و تعداد دانش‌آموزانی که در این زمینه مشکل دارند، مشخص شود.

دومین شورا را در تاریخ ۱۳۹۹/۷/۱۰ با آموزگاران برگزار کردم. در جلسه‌ی شورای آموزگاران مشکل شناسایی شد. اهداف و برنامه‌های خود را بیان کردم و از معلمان در این زمینه یاری خواستم. در این جلسه نیز این موارد تصویب شد:

- هر معلم با دقت نوشت‌افزار دانش‌آموزان را بررسی و تعداد دانش‌آموزان استفاده‌کننده از نوشت‌افزار باربی و الگوهای غربی را به مدت یک هفته، در بازینه‌ای (چک‌لیستی)، یادداشت کند. ● دانش‌آموزان به هیچ‌عنوان از این قضیه مطلع نشوند.

سومین شورا در تاریخ ۱۳۹۹/۷/۱۵ برگزار شد. در جلسه‌ی انجمن اولیا و مربیان مشکل شناسایی شده و اهداف پژوهش خود را بیان کردم و از اولیای محترم در این زمینه یاری خواستم. در این جلسه مصوب شد که تعدادی از اولیا برخی از نوشت‌افزار فروشی‌های محل و اطراف مدرسه را بررسی و گزارشی تهیه کنند که آیا آن‌ها فقط الگوهای غربی را دارند یا طرح‌های دیگر هم می‌فروشند.

گام اول

جلسه‌ی عمومی با اولیا: برنامه‌ریزی‌های لازم برای برگزاری جلسه‌ی عمومی با اولیا را انجام دادم. در مورد اینکه باربی کیست و با چه نقشه‌ای طراحی شده است و تأثیرات سوء تربیتی آن روی دانش‌آموزان نیز مطالبی را عنوان کردم. سپس از اولیای گرامی خواستم دلایل استفاده از دفتر باربی و وسایل و نوشت‌افزار مربوط به آن را برآیم یادداشت کنند. برای اینکه کار بهتر انجام شود، از اولیا خواستم گروه‌های پنج‌نفره‌ای تشکیل دهند. اکثر آن‌ها به این قضیه اشاره کردند که مغازه‌ها و فروشنده‌های نوشت‌افزار مدرسه وسایلی که طرح ملی داشته باشند، ندارند و اگر هم یافت شود، با قیمت‌های خیلی بالا به فروش می‌رسد.

کام دوم

جلسه‌های با شورای دانش‌آموزان: در جلسه‌های با منتخبان دانش‌آموزان، این سؤال را مطرح کردم که چرا آن‌ها و دوستان و هم‌کلاسی‌هایشان از دفترها و کیف‌های باری استفاده می‌کنند. دانش‌آموزان به جلد و طرح زیبای آن اشاره کردند. تعدادی از آن‌ها هم عنوان کردند: «ما دوست نداریم، مادر و پدران ما این دفترها را خریداری می‌کنند و در اختیار ما قرار می‌دهند.»

کام سوم

جلسه‌های با معلمان: از معلمان خواستم تا موضوع انشایی را با عنوان «چرا از دفترهای باری استفاده می‌کنید؟» در کلاس مطرح کنند و از دانش‌آموزان بخواهند که در مورد آن بنویسند. سپس تمام نوشته‌های دانش‌آموزان را به من تحویل دهند. در بررسی انشای دانش‌آموزان به این نکته بیش از همه اشاره شده بود: «مگر غیر از این دفترها دفتر دیگری هم وجود دارد.»

اقدامات صورت گرفته

با توجه به روش‌های جمع‌آوری اطلاعات و منابع و تجزیه و تحلیل آن و طبق نظر صاحب‌نظران و بر اساس اعتبارسنجی، این راه‌حل‌ها برای رسیدن به وضع مطلوب ارائه شد:

1. تهیه‌ی نوشت‌افزار ایرانی با طرح‌های ملی توسط مدرسه و تشکیل نمایشگاهی از دفترهای ملی؛
2. فروش نوشت‌افزار ایرانی و ملی در بوفه‌ی مدرسه و تجهیز کمد جایزه‌ی دانش‌آموزان با نوشت‌افزار ایرانی؛
3. نصب اطلاعیه‌ی ممنوعیت خرید و استفاده از نوشت‌افزار با الگوهای غربی؛
4. تهیه‌ی دفترک (بروشور) تاریخچه‌ی طرح به‌وجودآمدن باری و بیان نقشه‌های طراحی‌شده‌ی پشت‌صحنه و توزیع آن دفترک‌ها بین والدین و دانش‌آموزان.
5. رنگ‌آمیزی و نقاشی دیوارهای مدرسه یا قسمت‌هایی از سالن مدرسه با شخصیت‌های کارتون‌های دارا و سارا، کلاه قرمزی، پسر خاله و شکرستان؛
6. جلد کردن دفترهای باری و از بین بردن تصویرهای باری با نقاشی و خلاقیت از طرف دانش‌آموزان؛
7. تشکیل نمایشگاهی از نقاشی دانش‌آموزان با موضوع قهرمانان ملی و معرفی الگوهای حجاب با لوازم جانبی و تزئینی رنگی و پیامی

از حجاب؛

8. شناسایی مراکز فروش تولیدات ایرانی - ملی و برقراری ارتباط بین آن‌ها با مدرسه؛
 9. نام‌گذاری کلاس‌ها با نام شهدا و انجام تزیینات مدرسه با محوریت طرح‌های ایرانی - اسلامی؛
 10. جمع‌آوری دفترهای خریداری‌شده با طرح باری و تعویض آن با دفترهای ملی. برای اجرای راه‌حل‌ها، ابتدا گروه‌بندی لازم را انجام دادم. به هر گروه تعدادی از راه‌حل‌ها را محول کردم. خودم به‌طور کامل بر گروه‌ها نظارت داشتم. مراحل انجام این کار عبارت بود از:
- مرحله اول:** شناسایی گروه و تشکیل گروه‌ها (گروه اولیا، گروه دانش‌آموزان، گروه معاونان، گروه معلمان، گروه خدمتگزاران).
- مرحله دوم:** اعلام مسئولیت هر گروه و نظارت بر آن.
- گروه اولیا:** قرار شد چند نفر از اولیا که مسئول شناسایی مراکز فروش نوشت‌افزار ملی با طرح ایرانی بودند، هماهنگی‌های لازم را با مدرسه و مراکز فروش برای خرید چند کارتن دفتر و نوشت‌افزار با قیمت بسیار مناسب انجام دهند. از گروه اولیا چند نفری هم مسئول تشکیل نمایشگاه دفترهای ملی و اطلاع‌رسانی برای فروش در مدرسه شدند.
- گروه معاونان:** مسئول توزیع دفترک باری و هماهنگی لازم برای تشکیل نمایشگاه و فروش دفترها شدند. معاونان همچنین مسئول نصب اطلاعیه روی تابلوی مدرسه، برای ممنوعیت استفاده از نوشت‌افزارهایی با الگوهای غربی، به‌خصوص باری بودند.
- گروه معلمان:** معلمان ملزم شدند که پیگیری کنند اگر دانش‌آموزی به هر دلیلی نتوانست دفترهای خود را با دفترهای ملی تعویض کند، آن را با یک برگه‌ی ساده جلد کند. دانش‌آموزان همچنین می‌بایست یک نقاشی بکشند و روی کیف‌های خود که تصویر باری دارد، بچسبانند. معلمان هم کار آن دانش‌آموز را جزو یکی از کاردستی‌های کلاسی به حساب بیاورند و در پوشه‌ی کاری او قید کنند. همچنین به معلمان گفتم برای تهیه‌ی طرح‌های تشویقی در کلاس خود، به‌جای استفاده از گل یا تنگ ماهی و... از شخصیت‌های دارا و سارا و شکرستان و از

طرح‌های دانشمندان هسته‌ای، خلبان یا شهدای دانش‌آموزی استفاده کنند.

گروه دانش‌آموزی: این گروه مسئول فروش دفترها و نوشت‌افزار در بوفه‌ی مدرسه شدند. قرار شد تعدادی از آن‌ها هم شهدای محل زندگی خود را شناسایی کنند تا کلاس‌های آن‌ها به نام شهدا نام‌گذاری شود.

مسئولیت هماهنگی‌های لازم در تمام زمینه‌ها نیز بر عهده‌ی مدیر قرار گرفت؛ خرید و فروش دفترها، تشکیل نمایشگاه، تهیه‌ی لوازم جانبی و تزئینی حجاب و عفاف، تابلوی نام شهدا، تهیه و ارائه‌ی طرح کارت‌های امتیاز با طرح ملی، تشویق مستقیم دانش‌آموزان علاقه‌مند و استفاده‌کننده از دفترهای ملی، تشویق مستقیم دانش‌آموزان در مراسم صبحگاه که به هر طریقی به محوریت تصویرهای باری اقدام کرده‌اند، نصب اسم دانش‌آموزان حجاب بر تر در آموزشگاه، رنگ‌آمیزی دیوارهای حیاط مدرسه با طرح‌های ایرانی - ملی و...

مرحله سوم

پیش‌بینی و تأمین منابع مالی: فروش دفترها در بوفه‌ی مدرسه و سودی که تعاونی مدرسه دارد، به‌راحتی می‌تواند هزینه‌های رنگ‌آمیزی حیاط مدرسه و نقاشی طرح‌های ایرانی را تأمین کند.

نتیجه‌گیری

با اجرای راه‌حل‌ها تغییر وضعیت واقعاً چشمگیر بود. بچه‌ها داوطلبانه به سمت خرید دفترهای ملی از بوفه‌ی مدرسه حرکت می‌کردند. خیلی جالب بود، فروشنده‌ی نوشت‌افزار نزدیک مدرسه اظهار کرده بود که دانش‌آموزان دبستان حضرت زینب (س) گاهی که مراجعه می‌کنند، برای خرید دفترهای ملی، اگر دفتر مورد نظرشان موجود نباشد، چند دفتر با جلد‌های ساده خریداری می‌کنند. حتی برای خرید کاغذ کادو اگر تصویرهای باری داشته باشد، از خرید آن امتناع می‌کنند.

در این مدت، بسیاری از موارد بی‌انضباطی مربوط به پوشش و حجاب کم شده است. گاهی در طی سه ماه، معاونان حتی یک مورد تذکره نداشتند. دیگر خبری از باری و دوستانش نیست. کارشناسان منطقه‌ی رباط کریم طی بازدیدهایی که از مدرسه داشتند، از طرح‌های ایرانی و اسلامی که روی دیوار مدرسه نقاشی شده بود، بسیار استقبال کردند و از طریق روابط عمومی اقدام به فیلم‌برداری و تهیه‌ی گزارش و پخش آن در شبکه‌ی دو، اخبار جوانه‌ها، کردند.

فاطمه سادات شیخ‌الاسلامی

معلم سواد رسانه‌ای منطقه ۲ تهران

درس سواد رسانه‌ای هنوز جایگاهی رسمی در دوره‌ی ابتدایی ندارد؛ اما گفت‌وگو درباره‌ی موضوعات تربیتی مرتبط با کاربری رسانه‌ها و آموزش استفاده‌ی صحیح و فهم درست از رسانه‌ها حتماً باید در فرایند رشد و آموزش دانش‌آموزان قرار بگیرد.

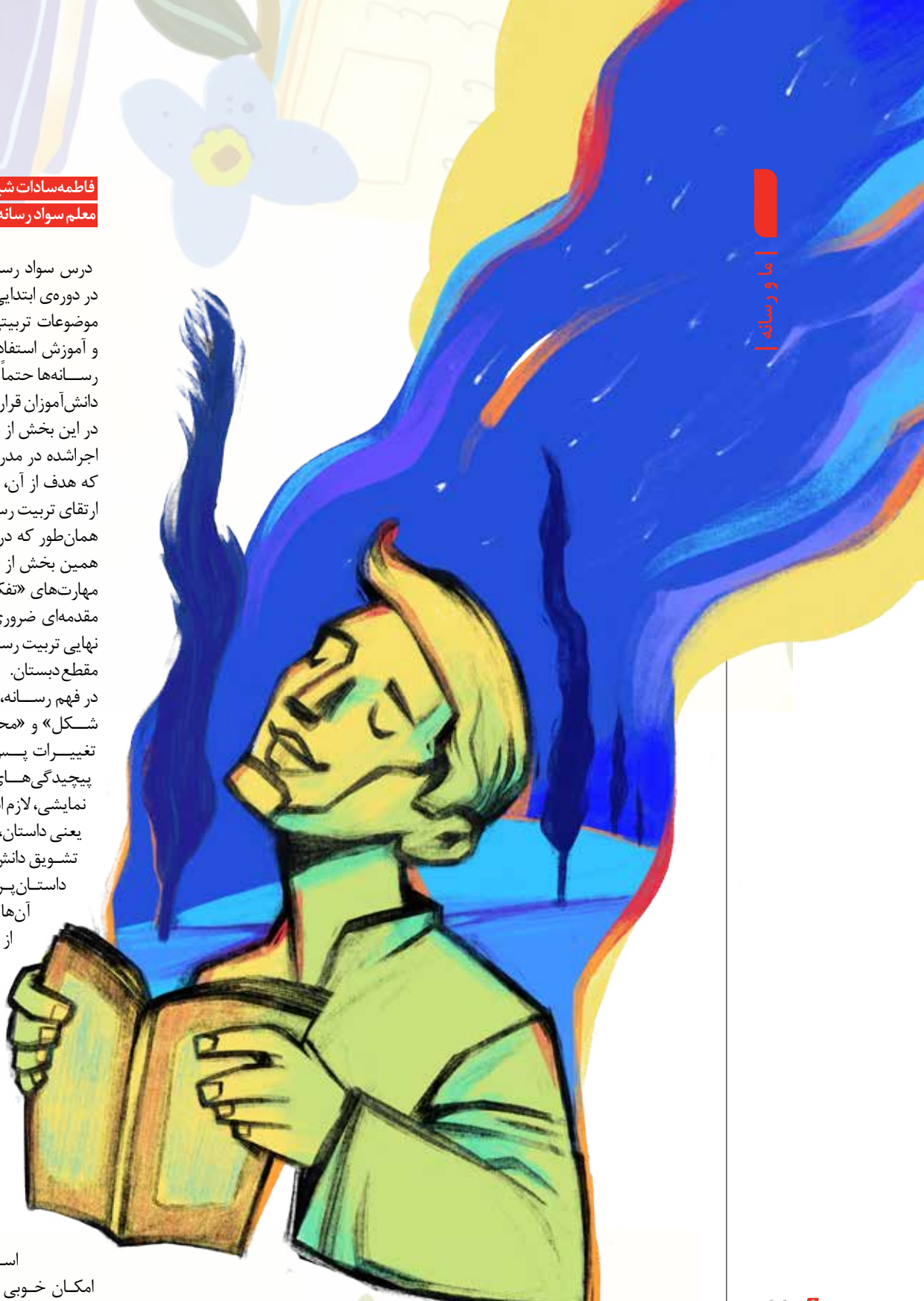
در این بخش از مجله، هر شماره به تجربه‌ای اجرا شده در مدرسه‌های گوناگون می‌پردازیم که هدف از آن، آموزش سواد رسانه‌ای و ارتقای تربیت رسانه‌ای دانش‌آموزان است.

همان‌طور که در یادداشت‌های پیشین، در همین بخش از مجله، اشاره شد، تقویت مهارت‌های «تفکر منطقی» و «زبان‌ورزی» مقدمه‌ای ضروری است برای تحقق هدف نهایی تربیت رسانه‌ای، یعنی «فهم رسانه»، در مقطع دبستان.

در فهم رسانه، از میان سه سطح «قالب و شکل» و «محتوا و درک پیام» و «بررسی تغییرات پس از مصرف»، با توجه به پیچیدگی‌های شکلی و محتوایی آثار نمایشی، لازم است از هسته‌ی مرکزی آن‌ها، یعنی داستان، شروع کنیم.

تشویق دانش‌آموزان به داستان‌شناسی و داستان‌پردازی و گام‌برداشتن کنار آن‌ها در این مسیر می‌تواند از راه‌های گوناگونی صورت گیرد، مثلاً استفاده از مکعب‌های تصویری و کلمه‌ای داستان‌گویی، مواجهه با داستان‌های ناتمام (پایان باز یا آغاز باز) و تکمیل آن‌ها، استخراج داستان پویانمایی و بررسی و تغییر آن‌ها؛ اما مهم‌ترین ابزاری که این مهم را تحقق می‌بخشد، کتاب است.

کتاب رسانه‌ای متن‌محور است و کتاب‌های داستان امکان خوبی را در فرایند داستان‌شناسی دانش‌آموزان در اختیار مربی قرار می‌دهند. روشن است که انتخاب کتاب‌ها نیازمند دقت و بررسی‌های موردی است و باید به‌صورت هدفمند صورت بگیرد تا بسته به شرایط و نیازهای دانش‌آموزان، مهارت‌های فردی و اجتماعی و... آن‌ها را نیز به‌تدریج



کتاب رسانه است

آیندازی

پنجمین ماه
دوره‌ی بیست‌وهفتم
شماره‌ی ۵ | ۱۴۰۲

۱۶



و اضافه کردن عناصر متعدد را داشته باشد؛ مثل یک باغ یا بوستان شهری. فرض می‌کنیم همه با هم به یک بوستان رفته‌ایم. هر یک از دانش‌آموزان به‌نوبت هر چه را که در بوستان می‌بینند یا تصور می‌کنند، به زبان می‌آورند و اردو را به شکل خلاقانه با اضافه کردن جزئیات، حوادث، شخصیت‌ها، تغییر زمان (شبانروز، فصل، سال، گذشته و آینده) و... تکمیل می‌کنند.

توجه داشته باشید:

- شروع این بازی می‌تواند از شب قبل از اردو یا روز اعلام تاریخ اردو باشد.

- خلق لحظات و خاطرات شاد دسته‌جمعی از مزایای این بازی است؛ بنابراین از اتفاقات و وقایع طنز و خنده‌آور به‌راحتی نگذرد.

- صدای زمینه را فراموش نکنید. با همراهی دانش‌آموزان روی ویژگی‌های محیط خیالی تمرکز کنید و شبیه آن صدا را نیز با مشارکت دانش‌آموزان در کلاس بسازید (مثل صدای شهر بازی، راه‌آهن، رفت‌وآمد و بازی کودکان و...).

- این بازی ظرفیت خوبی برای پرداختن به نکات و مضمون‌های تربیتی دارد (مسخره نکردن دیگران، رعایت حقوق دیگران، حفظ محیط‌زیست و...). این موارد را در نظر بگیرید.

- موضوع کلی نیز می‌تواند از اردو، به سفر خیالی، گردش یا... تغییر کند (لفظ اردو موضوعیت ندارد).

هویت ملی و قومی بینجامد)، خواندن کتاب برعکس و خواندن با یک چشم. در گام بعدی، جلسه یا جلساتی به ارائه‌ی کتاب‌ها اختصاص داده می‌شود. در این مرحله می‌توان از دانش‌آموزان خواست که به‌صورت گروهی مشورت کنند و نماینده‌ی گروه مهم‌ترین پیام یا موضوع داستان را که مورد توافق اعضای گروه بوده است، روی تخته نقاشی کنند. از دیگر روش‌های ارائه می‌توان به ارائه با لحن‌های متفاوت، استفاده از لهجه‌ها و گویش‌های گوناگون، ساخت و استفاده از ماسک‌های داستانی و همچنین اجرای انواع نمایش‌ها اعم از انسانی، عروسکی و... اشاره کرد. برای تعمیق آشنایی با داستان و تقویت مهارت زبان‌ورزی، پس از طی مراحل انتخاب کتاب، کتابخوانی گروهی، ارائه‌ی کتاب‌ها و همچنین گفت‌وگوهای کلاسی می‌تواند وارد مرحله‌ی توصیف و توضیح جزئیات بیشتر شد. در این مرحله، دانش‌آموزان به فضا و عناصر داستانی که خوانده‌اند، جزئیاتی اضافه می‌کنند؛ مثلاً ویژگی‌های دیگری از شخصیت‌های داستان را می‌گویند، در مورد مکان یا زمان داستان توصیفات بیشتری نسبت به آنچه در کتاب هست ارائه می‌دهند، حوادثی از داستان را کم یا به آن اضافه می‌کنند. برای انجام بهتر این مرحله، اقدامات مذکور می‌تواند در فضایی بازی‌گونه صورت بگیرد. در این راستا انجام بازی «اردوی خیالی» نیز در کلاس پیشنهاد می‌شود.

اردوی خیالی

این بازی با هدف پرورش تفکر خلاق و منطقی و تقویت مهارت‌های زبانی، نوشتاری و ارتباطی انجام می‌شود و چنانچه بخواهیم تمرین کنیم، فقط به یک برگه یا کاربرگ نیاز هست. پیش از شروع بازی، برای روشن شدن ذهن دانش‌آموزان می‌توان از آن‌ها خواست تا به‌صورت تمرینی، کلاس یا مدرسه‌شان را برای کسی که تا به حال به آنجا نیامده است، توصیف کنند. این توصیف باید به‌نحوی باشد که آن فرد حس کند قبلاً کلاس یا مدرسه‌ی آن‌ها را دیده است. در صورت انجام‌ندادن این تمرین، می‌توان با توضیح اولیه‌ی اردوی خیالی دسته‌جمعی کلاس را آغاز کرد.

در اجرای بازی، معلم می‌تواند شروع اردو را به عهده بگیرد یا اینکه از دانش‌آموزان بخواهد دسته‌جمعی محلی را انتخاب کنند. توصیه می‌شود محلی انتخاب شود که قابلیت پرداخت

رشد دهد. در انتخاب کتاب برای کودکان و دانش‌آموزان دوره‌ی ابتدایی، علاوه بر توجه به گروه‌سنی، موضوعات هدفمند و حجم متناسب کتاب‌ها، در نظر داشتن مسائل و نیازهای واقعی و اصیل و علاقه‌های آن‌ها نیز بسیار ضروری است. کتاب‌هایی با طراحی و رنگ‌های چشم‌نواز جذابیت بصری بیشتری دارند. البته مواجهه و آشنایی دانش‌آموزان با طراحی‌های متنوع و متناسب دیگر نیز به خلاقیت آن‌ها کمک می‌کند و به‌نوعی توجه به تفاوت‌های فردی محسوب می‌شود.

نکته‌ی مهم در انتخاب کتاب، توسط معلم، توجه به وجود ساختار سه‌پرده‌ای در کتاب است. توصیه می‌شود کتاب‌هایی انتخاب شوند که سه قسمت کلی داشته باشند؛ قسمت اول به بیان فضای کلی داستان در یک تعادل اولیه می‌پردازد. در قسمت میانی به وقوع حوادث و گره‌ها اشاره می‌شود و قسمت سوم حل گره‌ها و تصمیمات شخصیت‌ها و رسیدن به تعادل ثانویه را نشان می‌دهد.

معلم می‌تواند در ابتدای امر کتابی را که خودش انتخاب کرده است، به دانش‌آموزان معرفی کند؛ اما پس از مدتی، انتخاب‌های کلاسی و گروهی می‌توانند جایگزین انتخاب معلم شوند.

در مرحله‌ی کلاسی، انتخاب کتاب‌ها می‌تواند به‌صورت گروهی و کلاسی و مشارکتی انجام گیرد. بسته به شرایط کتابخانه‌ی مدرسه می‌توان برای اردوهای کتابخانه‌ای برنامه‌ریزی کرد و در فاصله‌های زمانی مشخص، ساعت‌هایی را به حضور در کتابخانه و انتخاب کتاب، همراه با برگزاری انواع مسابقه‌ها برای انتخاب کتاب، اختصاص داد؛ مثلاً هر دانش‌آموز دو کتاب انتخاب کند و در جلسه‌ای با فضایی کاملاً دوستانه دلیل انتخاب آن کتاب‌ها را با معلم و سایر دوستانش در میان بگذارد. رأی‌گیری برای انتخاب بهترین کتاب‌ها را نیز می‌توان در انتهای جلسه اضافه کرد. فعالیت‌های ذکر شده و انواع روش‌ها و بازی‌ها به‌مرور به توسعه‌ی ارتباط و انس کودکان به کتاب کمک می‌کند.

مرحله‌ی بعد، گروه‌بندی تصادفی و ناهم‌تراز دانش‌آموزان و مطالعه‌ی درون‌گروهی کتاب با روش‌های گوناگون است. برخی از این روش‌ها عبارت‌اند از: ترکیب مطالعه با فعالیت‌ها و بازی‌های حرکتی هم‌زمان، ترکیب کتابخوانی با بیانی شعرگونه، استفاده از ابزار در خواندن مانند خواندن در آینه، متفاوت خوانی (استفاده از لحن‌ها و لهجه‌های گوناگون که به‌مرور با ارزش‌گذاری معلم می‌تواند به ایجاد و تقویت

چهل راهکار

انگیزه‌ساز

زهرا آقاشرقی

آموزگار پایه‌ی دوم ابتدایی، استان سمنان

داشت. چراکه اندک تلاش آن‌ها به‌خاطر همان انگیزه‌های بیرونی، همچون فرار از تنبیه یا کسب خواسته‌ی معلم است. اینان در صورت کسب موفقیت اندک هم آن را به شانس و تصادف نسبت می‌دهند، نه به تلاش و استعداد خود. دانش‌آموزان با انگیزه‌های بیرونی حتی اگر نیم‌نگاهی هم به موفقیت داشته باشند، آن‌قدر آن را صعب‌الوصول می‌دانند که دست به عمل نمی‌زنند، در نتیجه هرگز طعم موفقیت را نخواهند چشید.

در حقیقت گام اول در برخورد با این افراد چشاندن طعم موفقیت به آن‌ها و درهم شکستن تصور منفی آن‌ها در مورد دستیابی به موفقیت است. در این صورت است که موفقیت، موفقیت می‌آورد. از آنجایی که انسان آمادگی دارد تا فعالیت‌ها و تصوراتش را تعمیم دهد، موفقیت در یک درس منجر به موفقیت در درس‌های دیگر می‌شود و این موضوع در مورد درس‌های اصلی هر رشته مهم‌تر است.

در واقع، ضعف در درس‌های اصلی منجر به بی‌علاقگی به تحصیل و گاهی حتی ترک تحصیل می‌شود و البته عکس آن هم صادق است. به همین علت به معلمان درس‌های اصلی هر رشته توصیه می‌شود شرایط آموزشی و امتحانی را مطلوب و با ارزشیابی‌های مناسب فضای کلاس را لذت‌بخش کنند. به‌طور کلی به‌منظور افزایش انگیزه‌ی دانش‌آموزان و سوق‌دادن آن‌ها به سمت درونی‌شدن انگیزه‌ها این راهکارها توصیه می‌شوند:

و کمتر به دیگران اجازه می‌دهند که محرک رفتارشان باشند. این گروه از دانش‌آموزان خود تعیین‌کننده‌ی رفتارها هستند و به‌خاطر کفایتی که در خود احساس می‌کنند، باور دارند که می‌توانند با رفتارشان بر محیط خود تأثیر بگذارند. آن‌ها بر این باورند که موفقیت و شکست در تحصیل به‌خاطر نحوه‌ی رفتار صحیح یا غلط خودشان است.

برخلاف این دسته از دانش‌آموزان، دانش‌آموزان با انگیزه‌ی بیرونی احساس بی‌کفایتی یا کم‌کفایتی دارند. آن‌ها همواره تصور می‌کنند موفقیتشان تحت تأثیر عوامل محیطی است و دائم بهانه می‌آورند که معلم سخت‌گیر و سؤالات سخت است. این گروه از دانش‌آموزان حتی اگر درس بخوانند، باز هم موفقیت‌چندانی نخواهند

انگیزه دو نوع است؛ درونی و بیرونی. تقویت‌کننده‌هایی چون پول، تأیید دیگران، محبت، احترام و نمره نمونه‌هایی از انگیزه‌ی بیرونی هستند و رضایت خاطر و احساس خوب از یادگیری مصداق‌هایی برای انگیزه‌ی درونی به حساب می‌آیند.

آنچه بیشتر موجب رفتار خودجوش می‌شود، انگیزه‌ی درونی است. هدف‌عمده‌ی فعالیت‌های پرورشی معلم یا مربی این است که دانش‌آموز به تدریج از انگیزه‌های بیرونی به سمت انگیزه‌های درونی هدایت شود. افراد با انگیزه‌ی درونی احساس کفایت بیشتری در خود دارند

۱. سعی کنید اولین تجربه‌های دانش‌آموزان برای آن‌ها جالب باشد، احساس موفقیت اولیه اعتمادبه‌نفس آن‌ها را افزایش می‌دهد. این موضوع در مسابقات ورزشی نیز مشهود است.
۲. برای موفقیت دانش‌آموزان پاداش در نظر بگیرید. منتظر نباشید تا افت تحصیلی اتفاق بیفتد و سپس موفقیت را تحسین کنید.
۳. با احترام گذاشتن به تفاوت‌های فردی دانش‌آموزان، هرگز آن‌ها را با یکدیگر مقایسه نکنید.
۴. دانش‌آموزان را در کلاس کمتر درگیر مسائل عاطفی منفی کنید و به حساسیت‌های عاطفی آنان آشنا و در کاهش آن کوشا باشید. سخت‌گیری و انضباط شدید، تبعیض، بیان قضاوت‌های منفی و خبرهای ناخوشایند از جمله عواملی هستند که موجب درگیری ذهنی





- و کاهش علاقه به یادگیری می‌شوند.
۵. بلافاصله پس از آزمون یا پرسش کلاسی، دانش‌آموزان را از نتیجه‌ی کار آگاه کنید.
 ۶. برای اینکه دانش‌آموز بداند، در طول تدریس به دنبال آموختن چیزی باید باشد، بیان اهداف آموزشی موردانتظار از او را در ابتدای درس فراموش نکنید.
 ۷. چگونگی یادگیری و نحوه‌ی انجام کار را برای دانش‌آموز مشخص کنید.
 ۸. به منظور افزایش حس کفایت در دانش‌آموز از او بخواهید مطالب یادگرفته‌شده را به دوستان یا کلاس آموزش دهد.
 ۹. در مورد مشکلات درسی دانش‌آموز و ریشه‌یابی آن، با او تبادل نظر و گفت‌وگو کنید.
 ۱۰. تشویق کلامی، در کلاس، به صورت انفرادی را فراموش نکنید که امر بسیار مهمی است.
 ۱۱. مطالب درسی را به ترتیب از ساده به دشوار مطرح کنید.
 ۱۲. از بروز رقابت ناسالم در بین دانش‌آموزان پیشگیری به عمل آورید.
 ۱۳. در فرایند آموزش متکلم و حده نباشید و یادگیرندگان را در یادگیری مشارکت دهید.
 ۱۴. علاقه به دانش‌آموزان و تعلق خاطر و اهمیت دادن به یکایک آن‌ها، سطح انگیزه‌ها را افزایش می‌دهد. به این مهم توجه کنید.
 ۱۵. آموزش را با «تهدید» پیش نبرید.
 ۱۶. برای دانش‌آموزان با انگیزه، خوراک علمی کافی داشته باشید.
 ۱۷. با محول کردن مسئولیت به دانش‌آموزان کم‌توجه، آنان را به رفتارهای مثبت هدایت کنید.
 ۱۸. شیوه‌های تدریس را از سنتی به شیوه‌های روز تغییر دهید و با استفاده از فناوری آموزشی، حواس پنجگانه‌ی دانش‌آموزان را به کار گیرید.
 ۱۹. میان درس کلاس و مسائل زندگی که به وسیله‌ی همان درس‌ها قابل حل است، ارتباط برقرار کنید.
 ۲۰. تدریس را با طرح مطالب و پرسش‌های جالب توجه آغاز کنید و حس کنجکاوی دانش‌آموزان را برانگیخته‌تر سازید.
 ۲۱. به وضعیت جسمانی دانش‌آموزان توجه کنید و علل جسمی بی‌توجهی و کاهش انگیزه‌ی آنان را بیابید.
 ۲۲. محیط کلاس را با طراحی زیبا و مناسب، جذاب سازید تا مانع بروز کسالت روحی دانش‌آموزان شوید.
 ۲۳. با فرهنگ و تاریخچه‌ی زندگی افراد مهم و محبوب در مدرسه یا محله‌ای که در آن تدریس می‌کنید، آشنا شوید و در طول تدریس

- از مثال‌های آشنا استفاده کنید.
۲۴. به منظور اطلاع از نتیجه‌ی فعالیت درسی دانش‌آموزان و ارائه‌ی بازخورد به موقع و مناسب، تکلیف‌های آنان را بلافاصله در جلسه‌ی بعدی ملاحظه و با رفع اشکالات، جنبه‌های مثبت را تشویق کنید.
 ۲۵. در گرفتن آزمون و امتحان به قول خود عمل کنید.
 ۲۶. به توان دانش‌آموز در زمان یادگیری دقت کنید. برای تجدید قوا و انگیزه در میان کلاس از وقت تفریح و استراحت غافل نشوید.
 ۲۷. دانش‌آموز را از میزان پیشرفتش آگاه سازید تا بداند برای رسیدن به هدف چه گام‌های دیگری باید بردارد.
 ۲۸. به لحاظ اخلاقی و ایجاد انگیزه، همیشه خوش‌اخلاق و خوش‌رو باشید.
 ۲۹. به منظور افزایش حس کفایت و مشارکت در ارائه‌ی درس‌ها، از نظرات دانش‌آموزان استفاده کنید.
 ۳۰. مطمئن باشید که توجه دانش‌آموزان برای شروع تدریس آماده است.
 ۳۱. تمام مطالب دشوار را یکجا و در یک جلسه آموزش ندهید.
 ۳۲. به خاطر داشته باشید توجه افراطی به دانش‌آموزان (قوی یا ضعیف) موجب متشنج شدن فضای کلاس می‌شود.
 ۳۳. دانش‌آموزان را به گروه‌های «خوب»، «بد» و «ضعیف» تقسیم‌بندی نکنید.
 ۳۴. از ورود به موضوعات حاشیه‌ای که منجر به انحراف توجه کلاس می‌شود، بپرهیزید.
 ۳۵. با ایجاد جلسات بحث و تحلیل، به دانش‌آموزان فرصت تفکر و اظهار نظر بدهید.
 ۳۶. هرگز دانش‌آموزان را مجبور به انجام
- فعالیت‌های تحقیرکننده نظیر «جریمه» نکنید.
۳۷. به افراد درون‌گرا، کم‌رو و مضطرب که تمایلی به ابراز وجود ندارند، توجه کنید و با تقویت رفتارهای مثبت، آن‌ها را به مشارکت در بحث‌های کلاسی و کارهای گروهی تشویق کنید.
 ۳۸. در روش‌های تدریس، هم‌اندیشی و همایش را مدنظر قرار دهید.
 ۳۹. توجه بیش از حد به نمره نداشته باشید. تأکید بر نمره، اضطراب دانش‌آموزان را افزایش می‌دهد و مانع از توجه کامل به موضوع درس می‌شود. برخی از دانش‌آموزان با وجود تلاش زیاد از نمرات پایینی برخوردارند. آن‌ها به تدریج رابطه میان تلاش و نتیجه را نادیده می‌گیرند که در نهایت منجر به از دست رفتن انگیزه‌ی آن‌ها خواهد شد.
 ۴۰. گاهی از تجربه‌های دوران تحصیل و شکست‌ها و موفقیت‌های خود برای دانش‌آموزان تعریف کنید.
- زمانی دانش‌آموز به صحبت‌های معلم خود گوش می‌دهد که آن معلم توانسته باشد در ابتدای کار، ارتباط خوبی با او برقرار کند. در این صورت دانش‌آموز با اشتیاق بیشتری در کلاس حاضر می‌شود و به درس با دقت بیشتری گوش می‌دهد. این امر باعث ایجاد انگیزه و نشاط در او می‌شود.
- گفتنی است تمامی مراحل مذکور نیاز به تمرین و کار در کلاس دارد تا نتیجه‌ای مطلوب حاصل شود. امید است با استفاده از روش‌های متعدد بتوانیم کلاسی شاد و پرنرژی داشته باشیم!

بازی جدی

نگاهی به تجربه‌ی مدرسه‌های زیستن بر بستر تحول بنیادین

پایه در قالب مجموعه‌ای از پروژه‌های کشف و حل مسئله، طراحی بازی جدی، طراحی شخصیت‌های داستانی و نوشتن مجموعه‌ای از قصه‌ها با موقعیت‌های خودیادگیری، طراحی گرافیکی شخصیت‌ها و صحنه‌های قصه و همچنین طراحی محتوای تصویری قصه‌ها به صورت پویانمایی‌های ساده. این‌ها همه مهارت‌هایی هستند که یک معلم لازم است در خود ایجاد کند، در حالی که هم‌زمان باید بخش زیادی از زمانش را هم در کلاس درس و در کنار دانش‌آموزان به اجرای بازی‌ها، قصه‌ها و محتوای طراحی‌شده بگذراند. کار از این هم سخت‌تر می‌شود، وقتی خود را در جایگاه یک معلم مدرسه‌ی شناختی بگذاری و بدانی که قواعد کلاس‌داری مدرسه‌ی معمولی را نداری. در مدرسه‌ی شناختی، لازم است برای جذب و همراه‌کردن دانش‌آموزان با طرح درس‌ها مداوم به غنی‌سازی آن‌ها اقدام کنی و آن‌ها را با توجه به شرایط هر دانش‌آموز شخصی‌سازی کنی.

دوره‌های یادگیری «روش کشف و حل مسائل ابداعی» خط شروع حرکت معلم کارآفرینان در مدرسه‌ی ما بود. آن‌ها باید با این مهارت نقطه‌های کانونی در بازکشف دانش را در حل مسائل پیدا می‌کردند. سپس برای تسهیل

را هیچ معلمی آسان طی نکرده است که عشق آسان نمود اول ولی افتاد مشکل‌ها.

به‌منظور پیمودن این مسیر، نخست لازم بود برای هر پایه‌ی تحصیلی طرح درس‌های یادگیری شناختی و برساختی‌ای، مبتنی بر اهداف تحول بنیادین آموزش و پرورش و برنامه‌ی درسی ملی و کتاب‌های رسمی آموزشی، طراحی شوند. طراحی این نوع طرح درس‌ها به مهارت‌هایی نیاز دارد که لزوماً همه‌ی آن‌ها در تجربه‌های پیشین معلمان نبوده و نیست؛ مهارت‌هایی مثل توانمندی فرمول‌بندی مسئله و حل مسئله، توانمندی نگاه به مسیر خودیادگیری دانش‌آموز هر

دکتر سارا سلیمی نمین

مؤسس مدرسه و عضو هیئت علمی دانشکده‌ی

مدیریت دانشگاه صنعتی امیرکبیر

دکتر آمنه سلیمی نمین

مدیر مدرسه‌ی ابتدایی و پژوهشگر تربیت‌دینی

در شماره‌ی قبل، در این نوشتار از قصه‌ی آب و آینه گفتیم؛ قصه‌ی معلم کارآفرینانی که این مدرسه را انتخاب کرده‌اند تا در کنار هم تحولی بنیادین ایجاد کنند و قصه‌هایی بسازند که با آن‌ها، خودیادگیری شناختی و برساختی را برای دانش‌آموزان ایرانی رقم بزنند. این راه





مسیر خودیادگیری، به طراحی پروژه‌های کشف و حل مسئله را طراحی می‌پردازند. حتی فراتر از آن، معلم کارآفرینان در این مدرسه باید، با یادگیری این مهارت، از هر دغدغه‌ی دانش‌آموز راهی به تعریف مسئله و بازکشف دانشی برای حل مسئله می‌گشوند. «طراحی بازی» مهارت بعدی بود که همه‌ی معلمان باید آن را می‌آموختند. این گونه بود که بازی‌ها یکی یکی در این مدرسه متولد شدند؛ از بازی‌های کلامی تا فکری یا حرکتی.

تعریف بازی و انواع آن

بازی جدی چیست و چگونه می‌تواند زمینه‌ی یادگیری شناختی و بر ساختی را فراهم کند؟ آیا بازی می‌تواند یادگیری عمیق مطالب درسی و قواعد تربیتی را در کنار هم به وجود آورد؟ آیا بازی جدی که می‌تواند زمینه‌ی یادگیری عمیق را ایجاد کند، با بازی تفاوت دارد؟ احتمالاً این سؤال‌ها در ذهن شما نیز وجود دارد. برای پاسخ به این سؤال‌ها نخست باید به بررسی واژه‌ی «بازی» بپردازیم:

در زبان فارسی، بازی برای برگردان دو کلمه‌ی «پلی»^۱ و «گیم»^۲ به کار برده می‌شود، در حالی که این دو واژه، در معنا و مصداق، تفاوت‌های بسیاری با یکدیگر دارند. اولی (پلی)، یک فعالیت تقریباً آزاد و بدون ساختار مثل توپ‌بازی است که در چارچوب کلی تعیین شده برای بازیکن معنا پیدا می‌کند. در دومی (گیم)، بازیکن با یک فعالیت ساختاریافته مانند بازی فوتبال مواجه است که مقصد نهایی از آن مشخص است و رسیدن یا نرسیدن به مقصد نهایی مفهومی از برد و باخت را همراه دارد. اولی یک قلمرو بی‌پایان است که در آن، ساخت دنیای باورپذیر و شدنی خارج از زندگی واقعی عامل اصلی است؛ اما در دومی، تفسیر و به‌کارگیری بهینه‌ی قواعد و فنون (تاکتیک‌ها) نیز مهم هستند. می‌توان این‌گونه تصویر کرد که موضوع، در هر دو واژه، گذراندن لذت‌بخش و داوطلبانه‌ی زمان در دنیای ساختگی خارج از زندگی واقعی است، در حالی که در اولی، ساخت قلمرو زیر چتر کلی یک موضوع انتخابی، در «اختیار» بازیکنان است و در دومی، خلاقیت بازیکنان در ساخت راهبردها و فنون بازی در «چارچوب قواعد و قوانین» خلاصه می‌شود.

نقش انواع بازی در فرایند آموزش

با توجه به ویژگی‌های متفاوت این دو نوع بازی، می‌توان نقش‌های متفاوتی را از آن‌ها در فرایند آموزش انتظار داشت. بنابراین برای شفافیت در گفت‌وگو و بهره‌برداری درست از این دو مفهوم، اولی را «بازی آزاد» و دومی را «بازی ساختاریافته» می‌نامیم. مامان‌بازی، معلم‌بازی، خاله‌بازی، دکتربازی و بازی‌های مشابه از جمله بازی‌های آزاد هستند. در این نوع بازی‌ها بازیکنان با حفظ قوانین کلی حاکم بر نقش‌های یادشده در زندگی واقعی، یعنی همان موضوع بازی، تلاش می‌کنند دنیای خیالی خود را به‌صورت باورپذیری بسازند و

در کنار کنش‌ها و واکنش‌های هم‌بازی‌های انتخابی خود، دنیای خیالی را بسط دهند، در حالی که گاهی در مسائل ساخته‌شده توسط خود درگیر می‌شوند و آن‌ها را حل می‌کنند تا برای زندگی واقعی خود تجربه‌هایی را همراه کنند. در نقش‌بازی، به‌عنوان نوعی بازی آزاد، معمولاً پس از تعیین موضوع بازی و تقسیم نقش‌ها بین بازیکنان، یک رویداد یا اتفاق به‌عنوان محور بازی پیشنهاد می‌شود. سپس بازیکنان بر طبق آن محور داستان را می‌سازند. با این توضیحات، می‌توان گفت این نوع بازی برای نزدیک شدن به یک فرد از جنبه‌ی دانشی و روان‌شناختی بهترین نوع است. مشاهده‌گر

بازی آزاد می‌تواند هم سطح دانش بازیکن را از موضوع زمینه‌ای و هم سطح خلاقیت فرد را در ساخت قوانین باورپذیر و همچنین سطح مهارت‌های ارتباطی وی را در شناخت و مدیریت هیجانات و احساسات مشاهده و تحلیل کند. با هم‌بازی بودن و قرار گرفتن در متن بازی می‌توان این مشاهده و تحلیل را به اثرگذاری و یادگیری نزدیک کرد؛ مثلاً یک معلم می‌تواند رخداد‌های درون بازی را پیشنهاد دهد تا یادگیرندگان در موقعیت‌های گوناگون قرار بگیرند و راه‌حل‌های خود را مطرح کنند و در موارد موردنیاز، با افزایش دانش خود، راه‌حل‌های خود را برای تطبیق‌پذیری بیشتر با شرایط واقعی بهبود دهند. برخی از بازی‌های مدیریتی، بر اساس همین ویژگی‌های بازی آزاد، از نقش‌بازی برای ارزیابی و ارتقای مدیران بهره می‌گیرند.

بازی‌های ورزشی مانند فوتبال، والیبال و بسکتبال، حتی بازی‌های حرکتی ساده مانند لی‌لی، سنگ - کاغذ - قیچی و همچنین بازی‌های فکری مانند شطرنج، دوز، اسم و فامیل، هوپ و... نمونه‌هایی از بازی‌های ساختاریافته هستند. در بازی ساختاریافته، علاوه بر موضوع بازی، داستان و قواعد بازی به‌صورت کامل تعریف شده‌اند و بازیکن، با توجه به سبک فکری خود، با انتخاب قواعدی که با ترجیحات فکری او هماهنگ است، تفسیری از داستان دارد و راهبرد و فن خود را برای بازی می‌سازد. به عبارت دیگر یادگیری در ذات یک بازی ساختاریافته نهادینه شده است و مشاهده‌گری، تحلیل و ارزیابی بازیکنان در بازی ساختاریافته بر طبق معیارهای ازپیش‌تعیین‌شده انجام می‌شود؛ مثلاً معلم با انتخاب بازی «منج» زمینه‌ای

را فراهم می‌کند که دانش‌آموز پیش‌دبستانی یا کلاس اول، در نقش صاحب‌خانه‌هایی از صفحه که متمایل به رساندن مهره‌هایش به آن خانه‌هاست، تناظر را که پایه‌ی هر نوع طبقه‌بندی است، بارها و بارها تجربه کند. «کاپوچین» می‌تواند انتخاب دیگری باشد که کودک در نقش کارآگاهی که به دنبال الگوی رنگی سرخ‌هاست، علاوه بر تناظر، الگوی رنگی دنیای اطرافش را کشف و بازنمایی کند. با این تصور از بازی ساختاریافته، می‌توان این‌گونه جمع‌بندی کرد که مهارت موردنیاز برای طراحی داستان، مشاهده‌گری، ارزیابی، یاددهی و یادگیری بازیکنان در بازی آزاد در قالب داستان و قواعد بازی ساختاریافته طراحی شده‌اند و عموماً بازی ساختاریافته به تسهیلگری کمتری نسبت به بازی آزاد نیاز دارد. پس منطقی است شاهد آن باشیم که بازی‌های ساختاریافته در سطوح فراتر از محلی، مانند ملی و جهانی، به شکلی یکسان به کار برده می‌شوند.

بازی جدی

بازی جدی^۴ ترکیبی از آموزش و بازی است، به‌گونه‌ای که هدف آموزشی در آن مقدم بر هدف سرگرمی است. این عبارت که از ترکیب کلمات جدی و بازی ساختاریافته ساخته شده است، نوعی بازی ساختاریافته است که در طراحی داستان بازی و قواعد آن، مخاطب و هدف آموزشی‌اش در سطوح رفتار، دانش و بینش در اولویت‌اند. با این برداشت از بازی جدی، واضح است که نقش معلمان، راهنران و سیاستگذاران آموزشی به طراحان و توسعه‌دهندگان بازی جدی چرخش خواهد داشت. اگر بخواهیم عمق یادگیری بالا برای همه‌ی دانش‌آموزان با سطوح متفاوت معلمان با مهارت‌های گوناگون را شاهد باشیم و همچنین سطح اثرگذاری فراتر از محلی را انتظار داشته باشیم، این چرخش، بسیار جدی است.

معلم‌کارآفرینان در مدرسه‌ی ما اهدافی آموزشی را در سطوح گوناگون مهارت، دانش و بینش در قالب «نقشه‌ی راه» هر دانش‌آموز مشخص کرده‌اند. این نقشه‌ی راه در ادامه‌ی نمودار درختی یادگیری مسئله‌محور هر درس شکل می‌گیرد (مطلب شماره‌ی پیش، امتداد قصه‌ی آب و آینه). نقشه‌ی راه مجموعه‌ای از توالی و توازی مهارت‌هایی را نشان می‌دهد که لازم است در یک فرد مبتدی نهادینه



مسئله محوری در دو قالب بازی و گفت‌وگو

چطور باید این کار را انجام دهید؟»

کام دوم

بعد از اینکه بچه‌ها کمی فکر کردند، مربی نظرات آن‌ها را می‌پرسد.

نظرات احتمالی:

- یک گروه را بفرستیم با آرپی جی آن‌ها را از بین ببرند.
- با موشک آن‌ها را هدف بگیریم.
- با هواپیما به آن‌ها حمله کنیم.
- به توپخانه بگوییم تا آن‌ها را بزند.
مربی: راه‌های خوبی پیشنهاد دادید. پس ما یکی از این راه‌ها را امتحان می‌کنیم.

کام سوم

مربی: ما برای شناسایی تانک‌های دشمن حرکت می‌کنیم و سعی می‌کنیم با گرادادن و گفتن جای دقیق تانک‌های دشمن به توپخانه، آن‌ها را از بین ببریم. پس ما باید با نقطه‌گذاری دقیق و درست در این عملیات موفق شویم (مربی به هر دو نفر، یعنی هر نفر با بغل‌دستی‌اش، یک کاغذ شفاف یا پلک می‌دهد که بهتر است بتوانند آن پلک را از نیمه تا کنند. خطی، از وسط، آن کاغذهای شفاف را به دو نیمه تقسیم کرده است. یک نفر در یک سمت زمین تانک‌های دشمن را می‌کشد. نفر دوم در سمت دیگر زمین نقطه‌ای می‌گذارد تا جای تقریبی تانک را در طرف دیگر زمین مشخص کند).

برای اینکه مطمئن شویم این کار را درست انجام داده‌ایم، بعد از گذاشتن هر نقطه، کاغذ را از خط‌چین مرزی تا می‌کنیم، اگر آن نقطه روی تانک افتاد، هدف‌گذاری ما دقیق بوده است. اگر نه، دوباره تلاش و تیر بعدی را

چندین سال پیش در کشور ما هم جنگی در گرفت که هشت سال طول کشید. بسیاری از افراد خوب کشورمان در این جنگ شرکت کردند و با دشمنان جنگیدند. افرادی که در جنگ شرکت می‌کردند، هر کدام متناسب با مهارتی که داشتند، در یک گروه و زیر نظر یک فرمانده فعالیت می‌کردند؛ مثلاً برخی تیرانداز بودند و فقط افراد پیاده‌ی دشمن را هدف می‌گرفتند. گروهی دیگر هواپیماها را می‌زدند. تعدادی از افراد خلبان بودند. گروهی هم کارهای پشت جبهه را انجام می‌دادند. گروهی هم تانک‌ها را منهدم می‌کردند» (اگر زمان بود، می‌توان از خود بچه‌ها پرسید که چه کارهایی در جنگ می‌تواند صورت گیرد).

«در یکی از عملیات‌های مهم جنگی، تعدادی از فرماندهان باید گروهشان را هدایت می‌کردند که تانک‌های دشمن را از بین ببرند تا وارد مرزهای ایران نشوند. حالا فرض کنید شما یکی از آن فرماندهان هستید. به نظرتان

محمد سبحانی
عضو بنیاد تعلیم و تربیت برهان



یکی از قالب‌های مسئله محوری «بازی» است. در این قالب ما باید با بازی‌های جذاب و هدف‌دار بچه‌ها را درگیر کنیم و در حین بازی تدریس‌مان را هم انجام دهیم. این قالب برای دانش‌آموزان بسیار جذاب است و خیلی خوب و راحت با آن ارتباط می‌گیرند.

اهداف آموزشی و تربیتی

ریاضی: مقدمه‌ای برای پیدا کردن تقارن تقریبی، خلاصه کردن اطلاعات با نمودار ستونی.
اجتماعی: همدلی، کمک به دیگران و ...

کام اول

مربی با لبخند وارد کلاس می‌شود. بعد از سلام و احوالپرسی، از بچه‌ها می‌پرسد که آیا تا به حال در مورد جنگ چیزی شنیده‌اند یا نه. بعد از اینکه بچه‌ها نظراتشان را بیان می‌کنند، مربی می‌گوید: «بله،



آیندگان

پنجم ماه
دوره بیست و هفتم
شماره ۵ | ۱۴۰۲

۲۴



شلیک می‌کنیم. پیروزی با ماست.

کام چهارم

مربی: هر کدام از تانک‌هایی را که زده شد، روی یک کاغذ دیگر در یک نمودار رسم می‌کنیم تا ببینیم هر نفر چند تانک را منهدم کرده است؟ (می‌توانیم از چند گزینه استفاده کنیم؛ تانک و ماشین و نفر پیاده. در کشیدن نمودار باید همه‌ی گزینه‌ها را هم لحاظ کنیم).

نکته: بهتر است دو بار این بازی را انجام دهید تا بچه‌ها جایشان را با بغل‌دستی خود تغییر دهند و این بار آن‌ها شلیک کنند.

شیوه‌ی اصلی بازی

ابتدا یک برگه کاغذ را از وسط تا می‌زنیم. بهتر است کاغذ بدون خط باشد. با یک خودکار رنگی وسط کاغذ را مشخص می‌کنیم. سپس دو طرف کاغذ، به تعداد مساوی تانک و سرباز می‌کشیم. بالای کاغذ اسم افراد شرکت‌کننده یادداشت می‌شود. با شروع بازی، مثلاً اگر بخواهیم تانک طرف مقابل را بزنیم، باید فاصله‌ی آن را تا خط وسط حدس بزنیم، سپس با مداد یک نقطه‌ی پررنگ طرف خودمان می‌کشیم، کاغذ را تا می‌زنیم و از پشت، آن را پررنگ می‌کنیم. اگر

اثر آن نقطه دقیقاً روی تانک افتاده باشد، تانک منهدم شده است. بازی به همین ترتیب ادامه می‌یابد تا فرد برنده مشخص شود. تانک‌بازی از بازی‌های قدیمی است.

در ادامه، یکی از طرح‌های را که یکی از همکاران عزیز در زمینه‌ی مسئله‌محوری و متناسب با زمان حال فرستاده است، با هم می‌خوانیم. قالب این طرح درس گفت‌وگوست.

طراح و نویسنده:

خانم فاطمه لطفی نسب

آموزگار مدرسه‌ی روستایی شهید آجعفری کهک، استان قم زنگ اول قرار بود مطالعات درس بدهم. عنوان آن «همدلی» بود. این موضوع برایم اهمیت زیادی داشت.

همیشه تلاش می‌کنم در تدریس معضلات و مشکلات جامعه را هم ببینم و برای حل آن‌ها با بچه‌ها کار کنم. می‌دانستم این روزها آن قدر همه‌مان روی «من» تمرکز کرده‌ایم که یادمان رفته است «ما» هم «من» دارد و هم «تو»!

به خاطر مشغله‌های زندگی فرصت نشد برای این موضوع طرح درسی بنویسم. در مسیر روستا که بودم با خودم فکر کردم حالا که این قدر هوا خوب است، کلاس را در حیاط برگزار کنم تا بچه‌ها از چارچوب کلاس

بیرون بیایند.

به مدرسه که رسیدیم، رفتیم سمت نمازخانه که برای تدریس، تخته‌ی سیار را بیاورم. دیدم بچه‌ها روی تخته پرچم فلسطین را چسبانده‌اند. دیروز برای راهپیمایی آماده‌اش کرده بودند و احتمالاً آنجا جا مانده بود. با دیدن پرچم فلسطین ایده‌ای در ذهنم بالا و پایین می‌پرید. زیر لب با خوشحالی گفتم: «خودشه!»

باید قبل از رسیدن بچه‌ها کلاس را آماده می‌کردم. تخته و پرچم را با خودم برداشتم. داخل حیاط زیر درخت‌ها موکت را پهن کردم و بالای تخته کنار پرچم رنگی‌رنگی فلسطین نوشتم: «به نام خداوندی که قلب‌هایمان را به هم پیوند داده است.»

تندوتند، پرچم سازمان ملل و هلال احمر را هم در کناره‌های تخته کشیدم. کم‌کم که بچه‌ها با ذوق و شوق به حیاط می‌آمدند و روی موکت می‌نشستند، جورچین کلاسی ما هم تکمیل می‌شد. بچه‌ها مقابل تخته نشستند. نگاهشان کردم. انتهای رد نگاه افتخارآمیزشان به پرچمی می‌رسید که دیروز درست کرده بودند. مطمئن بودم منتظرند از آن‌ها سؤال کنم. پرسیدم: «بچه‌ها، پرچم کدوم کشور روی تخته هست؟» بلند جواب دادند: «فلسطین! خودمون



آموزشی

پنجمین ماه

دوره‌ی بیست و هفتم
شماره‌ی ۵ / ۱۴۰۲

۲۵

درستش کردیم‌ها!»
گفتم: «بچه‌ها، دیروز اخبار رو دیدین؟ چه اتفاقاتی در فلسطین رخ داده؟»
چند نفر با ذوق گفتند: «آره خانم، ما دیدیم! خیلی خفن بودن! مثل بازی با چتر هوایی، اسمش چی بود؟ ها، با چتربال (پاراگلایدر) به اسرائیلی‌ها زدن و داغونشون کردن.»
بقیه‌ی بچه‌ها که اطلاعات زیادی در این مورد نداشتند، از صحبت دوستانشان کمابیش متوجه اخبار شدند. در تلفن همراهم جست‌وجو کردم. عکس‌های حمله به کشور فلسطین و ویدئوهای منتشرشده را به بچه‌ها نشان دادم. سپس با آن‌ها شروع به گفت‌وگو کردم.
- بچه‌ها، این‌ها چه ارتباطی به ما داره؟ چرا ما باید خوش‌حال باشیم؟ اصلاً چرا ما باید به کشورهای دیگه کمک کنیم؟
- خانم اجازه؟
- بفرمایید.

- خب، خانم اون‌ها هم مسلمونن.
آیه‌ی اخوت را برای آن‌ها خواندم: «إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ فَأَصْلِحُوا بَيْنَ أَخَوَيْكُمْ وَ اتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ» (۱۰/حجرات)
(در حقیقت مؤمنان با هم برادرند؛ پس میان برادرانتان را سازش دهید و از خدا پروا بدارید. امید که مورد رحمت قرار گیرید).

پرسیدم: «شما اگه خواهر و برادرتون اذیت یا مریض باشن، می‌تونین بی‌تفاوت باشین؟! می‌تونین دوستتون ناراحت باشه و بی‌اهمیت از کنارش

رد بشین؟! می‌تونین کسی داره کشته می‌شه، از کنارش رد بشین و بگین به من چه ارتباطی داره؟!»
- وای! نه خانم! مگه می‌شه؟
- خب بچه‌ها، اینکه از یکی دو تا خواهربرادر یا دوست هم گذشته، قضیه‌ی یه کشوره که خواهر، برادر و دوستمون هستن. خوش‌حالی‌شون، خوش‌حالی‌مونه و نارحتی‌شون ناراحتی‌مون. مگه نه؟!
یکی از بچه‌ها گفت: «خانم، اصلاً مسلمان هم نباشن، انسان که هستن. ما باید کمکشون کنیم.»

گفتم: «آفرین! اینجااست که سعدی می‌گه: بنی‌آدم اعضای یکدیگرند»
بچه‌ها یک‌صدا ادامه دادند: «که در آفرینش ز یک گوهرند.»
بعد هم همه با هم گفتیم: «چو عضوی به درد آورد روزگار / دگر عضوها را نماند قرار / تو کز محنت دیگران بی‌غمی / نشاید که نامت نهند آدمی.»

یکی از بچه‌ها پرسید: «خانم، چرا پس دنیا کمکشون نمی‌کنه؟!»
گفتم: «برای اینکه آدم‌ها هنوز بزرگ نشدن!»

- بزرگ نشدن؟! یعنی چی خانم؟!
- آدم‌ها وقتی بزرگ می‌شن که به جای «من» بگن «ما». دستاشون رو بذارن توی دستای هم، چشماشون رو باز کنن و از حق دفاع کنن.

- خانم اجازه؟ ما هم می‌خوایم زودتر بزرگ بشیم، چه کار کنیم؟
لبخندی زدم و گفتم: «بچه‌ها، کتابتون

رو باز کنید؛ درس سوم، عنوان رو بلند بخونید»
بچه‌ها گفتند: «همدلی.»
یکی گفت: «خانم، من بخونم؟» و شروع کرد: «به نام خداوندی که قلب‌هایمان را به هم پیوند داد.»

روخوانی درس که تمام شد، برایشان از صلیب سرخ، هلال احمر و کمیته‌ی امداد گفتم و کلی حرف زدیم. بعضی از بچه‌ها گفتند: «خانم، تابستون دوره‌های هلال احمر رو می‌ریم حتماً.»

گفتم: «بچه‌ها، ما شاید دستمون به بچه‌های فلسطین نرسه، اما بیاید به کار دیگه بکنیم.»
- چی خانم؟

- ما سیزده نفریم. یه سال چند ماهه داره؟

- ۱۲ تا خانم.
- خب، اگه موافق باشین، یه بچه رو برای یک سال حمایت و هر ماهه کمکش کنیم.

چشم‌های معصومشان برقی زد و با خوش‌حالی همراهی کردند.

- خانم، ما پول توجیبی‌هامون رو می‌دیم.

- خانم، من قلکم رو باز می‌کنم.
- خانم، می‌شه من لوازم‌التحریرام رو بدم؟

(چند روز بعد، با کمیته‌ی امداد تماس گرفتیم و قرار شد یک بچه‌ی پایه پنجمی را بچه‌های پایه پنجمی ما تحت حمایت قرار دهند. بچه‌های کلاس ما



واقعاً بزرگ شدند.)

روی تخته، شماره تلفن‌های ۱۱۲ (ندای ملی هلال احمر) و ۱۵۷۰ (خط ملی حمایت و مددکاری) را نوشتیم. قرار شد بچه‌ها برای هفته‌ی بعد در مورد این مرکزها تحقیق کنند.

بقیه‌ی زنگ را در همان حیاط ورزش کردیم. مطمئن بودم بچه‌ها درس را به خوبی یاد گرفته‌اند. ریحانه آرام کنارم نشست. سرش را بالا گرفت و به آسمان نگاه کرد. گفت: «خانم، این کلاسمون خیلی حس خوبی داشت. ممنونم. ولی فکر کنم آدم‌ها بزرگ‌تر هم می‌شن.»

- چطوری؟

- وقتی مثل شما کار رو برای «ما» هم نه، برای «خدا» انجام بدن.

لبخندی نشست روی لبانم. من هم مثل ریحانه به آسمان نگاه کردم و گفتم: «خدایا شکر!»

نکته: وسط تدریس وقتی بچه‌ها در مورد افتخارات مسلمانان و فلسطینی‌ها و پیروزی‌هایشان صحبت می‌کردند، عقابی از بالای سرمان رد شد. بچه‌ها آن قدر در حس رفته بودند که فریاد زدند: «الله اکبر!» اینجا بود که از فرصت استفاده کردم و گفتم: «بچه‌ها، این عقاب به چرا این قدر نسبت به اون گنجشکه کم بال می‌زنه؟»

بچه‌های من که به این سوالات عجیب عادت کرده بودند، با حالت خردمندانه‌ای گفتند: «خانم، معلومه، چون پهنای بالش بیشتر و بالش بلندتره. شبیه آزمایش فرفره‌ها مون تو درس علوم.»

- حالا اگه شما بخواید برای کمک به فلسطینی‌ها یک پهباد بسازید، چجوری طراحی‌ش می‌کنید؟

- خانم، طول پره‌هاش رو بلند می‌کنیم، پهنای بال رو زیاد می‌کنیم و طول دم رو کم می‌کنیم.

- آفرین! روش هم بنویسیم: «وَأَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ» (هر آنچه در توان دارید، برای مقابله با دشمنان بگذارید) (انفال/۶۰).

- نه خانم، می‌نویسیم: «نصر من الله و فتح قریب» (همانا که پیروزی نزدیک است).

متن نامهی حمایت از فلسطین از بچه‌های پایه‌ی پنجم باغچه

بسم رب الشهداء و الصّديقين
«إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الَّذِينَ يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِهِ صَفًا كَأَنَّهُمْ بُنَيَانٌ مَرْصُومٌ» (همانا خدا دوست می‌دارد کسانی را که در راه او صف در صف جهاد می‌کنند و همچون بنایی ساخته شده از سرب، استوار هستند).

خداوند قادر و عزیز را برای نصرت و عزتی که به مجاهدان فلسطینی اعطا فرموده، سپاس می‌گوییم و درود بر مردان و زنانی می‌فرستیم که غیرتمندانه در میدان ایستاده‌اند.

ما کودکان ایران همراه کودکان و مردم فلسطین هستیم. دست‌هایمان از هم دور است؛ اما قلب‌هایمان به هم پیوند خورده است. دنیا را برای بستن چشمانش بر این جنایت‌ها، انسان‌کشی‌ها و فراموشی انسانیت محکوم می‌کنیم. سکوت کافی است. ما دیگر فقط صدای مردم فلسطین نخواهیم بود. ما دستانشان خواهیم بود. ما در قبال ظلم، استکبار و جنایت دست در دستتان هم می‌ایستیم و آن را محکوم می‌کنیم و در زیر لب‌هایمان زمزمه خواهیم کرد: «نصر من الله و فتح قریب» (همانا که پیروزی نزدیک است).

امضا کنندگان:

زهرآ بوستانی / رقیه تقوی / زینب جعفری /
ضحی حاجی‌زاده / حورا شفیعی / سما
علی‌بیگی / دینا قاسمی / ناز کریمی /
زهراسادات موسوی / مبینا قربانی / ریحانه
صالحی‌منش و آموزگار فاطمه لطفی‌نسب.

آزمایشگاه ابتدایی

پنجمین ماه

دوره‌ی بیست و هفتم
شماره‌ی ۵ | ۱۴۰۲

۲۷

معرفی نرم افزار ایلوستریتور



ژارمن یولید سن و نسان
مدیر دبیرستان و هنرستان ماری
مانوکیان منطقه ۶ تهران

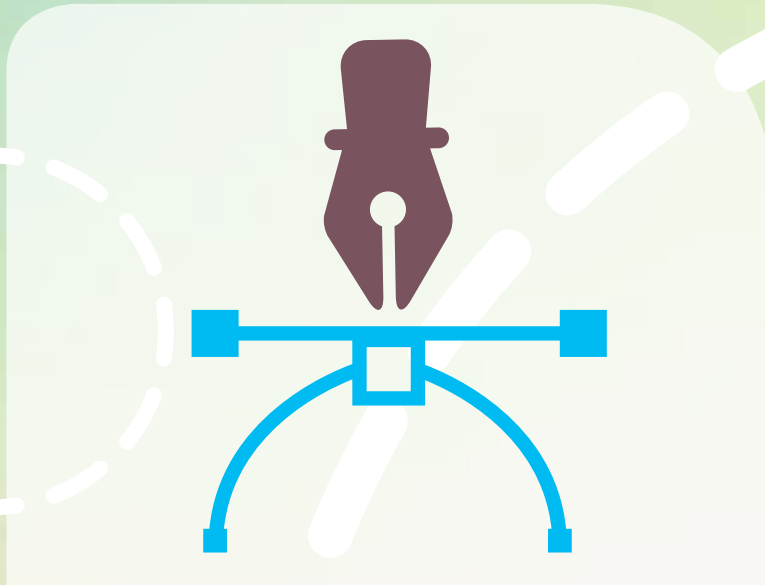
تولید محتوای مرتبط با گرافیک در ایجاد ارتباط مؤثر با مخاطب حائز اهمیت است. این مهم زمانی حاصل می شود که محتوایی با مضمون مناسب در راستای اهداف تولید شود تا بتواند پیام مضمون مورد نظر را به درستی انتقال دهد. تولید محتوایی که اساس گرافیکی دارد باید زیبا طراحی شود تا مخاطب با دیدن آن احساسی مثبت دریافت کند.

به یاد داشته باشید پیچیده ترین مسائل می توانند در قالب تصویرها به جذاب ترین ها تبدیل شوند. امروزه استفاده از مهارت های



گرافیکی یک امر لازم و ضروری در بسیاری از حرفه‌ها به شمار می‌رود و داشتن تسلط در این زمینه برای داشتن یک کارنامک (رزومه) قوی بسیار اهمیت دارد؛ زیرا بسیاری از کارفرمایان به دنبال افراد باانگیزه و با مهارت در زمینه‌ی طراحی می‌گردند.

برنامه‌ی ایلوستریتور یکی از محبوب‌ترین نرم‌افزارهایی است که در حال حاضر توسط طراحان گرافیک، طراحان وب و تصویرگران حرفه‌ای و هنرمندان تجسمی برای ایجاد تصاویر گرافیکی استفاده می‌شود. این برنامه نرم‌افزاری است که توسط شرکت ادوبی ساخته شده است و شامل انواع متعددی از ابزارهای پیچیده‌ی طراحی است که به کاربران امکان می‌دهد به راحتی تصویرهای



گرافیکی خود را درست کنند.

در ابتدا، این نرم‌افزار فقط برای رایانه‌های مک (مختص شرکت اپل) در دسترس بود. از سال ۱۹۸۹ برای رایانه‌های ویندوزی نیز در دسترس قرار گرفت. شرکت ادوبی، از سال ۱۹۸۷ تا ۲۰۲۰، نسخه‌های زیادی از این نرم‌افزار را منتشر کرد. با این به‌روزرسانی‌ها، ابزارها و ویژگی‌های جدیدی به نرم‌افزار اضافه شده‌اند.

از برنامه‌ی ایلوستریتور معمولاً برای ایجاد اسناد دیجیتال و چاپی مانند پوینمایی، نشان‌واره (لوگو)، تصویرها و نمودارها (چارت‌ها) و طراحی و نقاشی در سطح حرفه‌ای استفاده می‌شود. جالب است بدانید بسیاری از شخصیت‌های معروف پوینمایی، توسط نرم‌افزار ایلوستریتور طراحی شده‌اند. این نرم‌افزار ابزارهای گوناگونی را برای طراحی در اختیار شما قرار می‌دهد که به‌وسیله‌ی آن می‌توانید به راحتی تصویرهای پوینمایی خود را خلق و هرگونه تغییرات لازم را روی آن‌ها اعمال کنید. در تولید محتوای آموزشی نیز می‌توان با تلفیق ایده و خلاقیت همراه با گرافیک، در زمینه‌های تغییر حالت شخصیت و پس‌زمینه، بهترین خروجی کار را ارائه داد. حتی می‌توان فایل‌هایی با اندازه‌های کوچک ایجاد و به راحتی به اشتراک گذاشت.

نرم‌افزار ایلوستریتور یک نرم‌افزار مبتنی بر بُردار است. این در حالی است که

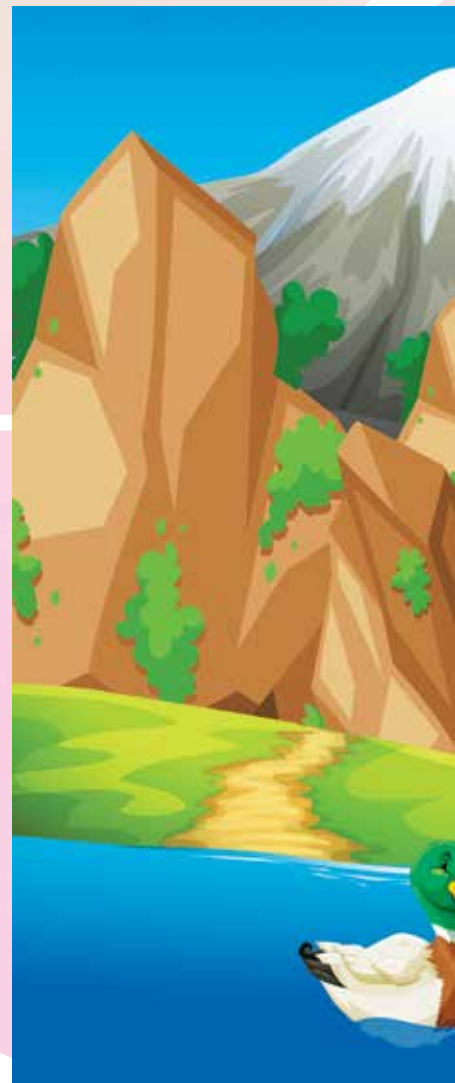
نرم‌افزارهای دیگر مبتنی بر تصویردانه‌ها (پیکسل) هستند. در واقع این ویژگی نرم‌افزار ایلوستریتور مزیتی است که منجر به ایجاد گرافیک‌های برداری متعدد شده است. گرافیک برداری ترسیم‌شده توسط این نرم‌افزار کیفیت بسیار بالایی دارد و هرگز از کیفیت آن کاسته نمی‌شود.

تسلط در نرم‌افزار ایلوستریتور یکی از گام‌های مهم و تأثیرگذار در جلب‌توجه مخاطب به شمار می‌رود؛ زیرا با این نرم‌افزار به راحتی می‌توان به ویرایش تصویر پرداخت و با به‌کارگیری خلاقیت و ابتکار، تصویرهای زیبا و هنرمندانه‌ای را خلق کرد. با ایلوستریتور شما می‌توانید تصاویر بُردار (وکتور) را با هم ادغام و عناصری را اضافه یا کم و حتی رنگ دلخواه خود را بر عناصر تصویر اعمال کنید.

به همین دلیل بهتر است هرچه زودتر یادگیری کار با نرم‌افزار ایلوستریتور را آغاز کنید. به این ترتیب گام بلندی برای تحقق بخشیدن به تخیلات و مهارت‌های هنری خود برمی‌دارید و هر آنچه را در تخیل خود دارید، به تصویر می‌کشید.

پی‌نوشت

1. Adobe Illustrator



علت‌های بروز اختلالات یادگیری



سمیه داوری
آموزگار پایه‌ی دوم ابتدایی

یادگیری در افراد بر اساس فراوانی و شدت علائم گزارش شده مشخص می‌شود. بنابراین نباید این دورا باهم اشتباه گرفت.

اصطلاح «اختلال یادگیری» برای بیان گروهی از اختلالات به کار می‌رود که مشخصه‌ی بارز آن‌ها رشد ناقص و ناکافی برخی از مهارت‌های خاص گفتاری، زبانی و علمی (آکادمیک) است. انواع اختلالات یادگیری عبارتند از: اختلال خواندن یا دیسلکسیا، اختلال حسابی یا دیسکالکولیا^۱ و اختلال نوشتن یا دیسگرافیا^۲.

«ناتوانی یادگیری»، «اختلال یادگیری»^۳ یا «دشواری یادگیری»^۴ بیانگر شرایطی در مغز هستند که درک مطلب یا پردازش اطلاعات را دشوار می‌سازد و مشکلاتی در این زمینه ایجاد می‌کند. ناتوانی یادگیری و اختلال یادگیری غالباً به‌عنوان مترادف و به‌جای یکدیگر به کار می‌روند؛ اما در حقیقت این دو اصطلاح از چندین منظر با هم تفاوت دارند. تفاوت بین ناتوانی و اختلال

افراد مبتلا به ناتوانی‌ها و اختلالات یادگیری با چالش‌های منحصربه‌فردی مواجه می‌شوند که بیشتر اوقات در تمام طول عمرشان به‌صورت برجسته وجود دارند. مداخلات درمانی و فناوری‌های کنونی، بسته به نوع و شدت ناتوانی فرد، می‌توانند به او کمک کنند تا راهبردهایی را که منجر به موفقیتش در آینده می‌شود، فرا بگیرد. برخی از این مداخلات بسیار ساده هستند، درحالی‌که در برخی موارد، از مداخلات بسیار ظریف و پیچیده‌ای استفاده می‌شود.

آثار ناشی از اختلالات و ناتوانی‌های یادگیری

اثرات ناشی از ابتلا به ناتوانی یا اختلال یادگیری فقط به نتیجه‌ها و پیامدهای آموزشی محدود نمی‌شود. این افراد ممکن است مشکلاتی اجتماعی را نیز تجربه کنند. محققان معتقدند که افراد مبتلا به ناتوانی یا اختلال یادگیری نه تنها آثار و تبعات منفی ناشی از تفاوت‌های یادگیری‌شان را تجربه می‌کنند؛ بلکه برچسب ناتوانی یادگیری نیز به آن‌ها می‌خورد و این برچسب همواره همراه آن‌هاست. تحقیقات جدید نشان می‌دهد نوجوانان مبتلا به ناتوانی‌های یادگیری در مقایسه با سایر هم‌سالان خود نتیجه‌های علمی و تحصیلی ضعیف‌تری را در دوره‌ی دبیرستان کسب می‌کنند (دارا شیفر، ۲۰۱۳، ص ۴۶۲).

علاوه بر این‌ها، تاکنون مطالعات متعددی نیز برای بررسی و ارزیابی رابطه‌ی بین ناتوانی و اختلال در یادگیری و عزت‌نفس انجام گرفته است. نتایج این پژوهش‌ها نشان می‌دهد آگاهی افراد از ناتوانی یادگیری خویش بر عزت‌نفس آن‌ها اثرگذار است. بر این اساس، دانش‌آموزانی که ادراک مثبتی از توانایی‌های علمی خود دارند. عموماً صرف‌نظر از پیشرفت علمی واقعی خویش عزت‌نفس بالاتری نسبت به سایر همسالان خود دارند (مریث سیسندن و همکاران، ۱۹۹۹، ص ۲۷۹).

علت بروز اختلالات و ناتوانی‌های یادگیری

علت بروز اختلالات و ناتوانی‌های یادگیری هنوز به‌طور کامل شناخته نشده است و حتی گاهی هیچ دلیل روشن و واضحی برای آن‌ها یافت نمی‌شود. با این حال، برخی از علل و عوامل بروز اختلالات عصب‌شناختی عبارت‌اند از:



بی نوشت‌ها:

1. Learning disability
2. Learning disorder
3. Learning difficulty
4. Dyslexia
5. Dyscalculia
6. Dysgraphia
7. Neuropsychological

منابع:

- [1] Shifrer, Dara (2013): Stigma of a Label: Educational Expectations for High School Students Labeled with a Learning Disability; Journal of Health & Social Behavior, 54 (4): 462-480.
- [2] Cisdan, Merith; Elliot, Katherine; Noble, Sharon (1999): Self-Understanding and Self-Esteem in Children with Learning Disabilities; Learning Disability Quarterly; 22 (4): 279-290.
- [3] Aron P. G. (1995): Differential Diagnosis of Reading Disabilities; School Psychology Review; 24 (3): 345-360.

اعتماد به نفس و عزت نفس دانش آموز آسیب‌بزند. در عین حال، آگاهی داشتن از وجود این ناتوانی‌ها و اختلالات به آموزگار کمک خواهد کرد تا با ذهن بازتری پذیرای آن باشد و از به‌کار بردن واژگانی که به عزت نفس دانش آموز آسیب می‌رساند یا حس ناتوانی یادگیری را در دانش آموز تلقین می‌کند، بپرهیزد. انباشت تجربه‌های مثبت نظیر موفقیت در روابط بین فردی، پیشرفت و موفقیت تحصیلی یا غلبه بر فشار روانی و اضطراب باعث شکل‌گیری عزت نفس می‌شود و این شکل‌گیری عزت نفس نیز در نهایت به دانش آموز کمک خواهد کرد که ناتوانی و ضعف خود را بپذیرد و زندگی بهتری را تجربه کند. بر این اساس، پذیرش ناتوانی و اختلال و تلاش برای سازگاری و انطباق زندگی با آن در مقایسه با نپذیرفتن یا تلاش برای رفع آن بی‌شک نتیجه‌های مثبت‌تر و بهتری را برای فرد به همراه خواهد داشت.

در برخورد با دانش آموز مبتلا به این ناتوانی و اختلال، آموزگار یا مربی می‌تواند نیازهای دانش آموز را از وی پرسد؛ چراکه خود دانش آموز بهتر از هر کس دیگری به نیازهایش آگاهی دارد. برخی از این سوالات که معلم می‌تواند مطرح کند، عبارت‌اند از:

- تو می‌خواهی بیشتر روی چه نوع تکلیفی تمرکز کنی؟
 - در فضای کلاسی، بیشتر ترجیح می‌دهی چه کاری را انجام بدهی؟
 - هنگام نوشتن، اغلب تمایل داری از چه ابزارها یا فناوری‌هایی استفاده کنی؟
 - آیا دوست داری انشایی را که نوشتی، خودت با صدای بلند بخوانی یا ترجیح می‌دهی به جای تو من آن را بخوانم؟
 - با کدام روش، درس را بهتر یاد می‌گیری (انجام تکلیف، دیدن یا شنیدن)؟
- با مطرح کردن این پرسش‌ها آموزگار می‌تواند به نیازهای دانش آموز خود پی ببرد و بر اساس آن نیازها، روش مناسب را برای تدریس و تعامل با آن دانش آموز و در بهترین حالت رفع مشکل او برگزیند.



می‌توانند اختلالات و ناتوانی‌های یادگیری را تشخیص دهند. برای تشخیص این اختلالات و ناتوانی‌ها، این متخصصان ترکیبی از آزمون ضریب هوشی، آزمون پیشرفت تحصیلی، عملکرد کلاسی، تعامل اجتماعی و آزمون استعداد را به کار می‌برند. البته شیوه‌های سنجش و ارزیابی دیگری نیز برای این منظور وجود دارد که از جمله‌ی آن‌ها می‌توان به سنجش و ارزیابی ادراک، شناخت، حافظه، تمرکز و توجه و همچنین ارزیابی توانایی‌های زبانی اشاره کرد. بر اساس نتیجه‌ها و داده‌های حاصل از این ارزیابی‌ها و آزمون‌ها می‌توان تشخیص داد که آیا عملکرد تحصیلی کودک با توانایی شناختی او تناسب دارد یا نه. اگر توانایی شناختی کودک بالاتر از عملکرد تحصیلی‌اش بود، می‌توان نتیجه گرفت که وی به احتمال قوی به ناتوانی یا اختلال یادگیری مبتلاست.

علاوه بر این، تحقیقات اخیر نشان داده‌اند که اختلاف و تفاوت بین سطح ضریب هوشی (IQ) و میزان پیشرفت تحصیلی دانش آموز می‌تواند به‌عنوان شاخصی عالی برای تشخیص ناتوانی و اختلال یادگیری مورد استفاده قرار بگیرد (پی جی آرون، ۱۹۹۵، ص ۳۴۵).

چگونه به افراد مبتلا به

ناتوانی و اختلال یادگیری کمک کنیم؟

بسیاری از افراد مبتلا به ناتوانی و اختلالات یادگیری سعی در پنهان کردن آن دارند و از پذیرفتن این اختلال طفره می‌روند. آنچه مسلم است اشاره‌ی مستقیم آموزگار به این ناتوانی‌ها و اختلالات می‌تواند به

● **وراثت (ژنتیک):** ناتوانی‌ها و اختلالات یادگیری بیشتر اوقات از طریق ژن در خانواده منتقل می‌شوند. اکثر کودکان مبتلا به این عارضه والدینی دارند که با همین مشکلات دست‌وپنجه نرم می‌کنند. کودکانی که سطح سواد والدینشان کمتر از دیپلم باشد، معمولاً بیشتر در دسته‌ی افراد مبتلا به ناتوانی‌های یادگیری قرار می‌گیرند.

● **مشکلات دوران بارداری و زایمان:** ناتوانی و اختلال یادگیری می‌تواند در اثر ناهنجاری در رشد مغز، بیماری یا جراحی ایجاد شود. قرار گرفتن جنین در معرض الکل یا مواد مخدر و همچنین پایین بودن وزن نوزاد در هنگام تولد از جمله عامل‌های ریسک (ریسک فاکتورهای) ابتلا به این اختلالات‌اند. این کودکان بیشتر در زمینه‌ی خواندن و ریاضی با مشکلاتی روبه‌رو هستند.

● **حوادث پس از زایمان و تولد:** ناتوانی‌ها و اختلالات یادگیری ممکن است در اثر حوادثی همچون وارد آمدن جراحات به سر، سوءتغذیه یا مواجهه با مواد سمی مانند فلزات سنگین یا آفت‌کش‌ها ایجاد شوند.

تشخیص و درمان

متخصصانی همچون روان‌درمانگر، آسیب‌شناس (پاتولوژیست) زبانی گفتاری، روان‌شناس تحصیلی، روان‌شناس بالینی، روان‌شناس مشاوره‌ای، عصب‌روان‌شناس (نوروسایکولوژیست) و دیگر متخصصان حوزه‌ی اختلالات یادگیری افرادی هستند که



گیاه انگشتی

فاطمه قاسمی، سرگروه آموزشی استان فارس
مهوش افروغ، معاون آموزشی دبستان



وسایل موردنیاز را که شامل مقوا، گوش پاک‌کن، برگ درخت (ترجیحاً برگی را که از درخت افتاده است، استفاده کنید و برگی را که روی شاخه است، جدا نکنید)، گواش، صفحه‌ی رنگ (پالت) و قلم‌موس، آماده کنید.



با توجه به داستان و موضوع نقاشی، یک رنگ مقوا را به‌عنوان زمینه‌ی کار انتخاب کنید. ما در اینجا رنگ خاکستری را با توجه به نمای نقاشی در شب انتخاب کرده‌ایم. روی مقوای انتخاب‌شده را با استفاده از یک برگ درخت که آن را با گواش سببز رنگ آمیزی کرده‌اید، چاپ بزنید تا بافت زیبای برگ روی مقوا بیفتد. قسمت پایین مقوا را کاملاً با استفاده از برگ چاپ بزنید، به‌گونه‌ای که فضای خالی پر شود.



با استفاده از قلم‌مو و همان رنگ سبز، خطی عمود و دارای انحنا به‌عنوان تنه‌ی گیاه رسم کنید.

هنر می‌تواند توانایی همکاری کودک با دنیای اطرافش را گسترش دهد و مجموعه‌ی مهارت‌های جدیدی را برای او به‌منظور برقراری ارتباط و بیان خواسته‌هایش فراهم آورد. کودکان از طریق فعالیت‌های هنری مهارت‌های زندگی را در خود پرورش می‌دهند. این‌گونه فعالیت‌ها به رشد مغزی کودکان نیز بسیار کمک می‌کنند. بازی‌های حسی، مانند نقاشی با انگشت، از جمله فعالیت‌های هنری بسیار مفیدی هستند که اکثر افراد در کودکی آن را تجربه می‌کنند. این نوع فعالیت به کودک کمک می‌کند تا اطلاعات موردنیاز مانند مفاهیم فضایی، مفاهیم ریاضی و زبان را در هم ادغام و در مغز فعال کند. برخی از فواید نقاشی با دست، برای کودکان، عبارت‌اند از:

یادگیری نام رنگ‌ها؛ مخلوط کردن رنگ‌ها با هم و به‌وجود آوردن رنگ‌های جدید؛ کسب خلاقیت در کشف رنگ؛ هماهنگ شدن حواس کودک؛ تقویت و بهبود رشد حرکتی؛ هماهنگی انگشتان دست و چشم با مغز؛ کمک به یادگیری شکل و فضا؛ بهبود و تقویت حواس شنوایی، لمسی و بویایی؛ تحریک خلاقیت و تخیل کودک؛ هماهنگ شدن بین چشم و دست؛ توسعه‌ی زبان و گفتار. بعد از ایجاد نقاشی با انگشت، می‌توان از دانش آموزان خواست که در مورد قطعه‌ی هنری خود صحبت کنند. آن‌ها می‌توانند در مورد رنگ‌های متعدد استفاده‌شده یا اشیای گوناگونی که سعی در ایجاد آن‌ها دارند، با یکدیگر به گفت‌وگو بپردازند. علاوه بر این، نقاشی با انگشت شرایطی را برای کودکان فراهم می‌آورد تا احساسات خود را به‌صورت تصویری و نه با کلمات بیان کنند. ما در اینجا فعالیت‌های هنری را با استفاده از گواش و انگشتان دست پیش خواهیم برد و لذت آن را با شما به اشتراک خواهیم گذاشت.

مراحل ساخت کار دستی گیاه انگشتی



در انتها با نوک انگشت یا با استفاده از گوش پاک‌کن، نقطه‌هایی کوچک در سطح کاغذ رسم کنید تا تلالویی نورانی در صحنه‌ی زیبای نقاشی‌تان نقش ببندد. شما همچنین می‌توانید نقطه‌ها را به‌عنوان ستاره در نظر بگیرید و بخش آسمان شب نقاشی‌تان را پرستاره کنید.



۶

مقداری رنگ قرمز و سفید درون صفحه‌ی رنگ (پالت) می‌ریزید و با گوش پاک‌کن مخلوط می‌کنید تا رنگی جدید ایجاد شود. شما می‌توانید ترکیب رنگ‌ها و تولید رنگ جدید را به انتخاب دانش‌آموزان بگذارید تا با آزمون و خطا و ترکیب رنگ‌ها، رنگ دلخواه خود را تولید کنند. سپس با اضافه‌کردن آب، رنگ را کمی رقیق کنید و با استفاده از انگشت، نقطه‌هایی به‌عنوان گل در اطراف تنه بگذارید.



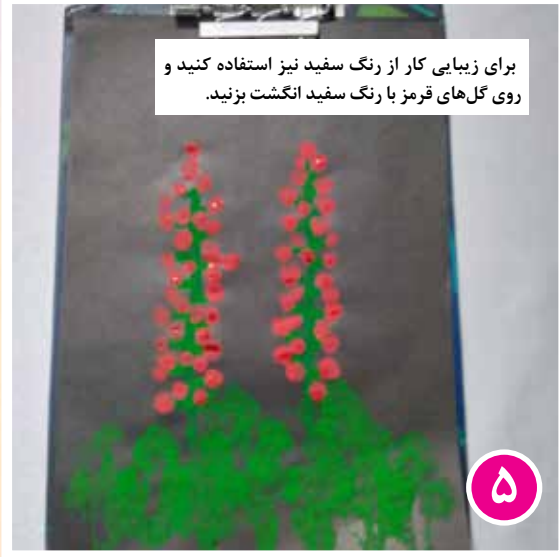
۴

نقاشی زیبای شما آماده است

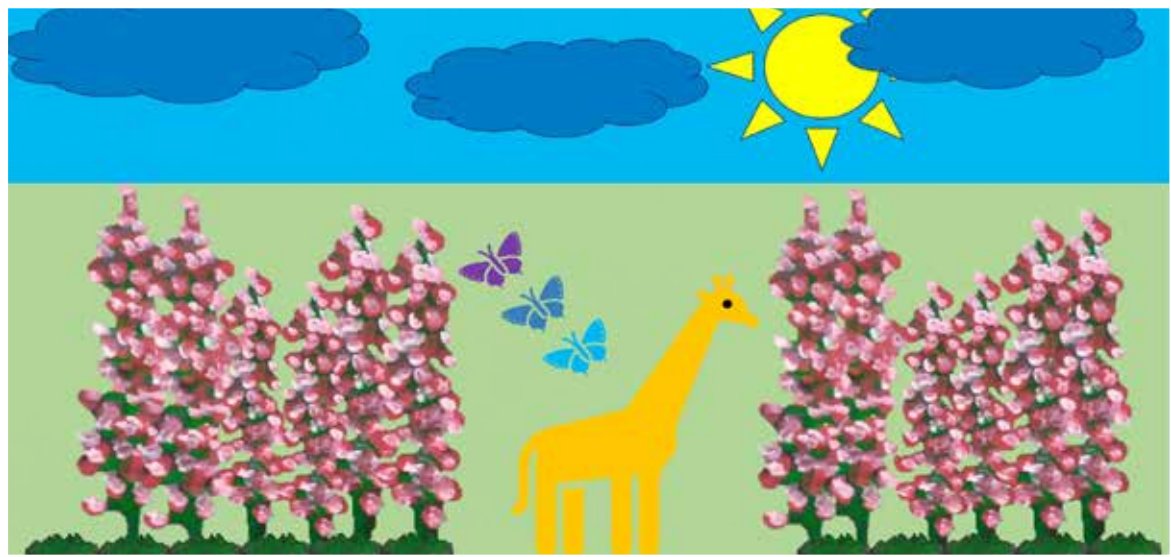


۷

برای زیبایی کار از رنگ سفید نیز استفاده کنید و روی گل‌های قرمز با رنگ سفید انگشت بزنید.



۵



باغچه‌ی پشیمانی



اعظم لاریجانی

«افشین انصاری کهریزی» مدرک کارشناسی آموزشی مشاوره دارد و هم‌اکنون نیز دانشجوی دکترای مدیریت آموزشی است. او پانزده سال سابقه‌ی کار دارد. در این پانزده سال، ده سال معلم مدرسه‌های چندپایه، یک سال معلم پایه‌ی دوم، سه سال راهبر آموزشی و تربیتی و یک سال کارشناس گروه‌های آموزشی بوده است. در حال حاضر، در روستای یولار ناحیه‌ی یک ارومیه در کلاس‌های چندپایه تدریس می‌کند. او که مدرس ارزشیابی کیفی توصیفی و ارزیاب طرح جابر و الگوی تدریس و .. بوده است، دریافت جوایزی از جمله جایزه‌ی رتبه‌ی اول الگوی برتر تدریس، در کلاس‌های چندپایه، در کارنامه‌اش به چشم می‌خورد.

ده دقیقه‌ای می‌شد که در آینه زل زده بود به چشمان خودش. گاهی تصویر از جلوی چشمانش محو می‌شد و ساسان را می‌دید که با چشمان نمناک، در حالی که با دست راست گونه‌اش را گرفته است، به او نگاه می‌کند. همین زنگ پیش بود که در برابر چشم همه‌ی بچه‌ها به او سیلی زده بود. همان لحظه پشیمان شد. صدای زنگ، او را به خود آورد. با یک لیوان آب، گلوی تلخ از بغضش را تر کرد و به سمت کلاس رفت.

ساسان هنوز در بهت بود. زنگ تفریح همان‌جا روی نیمکت نشست. دائم آن صحنه که دایمی دستش را بالا برد و خواباند توی گوشش، از جلوی چشمانش رد می‌شد. با خود فکر می‌کرد: «تو دیگه دایمی من نیستی.»

بچه‌ها یکی‌یکی وارد کلاس شدند. بعضی‌ها با پوزخند به ساسان نگاه می‌کردند. آقای سرلک که وارد شد، یکی گفت: «بریا» و بقیه روی پا ایستادند. ساسان بعد از همه بلند شد و قبل از همه نشست. سرلک معذب بود. آن روز فقط پشت میزش نشست تا مجبور نشود به کسی نگاه کند.

زنگ آخر که خورد، آقای سرلک تصمیم گرفت برای دلجویی به خانه‌ی خواهرش سری بزند. او در روستای دیگری ساکن بود. وقت کم بود و هوا زود تاریک می‌شد؛ ولی چه چیزی مهم‌تر از اینکه این بار را از دوش خود بردارد.

آقا معلم به سمت خانه‌ی خواهرش رفت. همین دیروز بود که او سرلک را کناری کشید و گفت: «داداش جان، امسال این بچه لای کتاب و دفتر رو باز نمی‌کنه. هر چی بهش می‌گم مگه تو مشق نداری، می‌گه: «دایمی جون معلممه. به من چیزی نمی‌گه.»

- نگران نباش. اون بچه‌ی درس خونیه. الان جوگیر شده.

خواهرش مهلت نداد حرفش را تمام کند و گفت: «نه! یه زهرچشم ازش بگیر. نمی‌خوام درسش افت پیدا کنه.»

آقای سرلک به پشت در که رسید، تصمیم گرفت که اصلاً به روی خودش نیاورد. مثل همیشه شوخی کند و بخندد. در نیمه باز

را هل داد و وارد شد. مثل همیشه داد زد: «ساسان جان، هالا ساسان! بیا یه فوتبالی بزنیم.» خبری نشد. خواهرش به حیاط آمد و با ایما و اشاره چیزی گفت که او نفهمید. سرلک کمی این پا و آن پا کرد و دوباره داد زد: «دایمی جان، یه لیوان آب بده من.» قبلاً هر وقت سرلک چیزی می‌خواست، ساسان به تقلید از مادرش می‌گفت: «تو جون بخواه.»

باز هم خبری نشد. مامان ساسان داد زد: «پسرم. بیا بیرون.»

باز هم آب از آب تکان نخورد. آقای سرلک بلند شد و با اشاره‌ی دست، خدانگهداری گفت و راه افتاد به سمت خانه.

ساسان نمی‌توانست باور کند این همان دایمی است که با هم بازی می‌کردند، کتاب می‌خواندند، قرارهای دونفره می‌گذاشتند و هزار حرف در گوشه داشتند. چیزی در دلش فروریخته بود که نمی‌توانست جمعش کند.

چهارشنبه آقا معلم با چهره‌ای متبسم وارد کلاس شد. ظرفی در دست داشت که گیاهی در آن حساسی ریشه دوانده بود. کیفش را روی میز گذاشت و گفت: «بچه‌ها، امروز

درسمون رو تو حیاط می‌خونیم.» انگار دستی نامرئی بچه‌ها را قلقلک می‌داد که خود را به اطراف می‌تایاندند و می‌خندیدند. ساسان بی‌تفاوت بود. همه به حیاط رفتند. آقای سرلک رفت کنار باغچه ایستاد و بچه‌ها دورش جمع شدند. ساسان با فاصله ایستاد. آقا معلم گفت: «بچه‌ها، ما باعث شدیم هوا آلوده بشه و برای جبران اشتباهمون نهال می‌کاریم و از درخت‌ها مراقبت می‌کنیم.»

بچه‌ها همدیگر را هل می‌دادند تا به باغچه نزدیک‌تر شوند. ساسان هم از همان دور نگاه می‌کرد. آقا معلم ادامه داد: «حالا بیاید با هم یه قراری بذاریم. بیاید از این به بعد اگر هر اشتباهی کردیم، برای جبران نهال یا گل و گیاهی اینجا بکاریم. این طوری هم اشتباهمون رو جبران می‌کنیم. هم یاد می‌گیریم به اشتباهمون اعتراف کنیم و هم حیاط مدرسه‌مون رو زیبا می‌کنیم.»

بچه‌ها به هیجان آمده بودند. آقا معلم وسط هیاهوی بچه‌ها در سکوت با بیلچه‌ای خاک باغچه را کند و قلمه‌ی شمشاد را از شیشه در آورد و گذاشت توی چاله و گفت: «ولین گیاه پشیمانی را هم من می‌کارم. چون اشتباه بزرگی کردم که به ساسان سیلی زدم. هیچ معلمی حق نداره دانش‌آموزی رو کتک بزنه؛ حتی اگر اون کار اشتباهی بکنه.»

ساسان جا خورد و قدمی برداشت؛ ولی باز جلوی خودش را گرفت و همان‌جا ایستاد. بچه‌ها کف زدند و رفتند سراغ ساسان و با وجود مقاومت او، دستش را گرفتند و کشیدند کنار باغچه. اشک در چشمان ساسان جمع شده بود. آقای سرلک منتظر بود تا نشانه‌ی کوچکی از آشنی در ساسان ببیند تا محکم بغلش کند؛ اما انگار ساسان دلش بیشتر از این‌ها پر بود.

روزها گذشت. باغچه کم‌کم داشت رنگ و رویی می‌گرفت؛ اما ساسان به باغچه نزدیک نمی‌شد؛ زیرا هنوز یادش نرفته بود که درست همان روزی که به بچه‌ها گفته بود دایمی جانم به من سخت نمی‌گیرد؛ چون ما با هم خیلی رفیقیم، یک کشیده‌ی حسابی نوش جان کرده بود. آن روز آقای سرلک درس را که تمام کرد، کنار پنجره رفت و به گرد برقی که از آسمان راهی زمین می‌شد، نگاه کرد و گفت: «عجب هوایی، فکر کنم امشب تا صبح بیارد. یادم رفت نایلونی را که برای باغچه‌مون خریدم، با خودم بیارم.» هوا سرد بود و بچه‌ها خودشان را



بودند. ساسان دلشوره داشت. در حالی که خاطراتش با دایی توی سرش می‌چرخید، مسیر آمدن سرلک را پیش گرفته بود و می‌رفت. اول یسار روزی افتاد که با دایی‌اش وارد جلسه‌ی شورای روستا شدند. همه حتی بزرگ‌ترها جلوی پایش بلند شدند و اصلاً به «شرمنده نکنید» گفتن‌های دایی توجه نکردند. همین دایی کاری کرده بود ساسان عاشق درس و کتاب شود. یاد روزهایی افتاد که دایی‌جان معلمش نبود؛ اما به او چیزهای زیادی، از نوشتن گرفته تا نقاشی کردن و حتی بازی، یسار داده بود. ساسان با مرور خاطراتش در مسیر پیش می‌رفت. دل توی دلش نبود. یادش آمد سال گذشته که دایی معلمش نبود، روز معلم انشایی نوشته بود: «یک نفر در خانه‌ی ماست که معلم است. آن قدر خوب به آدم یاد می‌دهد و آن قدر با او رفیقم که دلم می‌خواهد معلم شوم.» در همین فکرها بود که احساس کرد در جاده چیزی حرکت می‌کند. دوید و گفت: «آقا... آقا... دایی جان...»

آقا معلم بالاخره رسید با نایلونی که به دنبالش خود می‌کشید. ترسیده، خسته و سرمازده؛ اما خندان. خندان بود؛ چون ساسان به استقبالش می‌آمد. بچه‌ها هم پشت سر ساسان می‌دویدند. دو نفر نایلون را گرفتند و یکی کیفش را. ساسان دستش را گرفت.

– آقا چقدر دیر کردید!

– آقا یخ زدید که!

– بچه‌ها، پیاده اومدم. تو راه یه دسته روباه دیدم. فکر کردم گرگن. خلاصه زهره‌ترک شدم تا رسیدم. هوا که روشن شد دیدم روباهن.

بچه‌ها آقا معلم را بردند توی کلاس و کنار بخاری نشانند. ساسان کاپشنش را درآورد و روی پای دایی انداخت. آقا معلم گرم که شد، آمد کنار باغچه و نایلون را روی داربستی که قبلاً درست کرده بود، سوار کرد و نفس راحتی کشید.

روز بعد هوا بهتر و جاده باز شده بود و او توانست با ماشین به مدرسه بیاید. بچه‌ها در حال رفتن به مدرسه بودند. او پایین شیب پارک کرد که ماشین سر نخورد. وارد حیاط که شد بچه‌ها دور باغچه جمع شده بودند. به سمتشان رفت. ساسان که عزمش را جزم کرده بود حتماً معلم شود، داشت گل شمع‌دانی را که از خانه آورده بود، داخل خاک می‌گذاشت و امیدوار بود سرما آن را نزند.

هنوز زیاد از خانه دور نشده بود که احساس کرد صدای خش‌خشی می‌شنود. چوبی را که در دست داشت، در هوا چرخاند و صدای هوووی درآورد که اگر گرگی در اطراف باشد، بترسد. دل توی دلش نبود. کمی جلوتر برق چشمانی را دید که در تاریکی زل زده بودند به او. باز چوب را چرخاند. با خود گفت: «اگر گروهی حمله کنند، کاری از دستم ساخته نیست. شاید بهتر باشه برگردم.» اما با ترس‌ولرز هوووی کرد و به راهش ادامه داد. چشمان نورانی همراهی‌اش می‌کردند. ساعت از نه گذشته بود. از آقای سرلک هیچ خبری نبود. بچه‌ها بیرون مدرسه جمع شده

خوب پوشانده بودند. بعد هم، کیف و کوله‌شان را برداشتند و یکی‌یکی با آقای سرلک دست دادند و رفتند.

آن شب یکسره تا صبح، آسمان پنبه‌های سرد و زیبا را به زمین پرت و همه‌جا را سفیدپوش کرد. صبح که آقا معلم از پنجره‌ی خانه‌اش نگاه کرد، با خود گفت: «چطوری خودم رو به مدرسه برسونم؟» یاد باغچه و انتظار بچه‌ها که افتاد، تردید را کنار گذاشت و راه افتاد. جاده بسته بود و نمی‌توانست با ماشین برود. هوا سرد و تاریک بود. با احتیاط در آن باریکه‌ی نور چراغ قوه که روی برف‌ها می‌انداخت، به سمت مدرسه حرکت کرد.

آموزش تفکر

دکتر محمد فرخی

مدرس دانشگاه و آموزگار آموزش و پرورش

شهرستان سلماس

حسین سلیمی

آموزگار آموزش و پرورش شهرستان سلماس

دکتر حبیب صمدزاده

استاد دانشگاه آزاد اسلامی، واحد سلماس

استفاده از بازی است. تحقیقاتی که روی مغز انجام گرفته است مؤید این ادعاست که بازی کردن بر رشد کودکان تأثیرگذار است (McCain, 2007). هاگس بازی‌های خلاق مانند ساخت دست‌سازه‌هایی با خاک رس را برای آموزش تفکر به فراگیرندگان و کودکان پیشنهاد می‌دهد و معتقد است که کودکان با بهره‌گیری از تفکر خودشان در این نوع بازی‌ها می‌توانند قوانین لازم را برای بازی‌شان خلق کنند (Hughes, 2002).

آلن به معلمان توصیه می‌کند که برای آموزش تفکر به فراگیرندگان بهتر است متولیان آموزشی منابع غنی و پرمعنایی را ارائه کنند که یادگیری آن‌ها با ارزش تلقی شود و در ادامه، برای اینکه فراگیرندگان در مورد متن داده‌شده به خوبی فکر کنند، سؤالاتی پرمعنا و هدفمند طرح کنند (Allen, 2004).

از نظر لیپمن بهترین روش برای آموزش تفکر به کودکان استفاده از داستان است. او سعی می‌کند، در قالب داستان، رفتارهای متعدد کودکان را نشان دهد و در قبال این رفتارها، ذهن کودکان را به پرسش و تفکر برای یافتن پاسخ وا دارد. همین مسئله منجر

برای دانش‌آموزان اعمال می‌شود، آماده کردن آن‌ها برای رفع نیازها و پاسخ به مسائلی است که در آینده با آن درگیر خواهند بود. از آنجا که بسیاری از مسائل و نیازهای آینده‌ی آنان نامعلوم است، به تبع راه‌حل‌های متناسب با آن مسئله‌ها نیز برای کسی روشن نیست؛ از این رو، آموزش و تربیت بچه‌ها باید به گونه‌ای باشد که آنان را برای زیستن در دنیای فرارویشان موفق‌تر کند. بدیهی است که این آموزش و تربیت باید مبتنی بر تفکر و اندیشه باشد. تفکری که به خلق فرضیه‌ها و دیدگاه‌ها می‌پردازد (یوسفی و دیگران، ۱۴۰۰).

راهکارهایی برای آموزش تفکر

در بین سبک‌های آموزشی، یکی از بهترین و لذت‌بخش‌ترین سبک‌ها که به پرورش تفکر کمک شایانی می‌کند،

تفکر مهارتی مخصوص انسان است که مانند سایر مهارت‌ها، برای استفاده‌ی بهتر، باید آن را آموخت. هدف از نوشتار حاضر، ذکر راهکارهایی، برای آموزگاران، در خصوص آموزش این مهارت به دانش‌آموزان است. بررسی‌های ما در تحقیق فعلی نشان می‌دهد که استفاده از بازی‌های خلاق، داستان‌سرایی، ارائه‌ی تکلیف‌های نوشتاری و مطالب غنی به دانش‌آموزان، همراه با طرح سؤالات هدفمند، می‌توانند به آموزش تفکر به فراگیرندگان کمک کنند.

کلیدواژه‌ها: آموزش، تفکر، آموزش مبتنی بر تفکر، دانش‌آموزان.

در دنیای فعلی موضوع مهم، تربیت انسان‌هایی است که بتوانند درست فکر کنند. فراگیرندگان برای روبه‌روشدن با تحول شگفت‌انگیز قرن بیست‌ویکم باید به‌طور فزاینده‌ای مهارت‌های تفکر را برای تصمیم‌گیری مناسب و حل مسائل پیچیده جامعه کسب کنند (بدری گرگری و دیگران، ۱۳۹۳). جان دیویی در کتاب *چگونه فکر می‌کنیم*، درباره‌ی مفهوم تفکر می‌گوید: «تفکر عملی است که در آن، موقعیت موجود موجب تأیید یا تولید واقعیت‌های دیگر می‌شود یا روشی است که در آن، باورهای آینده بر اساس باورهای گذشته پایه‌گذاری می‌شود. مریان بزرگ، تفکر را مبنا و اساس تعلیم و تربیت می‌داند و رشد تفکر به‌طور اعم و تفکر انتقادی به‌طور اخص را هدف عمده‌ی مؤسسه‌های تربیتی تلقی می‌کنند» (حیاتی‌مهر، ۱۴۰۰). هدف از شیوه‌های آموزشی و تربیتی که امروزه



به آموزش فکر کردن به کودکان می‌شود (Lipman, 2003).

راهکار دیگر برای آموزش تفکر به فراگیرندگان، ارائه‌ی تکلیف‌های نوشتاری آزاد در مورد یک موضوع خاص یا هر موضوعی است که آن‌ها دوست دارند. بهترین گواه برای این راهکار نتیجه‌های تحقیقات بنگرت دراون و همکارانش است. آن‌ها با بررسی ۴۸ پروژه‌ی تحقیقاتی «وی‌تی‌ال»^۱ یا «رویگرد یادگیری برای نوشتن» نتیجه گرفتند که تکلیف‌های نوشتاری اثر مثبتی بر آموزش تفکر دارد (Bangert-Drowns, 2004).

نتیجه‌گیری

یکی از شرط‌های موفق بودن در دنیای امروز توانایی تفکر است. متفکر بودن به معنای داشتن تحصیلات عالی نیست؛ بلکه به معنای آگاهی استفاده از شیوه‌های تفکر است. برای آموزش تفکر بسیار مهم است راهکارهایی تربیتی را در نظر داشته باشید. راهکارهایی که روزبه‌روز این امکان را به کودک می‌دهند تا رشد کند، خود را تعریف کند، جهان را یاد بگیرد و درک کند و بفهمد چه چیزی برای



راهکارهای آموزش تفکر
به دانش‌آموزان

او و مسیر زندگی‌اش مفیدتر است. در این مسیر باید به کودک نشان داد که می‌تواند همیشه روی عشق و پشتیبانی و حمایت ما حساب کند.

مدرسه‌ها باید علاوه بر مهارت‌های سه‌گانه خواندن، نوشتن و حساب کردن، شایستگی به‌کارگیری حقایق علمی را نیز به دانش‌آموزان بیاموزند. به‌کارگیری حقایق علمی ارتباط مستقیم با تفکر و نحوه‌ی اندیشیدن و قضاوت دانش‌آموزان دارد.

writing to learn

پی‌نوشت

مدیران باید علاوه بر مهارت‌های سه‌گانه خواندن، نوشتن و حساب کردن، شایستگی به‌کارگیری حقایق علمی را نیز به دانش‌آموزان بیاموزند. به‌کارگیری حقایق علمی ارتباط مستقیم با تفکر و نحوه‌ی اندیشیدن و قضاوت دانش‌آموزان دارد. بدین منظور، معلمان نیاز دارند درباره‌ی نقش خود دوباره فکر کنند و فعالیت‌های خود را با آموزش مهارت‌هایی متمرکز سازند که موجب پرورش مهارت‌های تفکر در دانش‌آموزان شود. در فرایند آموزش، به نوجوانان باید در حکم عناصری فعال نگریست و با فراهم کردن فرصت و فضای مناسب تعامل، موجب پرورش تفکر در آنان شد. بهتر است روش آموزش تفکر خلاق به دانش‌آموزان را با توجه به روحیه‌ی آن‌ها تعیین کنید. روحیه‌ای که گاهی آرام و گاهی مواج و پرشور است. داستان‌سرایی و ایده‌گرفتن از تصویرها، استفاده از بازی‌های

- منابع
۱. بدری گرگری، رحیم، آذربخش، مسلم، تقی‌زاده، محسن، ۱۳۹۳. «تأثیر آموزش مستقیم مهارت‌های تفکر با مدل هالبرن بر مهارت تفکر انتقادی دانش‌آموزان دوره‌ی متوسطه»، نوآوری‌های آموزشی، ۱۳(۴)، ۴۵-۵۸.
 ۲. حیاتی مهر، آیدا، ۱۴۰۰. «عوامل مؤثر بر بهبود پرورش تفکر انتقادی دانش‌آموزان با رویکرد آموزش‌پرورش»، کنفرانس بین‌المللی روان‌شناسی، علوم تربیتی و سبک زندگی.
 ۳. یوسفی، نرگس و قاسمی، نازنین، ۱۴۰۰. «بررسی نقش معلمان در پرورش تفکر انتقادی دانش‌آموزان مقطع ابتدایی»، دومین همایش ملی مدرسه‌ی آینده، اردبیل.

4. McCain, M., Mustra, F., & Shanker, S. (۲۰۰۷). *Early Years study: Putting science into action*. Toronto, ON: Council for Early Child Development
5. Hughes, B. (۲۰۰۲) *A Playworker's Taxonomy of Play*. Tyles, 2nd edition, London: PlayLink
6. Allen, Matthew. (۲۰۰۴). *Smart thinking: skills for understanding and witting* 2nd ed. New York: gin and co
7. Lipman, Mathew (۲۰۰۲). *Thinking in Education* (2nd Ed.), Cambridge: Cambridge University Press
8. Bangert-Drowns, R. L., Hurly, M. M., & Wilkinson, B. (۲۰۰۴). *The effects of school-based writing-to-learn intervention on academic achievement*. *Review of Educational Research*, 74(1), ۲۹-۵۸



پشت حصار ناخن



فاطمه حیدری

کارشناس آموزش دانش آموزان با نیازهای ویژه، دانشگاه فرهنگیان

خدیجه‌ی کبری (س)، دژ فول

نگرانی‌ها، اضطراب‌ها و هیجانات منفی در زندگی افراد ممکن است خودشان را به شکل رفتارهای غیرعادی نشان دهند. کودکان که جزو گروه حساس و آسیب‌پذیر در مسائل و مشکلات به حساب می‌آیند، برای سرکوب درونی نگرانی‌ها و ناراحتی‌هایشان رفتارهای مخالف عرف جامعه و خانواده انجام می‌دهند. یکی از این رفتارها ناخن جویدن است. اثر حاضر پژوهشی مروری است که با هدف بیان علت‌های بروز این رفتار و اصلاح آن و با مطالعه‌ی موردی منابع گوناگون جمع‌آوری شده است. تلاش این پژوهش آن است

که مؤثرترین روش‌های اصلاح این اختلال رفتاری را ارائه کند.

کلیدواژه‌ها: ناخن جویدن، اضطراب، کودک، نگرانی، واژگون‌سازی عادت، رفتار رقیب و واکنش‌های رفتاری انسان در برابر تنش‌ها و فشارهای اضطرابی در سنین گوناگون متفاوتند. ناخن جویدن یکی از رفتارهایی است که برای کاهش فشارهای روانی و اضطراب در افراد صورت می‌گیرد. به‌طور میانگین میزان شیوع این رفتار در دختران بیشتر از پسران است. عوامل ایجادکننده‌ی این اختلال بسیار گوناگون است و تاکنون هیچ راه قطعی برای درمان این اختلال ارائه نشده است؛ اما می‌توان با شناخت عوامل ایجادکننده‌ی این اختلال و روش‌های مؤثر در کاهش آن، دفعات انجام این رفتار را در مواقع گوناگون در کودکان کاهش داد.

ناخن جویدن از فراوان‌ترین واکنش‌های روان‌رنجورانه و اختلال‌های عادت‌ی ارضاکنده است که در کودکان و حتی بزرگسالان دیده می‌شود. این اختلال را می‌توان در مجموعه‌ی اختلال‌های رفتاری تکراری متمرکز بر بدن و تحت طبقه‌ی وسواس و اختلالات مربوط به آن طبقه‌بندی کرد (زینسی و همکاران،

۱۳۹۵). در معیارهای تشخیصی انجمن روان‌پزشکی آمریکا اختلال ناخن‌جویدن جزو طبقه‌ی وسواس فکری عملی و اختلالات مربوط به آن قرار گرفته است (انجمن روان‌پزشکی آمریکا، ۲۰۱۳).

ناخن‌جویدن اختلالی شایع بین سنین سه تا دوازده سالگی است که امکان دارد با آسیب‌زدن به بافت ناخن، توان انجام کارهای ظریف را از فرد سلب کند (طالبیان و همکار، ۱۳۸۴). این اختلال همچنین در دختران شایع‌تر است. طی پژوهش‌هایی که در ایران صورت گرفته است حدود ۲۰ درصد کودکان و نوجوانان به این اختلال مبتلا هستند (غنی‌زاده و همکار، ۲۰۱۱).

بررسی علت بروز اختلال ناخن‌جویدن

برخی از عواملی که می‌توانند سبب پیدایش این اختلال شوند عبارت‌اند از: احساس تنهایی فرد و بی‌توجهی والدین و دیگران به او، تماشای فیلم‌های مهیج و ترسناک به‌ویژه در شب، دعوا و مطرح کردن اختلافات والدین در حضور کودک، توقعات بیش از حد و خارج از توان والدین از کودک، تهدید به تنبیه‌های شدید بدنی و... (شریعتی رودسری، ۱۳۷۵).





بسیاری معتقدند ممکن است علت ناخن جویدن اضطراب باشد، اما تحقیقات اخیر اضطراب را علت ناخن جویدن کودکان نمی‌دانند و این نظر را تأیید و حمایت نمی‌کنند. نکته‌ی شایان توجه این است که کودک مبتلا به این اختلال در هنگام مشارکت در فعالیت‌های اجتماعی این رفتار را از خود بروز نمی‌دهد (ویلیامز و همکاران، ۲۰۰۶).

عوامل محیطی نیز می‌توانند علت دیگری برای ایجاد این اختلال در کودکان باشند. کودکان در امر تقلید هم بسیار ماهر هستند، از این‌رو، ممکن است گاهی ناخن جویدن در اثر تقلید به وجود بیاید (معتمدی، ۱۳۷۲). جویدن ناخن علاوه بر صدمه‌رساندن به صفحه‌ی ناخن و تغییر شکل آن، قدرت انجام‌دادن بسیاری از کارهای ظریف را از انسان سلب می‌کند، همچنین بزاق دهان نقش مخربی بر ناخن و بافت‌های اطراف آن دارد و رطوبت ناشی از آن مکان مناسبی برای رشد باکتری‌ها و قارچ‌ها را فراهم می‌کند (شریعتی رودسری، ۱۳۷۵). علاوه بر آن، ناخن جویدن می‌تواند محدودیت‌هایی در انجام فعالیت‌های اجتماعی کودک و حتی کارهایی که در آن‌ها کودک باید از دستان خود استفاده کند، ایجاد کند، کارهایی مانند نقاشی کردن، نوشتن و بازی کردن با دیگر همسالان (به‌پژوه و همکار، ۱۳۹۸).

راه‌های درمان این اختلال

در درمان ناخن جویدن در کودکان استفاده از روش‌های جلوگیری و درمان‌های خانگی مثل تلخ کردن سر انگشتان یا تهدید و سرزنش می‌تواند نتیجه‌ی عکس داشته باشد. در درمان این اختلال شیوه‌های شناختی-رفتاری به کار می‌روند. بر اساس مدل شناختی، ناخن جویدن می‌تواند یاد گرفته شود. طبق این مدل تقویت‌کننده‌های مثبت و منفی باعث حفظ و نگهداری عادت‌های فردی می‌شوند (زینی و همکاران، ۱۳۹۵؛ لپینر و اسکر، ۲۰۱۷).

واژگون‌سازی عادت از روش‌های رفتاردرمانی برای درمان این اختلال است (لپینر و اسکر، ۲۰۱۷). در این روش درمانی از پاسخ مشابه یا غیرمشابه رقیب استفاده می‌شود. این پاسخ‌ها باعث بهبود رفتارهای انگشتی دهانی می‌شوند. به این صورت که هرگاه کودک قصد جویدن ناخن را داشت، باید از پاسخ

محبوس می‌شوند. تاکنون روش قطعی برای درمان این اختلال معرفی نشده است؛ اما معکوس کردن (واژگون‌سازی) عادت مهم‌ترین و معروف‌ترین شیوه‌ی درمان رفتاری این اختلال به حساب می‌آید. از دیگر روش‌های درمان این اختلال می‌توان به قصه‌گویی و استفاده از بخش‌های گوناگون هنر، پاسخ‌های رقیب و درمان‌های دارویی اشاره کرد. شایان توجه است که هنوز مطالعات و تحقیقات قابل‌اطمینانی در مورد دارودرمانی صورت نگرفته است. همچنین گزارش‌هایی هم وجود دارند که نشان می‌دهند داروها علائم این اختلال را تشدید می‌کنند.

رقیب یا جایگزین این رفتار استفاده کرد. هر رفتاری که از بالا بردن دست کودک با هدف وارد کردن انگشت به دهان جلوگیری کند، رفتار رقیب نام می‌گیرد (غنی‌زاده، ۲۰۱۱). قصه‌گویی یکی از روش‌های کاربردی در کاهش ناخن جویدن است، به‌طور کلی همواره برای آموزش‌های غیرمستقیم می‌توان از این روش استفاده کرد. تاکنون هیچ دارویی مانند فلوکستین و فلووکسامین مورد بررسی قرار نگرفته است. گزارشی مبنی بر مؤثر بودن فلوکستین در درمان جویدن انگشت وجود دارد. گزارشی هم وجود دارد که نشان می‌دهد فلووکسامین باعث وخامت بیشتر در نشانه‌های افراد مبتلا به این اختلال می‌شود. به‌دلیل اینکه جویدن ناخن یک رفتار تکانشی است، در نتیجه استفاده از داروهای باز جذب سروتونین می‌تواند سبب بدتر شدن نشانه‌های این اختلال شود (به‌پژوه و همکار، ۱۳۹۸).

نتیجه‌گیری

ناخن جویدن از شایع‌ترین رفتارهای روان‌رنجورانه است که کودکان برای رهایی از اضطراب و فشار روانی، به آن پناه می‌برند. البته برخی از صاحب‌نظران معتقدند این رفتار ربطی به اضطراب ندارد و از محیط آموخته می‌شود. این اختلال معمولاً از سه سالگی آغاز می‌شود و در دوازده سالگی به اوج خود می‌رسد و به‌طور میانگین در دختران شایع‌تر از پسران است. عوامل فیزیکی، روانی، جسمانی و محیطی از علت‌های گوناگون پیدایش این اختلال

منابع

۱. به‌پژوه، احمد و متولی پور، عباس، (۱۳۹۸). «نشانه‌های اضطراب ناخن جویدن در کودکان و نوجوانان: رهنمودهایی برای والدین»، نشریه‌ی بیوند، شماره‌ی ۴۷۱.
۲. زینی، مرضیه و دیگران، (۱۳۹۵). «تأثیر هنردرمانی مبتنی بر روی آورد شناختی - رفتاری بر اختلال ناخن جویدن»، فصلنامه‌ی سلامت روانی کودک، دوره‌ی ۴، شماره‌ی ۱.
۳. شریعتی رودسری، مصطفی، (۱۳۷۵). «ناخن جویدن: علل و درمان»، نشریه‌ی تربیت، شماره‌ی ۱۰۸.
۴. طالبیان، شریف و جعفرقصه‌ای، کلثوم، (۱۳۸۴). «اثر اضطراب مادران در اختلال رفتاری کودک: ناخن جویدن»، نشریه‌ی مطالعات تربیتی و روان‌شناختی، شماره‌ی ۲۲.
۵. معتمدی، زهرا، (۱۳۷۲). رفتار با کودک، تهران: لک‌لک.
6. Association AP. Diagnostic and Statistical Manual of Mental Disorders, 5th Ed. Arlington, VA: American Psychiatric Association; ۲۰۱۳
7. Ghanizadeh A. Nail Biting: Etiology, Consequences and Management: ۲۰۱۱
8. Ghanizadeh A. & Shekoochi H. Prevalence of Nail Biting and its Association with Mental Health In a Community Sample of Children: ۲۰۱۱
9. Lipner S. & Scher R. Psychocutaneous Disease: Clinical Perspectives: ۲۰۱۷
10. Williams TI, Rose R, & Chisholm S. What is the Function of Nail Biting: An Analogical Assessment Study

شش گام در آموزش پروژه محور



ویژگی‌های آموزش پروژه محور

این آموزش وقتی معنادار است که دو معیار داشته باشد؛ اول، دانش‌آموزان به‌شخصه درکی معنی‌دار از کاری که می‌خواهند انجام دهند، به دست آورند. دوم، هدفی آموزشی را برآورده سازد. طراحی و اجرای خوب، یادگیری مبتنی بر پروژه را نیز به‌خوبی معنی می‌بخشد (کلبعلی و توحیدی، ۱۳۹۵).

در آموزش پروژه‌محور این ویژگی‌ها باید در نظر گرفته شود:

۱. پروژه جنبه‌ی مسئله‌ای داشته باشد؛
۲. طرح‌ریزی، انتخاب و استفاده از منابع و وسایل با مسئولیت دانش‌آموزان صورت گیرد؛
۳. محور پروژه دانش‌آموز و انگیزه‌ی درونی او باشد؛
۴. معلم ناظر و سرپرست فعالیت‌ها باشد؛
۵. پروژه به هدف‌هایی منتهی شود که دانش‌آموزان بتوانند آن‌ها را درک کنند (صاحبی و باغلی، ۱۳۹۶).

فاطمه ستوده‌نیا، آموزگار پایه‌ی چهارم دبستان امام سجاد (ع)، شهرستان تنکابن



استفاده از روش‌های فعال تدریس همواره مورد توجه صاحب‌نظران عرصه‌ی آموزش بوده است. یکی از این روش‌ها، روش آموزش پروژه‌محور است. یادگیری پروژه‌محور با یک سؤال در ارتباط با اهداف درسی یا هدف‌هایی که با زندگی دانش‌آموز گره خورده است، آغاز می‌شود. در مراحل متعدد پروژه، دانش‌آموز قدم‌به‌قدم با اکتساب مهارت‌های گوناگون به آن اهداف دست پیدا می‌کند. در این مقاله سعی شده است تا دیدی کلی به آموزش پروژه‌محور به علاقه‌مندان این عرصه ارائه شود.

کلیدواژه‌ها: آموزش پروژه‌محور، مدرسه، معلم، دانش‌آموز

یکی از ضرورت‌های هر نظام آموزشی موفقیت در گسترش و فراگیری کردن مهارت‌های لازم تحصیلی در دانش‌آموزان است. بنابراین باید به دنبال روش‌هایی آموزشی باشیم که از طریق آن‌ها بیشترین یادگیری برای دانش‌آموزان حاصل شود. این امر مستلزم آن است که هر دو عنصر اصلی در امر آموزش، یعنی معلم و دانش‌آموز، تعامل فعال و سازنده‌ای با یکدیگر داشته باشند.

روش تدریس فعال روشی است که در آن دانش‌آموزان، در جریان یاددهی و یادگیری، نقش فعالی بر عهده دارند و تعاملی دوسویه بین آن‌ها و معلمشان برقرار می‌شود. دانش‌آموزانی که با این روش به یادگیری می‌پردازند بهتر یاد می‌گیرند؛ زیرا خود را مسئول یادگیری خویش می‌دانند و در این امر مشارکت می‌کنند (گاردنر و جولر، ۲۰۰۲).

یکی از روش‌های تدریس فعال روش تدریس مبتنی بر پروژه است. آموزش پروژه‌محور تعریف واحد و دقیقی ندارد؛ اما به‌طور کلی و بر اساس برخی از اصول، ویژگی‌های این رویکرد عبارت‌اند از: دادن فرصت به دانش‌آموزان برای مطالعه‌ی یک مشکل چالش‌برانگیز، درگیر کردن آن‌ها به یک تحقیق مستمر، یافتن پاسخ‌های معتبر برای سؤالات، کمک به انتخاب پروژه، ارزیابی در روند پروژه، نقد و بازنگری پاسخ‌ها و به‌دست آوردن یک محصول یا نتیجه‌ی کلی (گروسمن و همکاران، ۲۰۱۹).

در این نوع آموزش، دانش‌آموزان برای مدتی طولانی روی یک پروژه کار می‌کنند و بدین طریق، درگیر حل یک مشکل واقعی یا پاسخ به یک سؤال پیچیده می‌شوند. در نتیجه، آن‌ها در به‌دست آوردن دانش محتوایی عمیق و همچنین تفکر انتقادی، همکاری، خلاقیت و مهارت‌های ارتباطی ارتقا می‌یابند.

علاوه بر آن، آموزش پروژه‌محور موجب جذاب‌تر شدن مدرسه برای دانش‌آموزان، ایجاد مهارت برای موفقیت در دانشگاه و حرفه‌ی آینده و زندگی، مرتبط کردن دانش‌آموزان و مدرسه‌ها به جهان واقعی، تعامل با بزرگسالان و کشف لذت یادگیری معلمان در کنار دانش‌آموزانشان می‌شود.

توجه به این نکته ضروری است که ممکن است آموزش پروژه‌محور برای همه‌ی دانش‌آموزان مناسب باشد؛ اما هیچ پروژه‌ی آموزشی واحدی همیشه مناسب نیست. به همین دلیل چارچوب اصلی پروژه باید حول اهداف آموزشی سازمان‌دهی شود و متناسب با زمینه و هدف یک درس و اهداف بزرگ‌تر یادگیری باشد (گروسمن و همکاران، ۲۰۱۹).



اجرای آموزش پروژه محور از شش مرحله تشکیل شده است. این مرحله ها به این شرح است:

مرحله اول

طرح و بیان یک سؤال

پروژه با یک سؤال که در ارتباط با زندگی روزمره دانش آموزان است، شروع می شود. سؤالی که آموزش مبتنی بر پروژه را آغاز می کند، باید دانش آموزان را درگیر کند. طرح سؤال مهم ترین بخش این روش محسوب می شود. دانش آموزان می توانند با پیمودن مراحل پروژه، به بالاخره راهی کلی برای مسئله بیابند.

مرحله دوم

برنامه ریزی و ایجاد طرح برای پروژه

دانش آموزان باید طرحی برای پروژه خود برنامه ریزی کنند. هنگامی که آن ها نقش فعالی را در تصمیم گیری ایفا کنند، به پروژه خود احساس مالکیت خواهند داشت.

مرحله سوم

ایجاد جدول زمانی

داشتن جدول زمان بندی برای اجرای یک پروژه بسیار اهمیت دارد و دانش آموزان باید به این مهم توجه و آن را ایجاد کنند. همچنین باید به آن ها اجازه داده شود تا مسیرهای جدیدی را بیازمایند. هنگامی که به نظر می رسد آن ها در مسیری حرکت می کنند که ارتباطی با پروژه ندارد، باید آن ها را راهنمایی کنید.

مرحله چهارم

نظارت بر دانش آموزان و پیشرفت پروژه

به دانش آموزان پیامزید که چگونه به طور مشترک با یکدیگر همکاری لازم را داشته باشند، به آن ها خاطر نشان سازید که هر بخشی از روند پروژه متعلق به همه آن ها است و نیاز به مشارکت کامل همگی دارد.

مرحله پنجم

ارزیابی نتیجه

این مرحله به دانش آموز این امکان را می دهد پیشرفت پروژه را ارزیابی و آن را برای دیگران بازگو کند. ارزیابی به دانش آموزان کمک می کند که یاد بگیرند چگونه می توانند اطلاعات و مفاهیم را بهتر درک کنند و برای بهبود کارشان به چه چیزهایی نیاز دارند.

مرحله ششم

ارزیابی تجربه

تأمل بخش مهمی از فرایند یادگیری است. تأملات فردی مانند روزنگاری و همچنین بحث گروهی را نوعی فعالیت کلاسی در نظر بگیرید. به دانش آموزان فرصت دهید تا احساسات و تجربه های خود را به اشتراک بگذارند و در مورد اینکه در چه چیزی خوب عمل کرده اند یا چه تغییراتی را باید ایجاد کنند، بحث کنید. ایده هایی را که منجر به سؤالات جدید و در نتیجه پروژه های جدید می شوند، به اشتراک بگذارید (جمالی، ۱۳۹۹).

همانند همه روش ها، روش آموزش پروژه محور نیز مزایا و معایبی دارد که در اینجا به بیان برخی از آن ها می پردازیم:

مزایا

۱. رابطه مناسبی میان دانش آموز و معلم ایجاد می کند و باعث تشویق دانش آموز در یادگیری می شود.
۲. اعتماد به نفس دانش آموزان را در ارائه نظر تقویت می کند.
۳. حس همکاری را در دانش آموزان افزایش می دهد.
۴. یادگیری عمیق و پایدار ایجاد می کند.
۵. قدرت قلم و نگارش دانش آموزان را به واسطه مطالعه، استفاده از منابع متعدد و تنظیم مطالب تقویت می کند.

معایب

۱. نیاز به زمان بیشتری در مقایسه با آموزش های معمول دارد. این در حالی است که اجرای برنامه های مدرسه محدودیت زمانی دارد.
۲. برنامه ریزی و اجرای آن نیاز به برنامه ریزی دقیق و حمایت نظام آموزشی دارد.
۳. چون دانش آموزان با توانایی های علمی متفاوت در یک گروه کار می کنند، ممکن است معلم را هنگام تقسیم مسئولیت بین دانش آموزان با اشتباه مواجه کند.

نتیجه گیری

استفاده از روش های آموزش فعال سبب تقویت مهارت های ذهنی مانند توجه به کاربرد، تجزیه و تحلیل و ترکیب و همچنین قضاوت و ارزشیابی می شود. مشارکت و فعالیت در گروه همسالان از دیگر مزایای این روش هاست. روش آموزش پروژه محور با توجه به ماهیت کاربردی و اکتشافی خود سبب پیوند دانش آموزان با محیط پیرامون و کسب مهارت حل مسئله می شود. فعالیت های فردی و گروهی همکاری و احساس مسئولیت را در دانش آموزان ایجاد می کند و همچنین موجب توسعه علائق شخصی آن ها می شود. شایسته است که مدیران و معلمان، با به کارگیری روش پروژه محور، به رشد مهارت های فردی و گروهی دانش آموزان کمک کنند.



بی نوشت منابع
شش گام در آموزش
پروژه محور

آموزشی

پنجمین ماه
دوره بیست و هفتم
شماره ۵ | ۱۴۰۲

۴۱



همراه بارشد

بررسی مجلات رشد کودک، نوآموز و دانش آموز



محمد رضا رشیدی

خلاصه‌ای از قصه‌درس‌ها، به همراه مفاهیمی از کتاب‌های درسی که برای این قصه‌ها انتخاب شده‌اند و همچنین بخش‌هایی از مجله که داخل قصه‌درس‌ها در شماره‌ی بهمن‌ماه آمده‌اند، به این شرح است:

مجله‌ی رشد نوآموز

خلاصه‌ی قصه‌درس: پونه و پیمان می‌خواهند روز تولد حضرت علی (ع) با پدر و مادرشان سر مزار پدر بزرگشان بروند و آنجا حلوا پخش کنند. قرار است قرآن سر مزار را پیمان بخواند، آن هم از روی کتاب قرآن...

مفاهیمی که از کتاب‌های درسی انتخاب شده است:

- ریاضی دوم: واحد اندازه‌گیری (سانتی‌متر)؛
- ریاضی دوم: تقریب اعداد؛
- ریاضی دوم: الگویابی؛
- علوم تجربی دوم: انواع سوخت‌های فسیلی؛
- قرآن دوم: روخوانی و حفظ سوره؛
- فارسی سوم: نویسنده‌ی بزرگ (حاتم طایب)؛
- علوم تجربی سوم: نیرو.

بخش‌هایی از مجله که داخل قصه‌درس آمده است:

- کاردستی: ساخت هدیه روز مادر؛
- آشپزی: پخت حلوا.

مجله‌ی رشد کودک

خلاصه‌ی قصه‌درس: امیرمحمد صبح از خواب بیدار می‌شود. برف همه‌جا را مثل بستنی وانیلی سفید سفید کرده است. امیرمحمد و زهرا و مامان برای برف‌بازی به پارک می‌روند و بعد از کلی برف‌بازی نوبت...

مفاهیمی که از کتاب‌های درسی انتخاب شده است:

- ریاضی پایه‌ی اول: اشکال هندسی؛
- فارسی پایه‌ی اول: درس «ف».

بخش‌هایی از مجله که داخل درس‌قصه آمده است:

- ساخت کاردستی.



اوقات فراغت نفس گیر!

آن زمان که صدرا و مادربزرگش در روستا زندگی می‌کردند و هنوز به شهر فرامده بودند، صدرا بیشتر از چند ساعت حسابی بازی و بازیگری با بچه‌های روستا و همسایه‌های خود وقت می‌گذرانید. اما در دهه‌های گذشته که در روستا زندگی می‌کردند، اوقات فراغت بسیار متفاوت بود. آن زمان بچه‌ها در خانه می‌ماندند و بازی‌های ساده‌ای مثل بازی با توپ یا بازی با تخته‌ها را انجام می‌دادند. اما در دهه‌های اخیر، بچه‌ها به شهرها و روستاهای دورتر می‌روند و بازی‌های جدیدی را یاد می‌گیرند. این بازی‌ها می‌تواند به بچه‌ها کمک کند تا مهارت‌های خود را بهبود بخشند و با دوستان خود ارتباط برقرار کنند.

اما در دهه‌های اخیر، بچه‌ها به شهرها و روستاهای دورتر می‌روند و بازی‌های جدیدی را یاد می‌گیرند. این بازی‌ها می‌تواند به بچه‌ها کمک کند تا مهارت‌های خود را بهبود بخشند و با دوستان خود ارتباط برقرار کنند.

اما در دهه‌های اخیر، بچه‌ها به شهرها و روستاهای دورتر می‌روند و بازی‌های جدیدی را یاد می‌گیرند. این بازی‌ها می‌تواند به بچه‌ها کمک کند تا مهارت‌های خود را بهبود بخشند و با دوستان خود ارتباط برقرار کنند.

اما در دهه‌های اخیر، بچه‌ها به شهرها و روستاهای دورتر می‌روند و بازی‌های جدیدی را یاد می‌گیرند. این بازی‌ها می‌تواند به بچه‌ها کمک کند تا مهارت‌های خود را بهبود بخشند و با دوستان خود ارتباط برقرار کنند.



توضیح نویسنده

مجله‌ی رشد دانش آموز

خلاصه‌ی قصه‌ی درس: با حلما و صدرا همراه می‌شویم، این بار با ماجراهایی در آسمان، همراه با توصیه‌های علمی خواجه نصیر و محوریت از بازی‌های رایانه‌ای با چاشنی بازی زو (کبده).

مفاهیمی که از کتاب‌های درسی انتخاب شده است:

- علوم تجربی چهارم: آسمان در شب؛
 - فارسی پایه‌ی پنجم: داستانی درباره‌ی خواجه نصیرالدین طوسی؛
 - مطالعات اجتماعی ششم: برنامه‌ریزی برای اوقات فراغت.
- بخش‌هایی از مجله که داخل قصه‌ی درس آمده است:
- ساخت کار دستی.

بابا عروسک داد

به روایت فرزند مدافع حرم

مریم رسولی

مدیر مدرسه‌ی ابتدایی

پسرانه‌ی شهید چمران،

ناحیه‌ی دو، شهرری



وقتی بابا از رفتن به سوریه با مامان صحبت می‌کرد، من با دقت به حرف‌های او گوش می‌دادم و بعضی وقت‌ها هم سؤال‌هایی می‌پرسیدم: «بابا، نمی‌شه ما هم با شما بیاییم؟ بابا، کی بر می‌گردی؟ بابا، آنجا خوش می‌گذره؟» میان سؤال‌های فراوانم، بعضی اوقات به چهره‌ی مامان هم نگاه می‌کردم که چقدر با نگرانی به حرف‌های بابا گوش می‌دهد. اصلاً معنای این همه غم را در چهره‌ی او متوجه نمی‌شدم. از حرف‌های بابا فهمیده بودم که سوریه جای دوری است که بابا با رفتن به آنجا برایم سوغاتی می‌آورد. برای همین با ذوق و شوق به او سفارش سوغاتی می‌دادم؛ اما میان همین ذوق و شوق من بود که مامان با صدایی پر از نگرانی از بابا پرسید: «محمد جان، ان‌شاءالله چندروزه بر می‌گردی؟» بابا جواب داد: «برای خودم هم مشخص نیست، هنوز معلوم نیست.» من که به خاطر سفر بابا خیلی خوش حال بودم، وسط حرفش پریدم و گفتم: «بابا، برایم یک عروسک قشنگ سوغاتی می‌آوری؟» بابا گفت: «از خودت هم قشنگ‌تر باشد؟!» خندیدم و گفتم: «بله، قشنگ‌ترین عروسک دنیا باشد.» بعد گفتم: «راستی، اگر شما بروی، چه کسی شب‌ها برایم قصه بخواند.» آخر بابا هر شب یک قصه از قصه‌های پیامبران را برایم می‌خواند و بعد درباره‌ی قصه از من سؤال می‌کرد تا ببیند خوب گوش داده‌ام یا نه؟ بابا گفت: «خب، بگو مامان برایت بخواند.» اما من دوست داشتم فقط بابا برایم قصه بخواند، برای همین گفتم: «عیبی ندارد، صبر می‌کنم تا خودتان بیایید و ادامه داستان‌ها را بخوانید.»

روز حرکت فرا رسید. من و مامان تا جلوی در حیاط بابا را همراهی کردیم. مامان قرآنی در دست گرفته بود و با گریه بابا را از زیر قرآن رد می‌کرد. بابا هم نکاتی را به مامان یادآوری می‌کرد. او می‌گفت: «در نبود من بی‌تابی نکن،

حواس‌ت به صبا و تربیت او باشد، مبلغی را از طرف من رد مظلّم بده و...» با زدن این حرف‌ها مامان بیشتر ناراحت می‌شد و آرام‌آرام اشک می‌ریخت؛ اما من فقط نگاه می‌کردم و اصلاً مثل مامان بی‌تاب نبودم. هر چند دقیقه یک بار هم آوردن عروسک را به بابا یادآوری می‌کردم. مامان به من نگاه کرد و گفت: «دخترم، چند بار می‌گویی؟ خیالت راحت، بابا یادش نمی‌رود.» بابا خم شد تا مرا ببوسد و گفت: «دخترم، حواست باشد تا من سوریه هستم، مامان را اذیت نکنی.» دوباره برای آنکه مامان متوجه نشود، در گوش بابا گفتم: «بابا، عروسک یادت نرود.» بابا هم با لبخند گفت: «نه، خیالت راحت!» مامان با اشاره به بابا گفت: «چه می‌گویدی؟» بابا هم آهسته به مامان چیزی گفت و در همان حالی که مامان داشت اشک می‌ریخت با هم خندیدند. بابا رفت و من کاسه‌ی آبی را که مامان دستم داده بود، پشت او ریختم.

مامان معلم بود. من در پایه‌ی اول درس می‌خواندم و هر روز با هم به مدرسه می‌رفتیم. دو هفته‌ای از رفتن بابا به سوریه گذشته بود. حالا نگرانی‌های دو هفته پیش مامان را درک می‌کردم. خیلی دل‌تنگ بابا بودم؛ اما برای اینکه مامان بیشتر غصه نخورد، اصلاً به او نمی‌گفتم. در گوشه و کنار از اطرافیان می‌شنیدم که آهسته به مامان می‌گفتند: «چه خوب است که صبا اصلاً سراغی از پدرش نمی‌گیرد.» اما آن‌ها نمی‌دانستند که در دلم چه خبر است. آن‌ها نمی‌دانستند کتاب داستانی را که بابا برایم می‌خواند، هر شب ورق می‌زنم، عکس‌های آن را نگاه و خاطرات بابا را مرور می‌کنم، بعد زیر پتو می‌روم و بدون آنکه مامان متوجه شود، برای دوری از بابا، مدت‌ها گریه می‌کنم.

هفته روز از رفتن بابا به سوریه گذشته بود. آن شب خیلی دل‌تنگ بابا شده بودم و می‌خواستم بلندبلند گریه کنم. اما نه، مامان گناه داشت. نباید او را غصه‌دار می‌کردم. بغض گلویم را گرفته بود. برای اینکه مامان متوجه حال بد من نشود، کتاب داستانم را جلوی چشمانم گرفتم تا مامان فکر کند دارم تصویرهای کتاب داستان را نگاه می‌کنم. احساس سرگیجه و سردرد داشتم.

با همان حال بد روی بالش خوابیدم. دو ساعت بعد مامان متوجه شده بود که من تب کرده‌ام. او مرا بیدار کرد. یک قرص و کمی آب به من داد. احساس گرمای زیادی در بدنم داشتم. به خاطر ضعف و بی‌حالی دوباره خوابم برد. فکر کنم حدود دو ساعتی گذشت که از گرمای زیاد از خواب پریدم. مامان با نگرانی بالای سر من نشست و گریه می‌کرد. گفتم: «مامان چه شده؟» مرا در بغل گرفت و بوسید و گفت: «مامان جان، چرا این‌قدر حالت بد شده؟» به او نگاهی کردم و گفتم: «مامان، گریه نکن، من خوبم.» او مرتب دستمال خیس می‌کرد و روی پیشانی من می‌گذاشت و پاهایم را با آب خنک می‌شست. می‌خواستم به مامان نشان دهم که حالم خوب است، برای همین سعی می‌کردم با زحمت هم که شده لبخند بزنم؛ اما چشمانم خیلی می‌سوخت و مجبور شدم پلک‌هایم را روی هم بگذارم. لحظاتی بعد بابا را جلوی در اتاق دیدم.

خیلی خوش حال شده بودم. گفتم: «بابا، برگشتی؟» حس کردم مامان دستم را گرفت و گفت: «صبا جان، چی شده؟ چیزی می‌خواهی؟» با انگشت اشاره بابا را که جلوی در اتاق بود، نشان دادم و گفتم: «مامان، بابا آمده.» مامان، نگران گفت: «صبا، چه می‌گویی؟» دوباره گفتم: «بابا.» از گریه‌ی مامان چشمانم را با بی‌حالی باز کردم؛ اما دیگر بابا جلوی در اتاق نبود. ضعف همه‌ی وجودم را گرفته بود و در همان حالت چیزهایی را می‌شنیدم، متوجه شدم مامان با مادر بزرگ تماس گرفت و از او خواست که به خانه‌ی ما بیاید. در تب می‌سوختم که احساس کردم مادر لباس‌هایم را تنم می‌کند. آهسته به او گفتم: «مامان، جایی می‌خواهیم برویم؟» مامان گفت: «باید برویم بیمارستان.» دیگر چیزی متوجه نشدم. مدتی بعد خودم را روی تخت بیمارستان دیدم. آقای دکتر معاینه‌ام کرد و به من گفت: «دخترم، از چیزی ناراحتی؟» گفتم: «برای چی؟» گفت: «احساس می‌کنم کسی ناراحت کرده که تب کرده‌ای.» برای اینکه مامان متوجه نشود و غصه نخورد، آهسته به آقای دکتر گفتم: «دل‌م برای بابام تنگ شده.» دکتر گفت: «مگر پدرت کجاست؟» گفتم: «آقای دکتر، اگر به شما بگویم، به کسی نمی‌گویید؟» آقای دکتر گفت: «نه، خیالت راحت باشند.» گفتم: «بابا رفته سوریه، آخر او

مدافع حرم است.» دکتر با مهربانی لبخندی زد، دستی روی سرم کشید و گفت: «پس بابای تو یک قهرمان است؟» با افتخار گفتم: «بله.» گفت: «خب، پس غصه ندارد، می‌دانم که خیلی زود بر می‌گردد.» انگار با حرف آقای دکتر امیدوار شدم که بابا خیلی زود بر می‌گردد. بعد خانم پرستار به دستم یک سرم وصل کرد و آرام آرام احساس کردم در حال بهبود هستم.

یک ماه بعد

بابا طبق قولی که به من داده بود، برای آوردن قشنگ‌ترین عروسک دنیا به حرم حضرت رقیه^(س) رفته بود. در حرم حضرت رقیه^(س) مرسوم است، افرادی که حاجت‌روا شده‌اند، به نیت دختر سه‌ساله‌ی امام حسین^(ع) عروسک‌هایی اهدا می‌کنند. برخی افراد هم به نیت برآورده شدن حاجت یا برای تبرک از آنجا عروسک می‌گیرند. بابا یک عروسک کوچک و دوست‌داشتنی از آنجا هدیه گرفته بود. بعد در حرم با مامان تماس تصویری گرفت و گفت: «من الان در حرم حضرت رقیه^(س) هستم، تماس گرفتم که شما و صبا جان به ایشان سلام بدهید.» من تا متوجه شدم، سریع پیش مامان رفتم و کنارش نشستم و گفتم: «سلام بابا، کجایی؟» بابا گفت: «حرم حضرت رقیه^(س) هستم.» گفتم: «بابا، قشنگ‌ترین عروسک دنیا را از او گرفتی؟» بابا گفت: «بله دخترم.» او عروسک را جلوی گوشی گرفت تا من آن را ببینم و خیالم راحت شود. با خوش‌حالی گفتم: «ممنون بابا، از حضرت رقیه^(س) تشکر کنید.» بعد هم دستش را به نشانه‌ی خداحافظی تکان داد. وقتی که او به ایران بازگشت، عروسک را در فرودگاه در دستان من گذاشت و در گوشم گفت: «این هم زیباترین عروسک دنیا؛ چراکه هدیه‌ای از طرف حضرت رقیه^(س) است، از آن خوب مراقبت کن.» سرم را تکان دادم و گفتم: «چشم بابا.» حالا این عروسک بعد از سال‌ها، خاطره‌ی روزها فراق و دوری از پدر و خاطره‌ی گرفتن هدیه‌ی ویژه از حضرت رقیه‌ی سه‌ساله را برایم زنده می‌کند.



یک روز برفی

تجربه‌ای بانگرشی تمام‌ساحتی



نعمت‌هایش باشیم تا هدر نروند. همچنین به بچه‌ها یادآوری کردم که در این برف بسیاری از حیوانات، به خصوص پرنده‌ها، برای پیدا کردن غذا با مشکل روبه‌رو می‌شوند؛ پس شایسته است اضافی‌غذای خود را برای آن‌ها بریزیم.

ساحت سیاسی و اجتماعی

برای تحقق این ساحت، با دانش‌آموزانم پیرامون این موضوعات صحبت کردم: در جهان ما افراد متعددی با فرهنگ‌های متفاوتی وجود دارند که زندگی‌های گوناگونی را نیز تجربه می‌کنند. یکی از این گروه‌ها اسکیموها هستند. آن‌ها در سرزمینی زندگی می‌کنند که سراسر برف است؛ پس برای زندگی در سرما خود را سازگار کرده‌اند. در این روزهای بسیار سرد، شاید بعضی شهرهای ایران عزیزمان با مشکل کمبود گاز روبه‌رو باشند؛ پس برای اینکه آن‌ها هم از نعمت برف لذت ببرند، باید در این روزها بیشتر از قبل در مصرف گاز صرفه‌جویی کنیم تا کشور کمتر در معرض مشکل قرار گیرد. به بچه‌ها گوشزد کردم، هنگام برف‌بازی، مراقب بقیه‌ی همکلاسی‌ها باشند تا زمین نخورند و آسیب نبینند.

ساحت زیستی و بدنی

برای بچه‌ها توضیح دادم که بارش برف کمک بسیاری به محیط‌زیست می‌کند. اول اینکه برف چون روی زمین می‌نشیند و برخلاف باران جاری

فاطمه شیخ محسنی

کارشناس ارشد علوم تربیتی دانشگاه

علامه طباطبایی

مجتبی محرابی

کارشناس ارشد مدیریت آموزشی،

آموزش و پرورش اقلید

وقتی معلم باشی، از هر موقعیتی سعی می‌کنی برای آموزش استفاده کنی و مفاهیمی را که در ذهن داری به دانش‌آموزانت تفهیم کنی. یکی از موقعیت‌های زیبایی که برای من پیش آمد و من را بر آن داشت تا از آن نهایت استفاده را ببرم، بارش برف بود. وقتی بعد از چند روز تعطیلی، وارد حیاط مدرسه شدم و دیدم تمام حیاط از بارش روزهای قبل هنوز سفید است، سعی کردم در کنار ایجاد یک روز پر از شادی و نشاط برای بچه‌ها، آموزش‌هایی را که در نظر داشتم نیز منتقل کنم. پس طبق عادت این چند سال اخیر که تدریس تمام‌ساحتی هدایت می‌کردم، دانش‌آموزان را به حیاط مدرسه بردم تا همه با هم یک قلعه‌ی برفی بسازیم. نتیجه‌های این تجربه‌ی جذاب را می‌توان در این ساحت‌ها مشاهده کرد:

ساحت عبادی، اعتقادی و اخلاقی

قبل از شروع بازی یادآوری کردم که این نعمت زیبا و جذاب هدیه‌ی خداوند است؛ پس همه با هم خدا را شکر کردیم و قول دادیم همیشه مراقب

نمی‌شود، بهتر در زمین فرو می‌رود و سفره‌های آب زیرزمینی را غنی می‌کند. در نتیجه به کاهش مشکل کم‌آبی کمک زیادی می‌کند. از طرفی برف با سرد کردن سطح زمین آفت‌های زمین کشاورزی و درختان را از بین می‌برد و باعث می‌شود در فصل برداشت محصولات کیفیت بهتری داشته باشند. برای همین کشاورزان از بارش برف بسیار خوش حال خواهند شد. بچه‌ها هم به بازی‌های زمستانی و ورزش‌های برفی اشاره کردند. همچنین به بچه‌ها یادآوری کردم هنگام بازی با برف باید لباس مناسب بپوشند تا سرما نخورند.

ساحت علمی و فناوری

هنگام درست کردن قلعه‌ی برفی،

آب‌آوردنی

پنجمین ماه
دوره‌ی بیست و هفتم
شماره‌ی ۵ | ۱۴۰۲

۴۶



کردند با هر چه در محیط به دست می‌آورند، آن را تزئین کنند و در کنار آموزش، یک کار هنری و خلاقانه هم ارائه دهند. به دانش‌آموزانم یادآوری کردم که دانه‌های برف همه با هم تفاوت دارند و مثل اثر انگشت، دو دانه‌ی کاملاً شبیه هم پیدا نمی‌شود. این از زیبایی‌های طبیعت است. در پایان کار، همه‌ی بچه‌ها با هم گلوله‌های برفی درست کردند و روز شاد خود را با یک بازی برفی به پایان بردند؛ ولی مراقب بودند در این بازی به سر و صورت هم ضربه نزنند تا همه با خاطره‌ای خوش مدرسه را ترک کنند. در انتهای روز برفی بچه‌ها همه با هم دعا کردند که خدایا این نعمت زیبای برف را بیشتر و بیشتر به کشور ما ارزانی دار.

ساحت اقتصادی و حرفه‌ای

با کمک بچه‌ها کمی برف جمع کردیم تا آب شود و به‌عنوان آب مقطر در آزمایشگاه استفاده کنیم. به آن‌ها توضیح دادم که از این آب برای رادياتور ماشین یا اتوی بخار می‌توان استفاده کرد. بچه‌ها در این میان فهمیدند که این آب به‌اندازه‌ی آب مقطر ارزشمند است و باعث می‌شود عمر اتو افزایش یابد. همچنین آن‌ها یاد گرفتند که برف باعث می‌شود در بهار درختان به آبیاری کمتری نیاز داشته باشند و در مصرف آب در باغداری صرفه‌جویی شود.

ساحت هنری و زیبایی‌شناختی

در نهایت دانش‌آموزان عزیز سازه‌های زیبا و هنرمندانه‌ای ساختند و سعی

بچه‌ها به این نتیجه رسیدند که با زدن قالب در سطوح پلاستیکی راحت‌تر و سریع‌تر از زمانی که با دست کار می‌کنند به نتیجه می‌رسند. آن‌ها همچنین از ابزار ساده‌ی دیگری مثل جارو و خاک‌انداز استفاده کردند و با چند بار تجربه متوجه شدند وقتی قالب‌ها را روی هم قرار می‌دهند، با کمی برف راحت‌تر می‌توانند آن‌ها را به هم بچسبانند.

بچه‌ها در حین برف‌بازی متوجه شدند برف‌هایی که شب قبل در سایه قرار گرفته بودند، کمی یخ زده‌اند و برای قالب‌زدن مناسب‌ترند. آن‌ها در حین ساخت سازه‌های خود مفهوم تعادل را بهتر درک کردند و فهمیدند قالب‌های بالاتر بهتر است اندازه‌ی کوچک‌تری داشته باشند تا سقوط نکنند.

شعر، شعر، ریاضی



سعیده باوری
آموزگار پایه‌ی چهارم ابتدایی

تقریباً بسیاری از ما به این موضوع واقفیم که ریاضی درسی چالش برانگیز در میان دانش آموزان و معلمان شناخته شده است. از این رو، در تدریسمان تلاش می‌کنیم تا به انواع روش‌ها به شیرینی این درس بیفزاییم و از خشکی آن بکاهیم. من نیز به این موضوع بسیار فکر کردم و تصمیم گرفتم بر اساس شعر که مورد علاقه‌ی بسیاری از دانش آموزان است، برخی از مباحث چالش برانگیز ریاضی را آموزش دهم.

● یکی از آن مباحث، آموزش با «میلیون» بود. تلاش کردم برای بچه‌ها شیرین‌تر کنم.

این شعر را می‌توانیم به این شکل بخوانیم:
خانم میلیون هستیم
بعد از هزار نشستیم
قدرت و نیرو داریم
بزرگ‌تر از هزاره
خونمان من میلیون
میلیونه و میلیونه
از سمت راست خون
سه تا سه تا که جدا کن
دو تا سه تا که رفتی
اسم منو صدا کن

● یکی دیگر از موضوعاتی که دانش آموزان در یادگیری آن با مشکل مواجه شده بودند، بحث «تقریب» بود. در این مورد نیز تلاش کردم سختی فهم مطالب را از طریق شعر و تشبیه تقریب به الاکلنگ با شیرینی کلمات موزون و خارج از کلمات تعریف شده، کم کنم:

الاکلنگ زیبا

مهمون امروز ما
می‌خواد برامون بگه
تقریب چیه بچه‌ها
تقریب یعنی عددها
گرد بشن و رند رند
تا بتونی با آن‌ها
حساب کنی تند تند
عدد بزرگ‌تر رو ما
یک طرفش می‌ذاریم
عدد کوچک‌تر رو هم
طرف دیگه می‌ذاریم
حالا بگو ببینم
عددی که خواسته شده
کدوم سمت می‌ذاریم؟
هر طرفی گذاشتی
سنگین می‌شه اون طرف
پس تقریبش پیدا شد
رسیدیم ما به هدف

● مبحث بعدی در ریاضی چهارم مبحث انواع زاویه‌هاست. این موضوع را هم این گونه برای بچه‌ها بیان کردم:

با دستای قشنگم
من زاویه می‌سازم
هر چی عمودتر باشه
من قائمه می‌سازم
از قائمه کوچک‌تر
تند تند تند می‌شه
از قائمه بزرگ‌تر
باز باز باز می‌شه
هی، نگاه کن عزیزم
تو یک نیم صفحه ساختی
با یک نرمش کامل
و تمام صفحه ساختی
یک زاویه جا مونده
زاویه‌ی آزاده! از نیم صفحه بزرگ‌تر
از تمام صفحه کوچک‌تر
حالا بگو ببینم
زاویه یاد گرفتی؟

من با این چهار شعر، هم ساعت‌هایی از زنگ ریاضی را مفرح کردم و هم مباحث را به راحتی به دانش آموزان یاد دادم. اکثر دانش آموزان من به شعر علاقه داشتند. می‌دیدم که اشعار کتاب فارسی را خیلی سریع و دقیق حفظ می‌کنند؛ برای همین، من از شعر برای تدریس استفاده کردم. شما نیز می‌توانید از آنچه مورد علاقه‌ی دانش آموزانتان است، استفاده کنید و ریاضی را برای آن‌ها به درسی خاطر انگیز تبدیل کنید.



عکاس: مجلس اقصای آذربایجان عرس



آماده شویم

بزرگترین وظیفه‌ی منتظران امام زمان علیه السلام این است که از لحاظ معنوی و عملی و پیوندهای دینی با مؤمنین و همچنین برای پنجه درافکندن بازورگویان، خود را آماده کنند.



سید مرتضی

رهبرانقلاب
۸۱/۰۷/۳۰